



ایالت هنر، مرجع تخصصی کنکور هنر

کانال تلگرام: @artstate

ایнстاگرام: state.art

وب سایت: www.art-state.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سیر هنر در تاریخ (۱)

دوره پیش‌دانشگاهی

رشته هنر

شماره درس ۱۴۲۲

۷۰۹ تسلیمی، نصرالله

س ۹۳۵ ت/ سیر هنر در تاریخ (۱) / مؤلف: نصرالله تسلیمی .- تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های
۱۳۹۱ درسی ایران، ۱۳۹۱.

۱۷۳ ص. : مصور.- (آموزش دوره پیش‌دانشگاهی؛ شماره درس ۱۴۲۲)
متون درسی رشته هنر دوره پیش‌دانشگاهی.

برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا: کمیسیون برنامه‌ریزی و تأليف کتاب‌های
درسی رشته هنر دوره پیش‌دانشگاهی دفتر برنامه‌ریزی و تأليف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارداش
وزارت آموزش و پرورش.

۱. هنر- تاریخ. الف. ایران. وزارت آموزش و پرورش. دفتر برنامه‌ریزی و تأليف
آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارداش. ب. عنوان. ج. فروست.

همکاران محترم و دانشآموزان عزیز :

پیشنهادها و نظرهای خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی
تهران- صندوق پستی شماره ۱۵۴۸۷۴ دفتربرنامه‌ریزی و تألیف آموزش‌های
فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ارسال فرمایند.

پیامنگار (ایمیل) : tvoccd@roshd.ir

وبگاه (وبسایت) : www.tvoccd.medu.ir

این کتاب در سال ۱۳۸۹ توسط جمعی از هنر آموزان منتخب مورد ارزشیابی قرار گرفت و
زیر نظر کمیسیون تخصصی رشته هنر دوره پیش دانشگاهی تأثیف مجدد گردید.

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تأثیف : دفتر برنامه‌ریزی و تأثیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش

نام کتاب : سیر هنر در تاریخ (۱) ۳/۵۹۴

مؤلف : نصرالله تسلیمی

اعضای کمیسیون تخصصی : مژگان اصلانی، خدیجه بختیاری، حسن سروندی، بشری گلبخش، میترا عطارد،

معصومه مرادپور و زهرا نهاردانی

نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۰۹۱۱۶۱-۸۸۸۳، دورنگار : ۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت : www.chap.sch.ir

صفحه آرا : سمیه نصری

طراح جلد : محمدحسن عماری

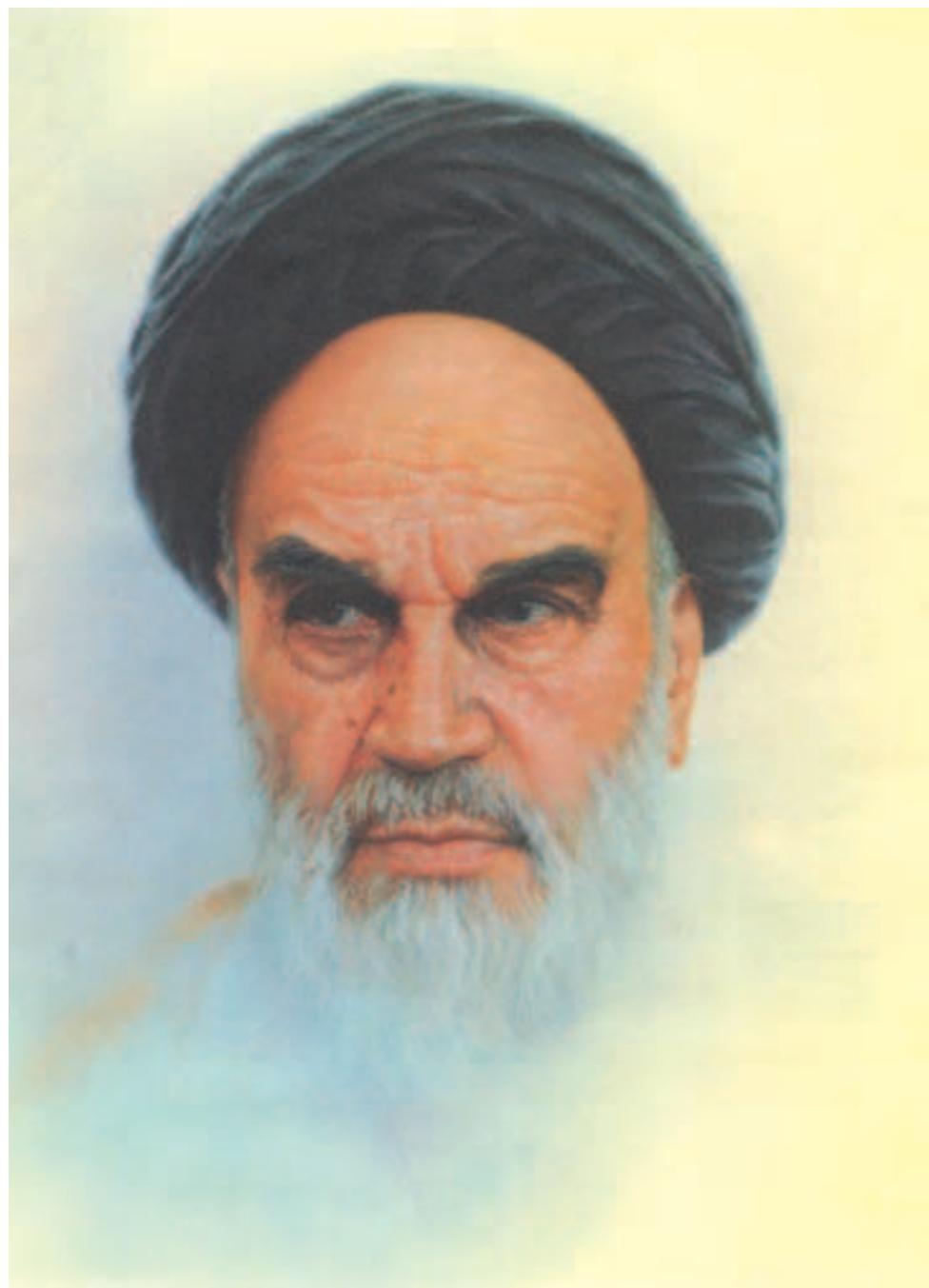
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران- کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج- خیابان ۶۱ (دارو پخش)

تلفن : ۰۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۰۵-۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه : شرکت افست «سهامی عالم»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ سوم ۱۳۹۱

حق چاپ محفوظ است.



همنز عبارت است از دیدن روح بعثت تد در انسانها

امام جمیلی

فهرست مطالب

مقدمه

۶

پیدایش هنر و تمدن

فصل ۱



۱۴

هنر و تمدن ایران باستان

فصل ۲



۴۴

هنر و تمدن میان رودان(بین النهرين)

فصل ۳



۶۰

هنر و تمدن مصر

فصل ۴



۷۶

هنر و تمدن هند

فصل ۵



۹۰

هنر و تمدن چین و ژاپن

فصل ۶



۱۱۲

هنر و تمدن ایران اسلامی -معماری
مسجد کشورهای اسلامی

فصل ۷



۱۷۲

منابع و مأخذ

مقدمه

آشنایی با تمدن های باستانی و حوزه های فرهنگی کهن شاید از ضروری ترین دانش های بشری محسوب شود، چرا که هنر آیینه‌ی تمام نمای هویت فرهنگی انسان‌ها در هر جامعه و هر عصر است و انسان برای شناخت خود و آگاهی به تحولاتی که از ابتدایی ترین نوع زیست تاکنون سپری نموده به این دانش نیاز دارد. امروزه ما در کشورهای متعدد و جوامع گوناگون با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متنوع و گسترده‌ای روبرو هستیم که هر یک از آن فرهنگ‌ها بر یک یا چند تمدن کهن استوار است. شناخت این تمدن‌ها تنها از راه مطالعه‌ی آثار هنری به جای مانده از آن‌ها می‌سر است.

در این کتاب به معرفی چند تمدن شاخص و بحث پیرامون آثار هنری و نحوه‌ی شکل گیری آن‌ها پرداخته شده است. انتظار می‌رود که هنرجویان، پس از مطالعه‌ی این کتاب، با کسب دانش اجمالی نسبت به هنرهای ادوار باستان بتوانند به تجزیه و تحلیل آثار و درک ارتباط آن‌ها با خاستگاهشان دست یابند.

از آنجا که بودجه بندی زمانی در ترم دوم تدریس و تفهیم کتاب سیر هنر در تاریخ ۲ را تحت تاثیر قرار می‌دارد، فصل هفتم، هنر اسلامی به این کتاب منتقل شده است. هنرجویان هر چند تاریخ هنر ایران و جهان را گذرانده یا بصورت پیش نیاز داشته‌اند، اما بعد از گذراندن واحدهای اصلی و تخصصی با نگاهی دوباره و متفاوت به قیاس تمدن‌ها و فرهنگ‌های گذشته با فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی آگاهی بیشتری به هویت خویش پیدا خواهد کرد چرا که اصل هویت در تفکر هنرمندان انگلار ناپذیر است.

هدف کلی: آشنایی با سیر تحول هنر در تاریخ

فصل اول

پیدایش هنر و تمدن



ح ۶۰۰ ق. م
عصر آهن

ح ۱۰۰۰ ق. م
عصر مفرغ
نوسنگی اروپا

ح ۲۰۰۰ ق. م
عصر مس و سنگ نو
نوسنگی اروپا

ح ۴۰۰۰ ق. م
عصر مس و سنگ قدیم

ح ۶۰۰۰ ق. م
دوران نوسنگی

ح ۸۰۰۰ ق. م
دوران میان سنگی

ح ۱۰۰۰۰ ق. م
دوران پارینه سنگی

PREHISTORIC EUROPE AND THE NEAR EAST



فصل اول



پیدایش هنر و تمدن

اهداف رفتاری:

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود :

- ۱- هنرپیش از تاریخ را توصیف کند.
- ۲- به تصویر روشنی از چگونگی شکل‌گیری آثار هنری در پیش از تاریخ دست یابد و آن را توضیح دهد.
- ۳- انگیزه و هدف خلق آثار هنری را در ابتدایی ترین ادوار توصیف کند.
- ۴- مفهوم و تعریف تمدن را بیان کند.
- ۵ - منابع ارزشمندی را برای باستان‌شناسی توصیف کند.

اهمیت مطالعه در هنر

مطالعه هنر در دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی ضرورت دارد، چرا که تعریف هنر همواره مورد بحث متفکران بوده و بی شک شناخت هنر به عنوان پدیده‌ای گویا و واسطه انتقال مفاهیم و اطلاعات مورد توجه است و به چنین مطالعه‌ای نیاز دارد. از سوی دیگر، در معنای تاریخی نیز نظری قطعی وجود ندارد. در فرآیند تدوین تاریخ هر قدر به عقب‌تر باز می‌گردیم از حجم منابع مکتوب کاسته می‌شود و سرانجام به ادواری می‌رسیم که از آنها هیچگونه اطلاعات نوشتاری به دست نیامده است. به راستی تاریخ در کجا و از چه زمانی آغاز می‌شود و تفاوت میان رخدادهای پیش یا پس از تاریخ چیست؟

اساساً قبل یا بعد از تاریخ به چه معناست؟ در پاسخ به این پرسش باید بگوئیم که بشر برای آگاهی از

ویژگی‌های هر دوره همواره به نوشتهدانی به جای مانده از آن عهد رجوع می‌کرده و بر اساس آن، تاریخ و پیشینه‌ی خود را مدون کرده است. از همین جاست که مفهوم تاریخ شکل می‌گیرد و پیش از تاریخ شامل دوره‌ایی می‌گردد که آثار مکتوب از آنها به جای نمانده است.

با گذشت زمان، دانش بشری نیز گرایش‌های متعدد و متنوعی یافت. یکی از این گرایش‌ها "باستان‌شناسی" است که در کشف آثار به جای مانده از تمدن‌های کهن نقش اساسی دارد. باستان‌شناسی روزنه‌ای است که انسان توانست از طریق آن به گذشته خویش بتکرد و بر آن بخش از تاریخ، که در زیر خروارها خاک یا در عمق غارهای تاریک پنهان گشته بود، نظر افکند.

باستان‌شناسی علمی است که هدف آن کشف و بررسی آثار مربوط به ادوار پیش از تاریخ و تاریخی است. هدف این اکتشافات و مطالعات، درک تقدم و تأخر وقایع و سیر تحول فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در یک روند منطقی و صحیح است.

این علم از یک سو با انسان‌شناسی و قوم‌شناسی و از سوی دیگر با علم تاریخ، خط‌شناسی و فرهنگ‌های بومی مرتبط است و لذا گستره‌ی وسیعی را تحت پوشش قرار می‌دهد. علم باستان‌شناسی بر اشیاء و آثار به جای مانده و یافت شده از ادوار کهن اتکا دارد. آثاری از سنگ، استخوان، سفال، بقایای معابد و آتشگاهها، قبرها و ویرانه‌های بر جای مانده از دهکده‌ها، شهرها، کتبیه‌ها و ... ابزار و منابعی هستند که باستان‌شناسان نظریه‌های خود را بر آنها بنا می‌کنند. حتی فسیلهای، بقایای برگ‌ها و دانه‌ی گیاهان می‌توانند باستان‌شناسان را در پی بردن به آثار زیست انسان‌ها و کشف اشیاء و مصنوعات در آن حوالی باری کنند.

یافته‌های باستان‌شناسان، به حلقه‌های زنجیری می‌ماند که می‌تواند از یک سو، انسان امروزی را با گذشته اش مرتبط سازد و از سوی دیگر پرده از وجود ارتباط میان اقوام مختلف بشری در گذشته‌های دور بردارد، اقوامی که ممکن است در طول تاریخ چنان از یکدیگر جدا شده باشند که امروز تصور هر نوع قرابت و انس دیرینه‌ای را در میان خود باور نداشته باشند. اما این آثار بدون دستیابی به معنا و مفهوم و رمز و رازهایشان همچون کتاب‌هایی خواهند بود که به زبانی بیگانه نگاشته شده باشند. لذا تا انسان با زبان هنر هر دوره‌ای آشنا نشود نمی‌تواند معانی و ویژگی‌هایی را که در لابلای خطوط، رنگ‌ها، شکل‌ها و ... نهفته است در یابد.

پیدایش تخصص‌های مختلف هنری حکایت از نیاز انسان به حفظ میراث فرهنگی دارد. هر چه زمان به جلو می‌رود، احساس نیاز بشر نسبت به حفظ هویت خود بیشتر می‌شود. هر چه بشر در مورد هویت خود عمیق‌تر می‌اندیشد آثار هنری را صادق‌ترین آئینه‌ی هویت خود می‌یابد. این آثار هنری هستند که جوهره‌ی

هویت انسان را در طول دوران با خود حمل کرده اند. انسان امروز ارزش این گنجینه را که با تاریخ تفکر، فطرت و هویت او مرتبط است، دریافته و قصد دارد تا با بهره گیری از علوم و فنون متفاوت آن را پاس دارد. انسان تا مدت ها آثار هنری به جای مانده از نیاکان ماقبل تاریخ را همچون اشکالی بدوی، ناپخته، فاقد بیان هنری و حتی بی ارزش و بی معنا می پنداشت. اما ارتقای دانش نسبت به این آثار، یافتن وجهه تشابه میان آنان و سیر در ابعاد مختلف زندگی انسان اولیه، نیازها و باورهای او رفته رفته پرده از ابهامات برداشت و به این آثار گنگ و مرده، زبان و جان بخشید.

همانطور که تمام کودکان، از هر نژاد و ملیت و دین به تبع داشتن فطرت پاک مشترک دارای هویتی واحد هستند و این هویت واحد را در تشابه آثار نقاشی کودکان می توان مشاهده کرد تصاویر (۱-۳) تا (۱-۱). هنر انسان های نخستین در موقعیت های جغرافیایی کشف شده و متعلق به اقوام متفاوت دارای تشابهات ساختاری و محتوایی می باشد. در تصاویر یاد شده سه نقاشی دیواری را متعلق به سه زمان و سه موقعیت جغرافیایی مشاهده می کنید که هم از لحاظ مضمون و هم به جهت شیوه کار تشابهات بسیاری دارند.



۱- شکارچیان: نقاشی دیواری متعلق به ۵۵۰۰ ق.م. دکن- هند



۲- شکارچیان: نقاشی دیواری به قدمت تقریبی ۸۰۰۰ سال ق.م. کاشن- اسپانیا



با توجه به گسترش حوزه های معرفتی و دانش بشری و نظریات متعدد، تعاریف گوناگونی در زمینه هنر وجود دارد. امروزه هنر را معادل علم و معرفت و دانش و فضیلت و کمال، زیبایی شناسی و مهارت های خاص و بیان احساسات تعریف کرده اند.

پیدایش هنر



۱-۴ - گلومیش‌ها - قسمتی از نقاشی سقفی غار آلتامیرا -
اسپانیا، ۱۱۰۰۰ - ۱۲۰۰۰ قبل از میلاد

با مطالعات انجام شده مشخص گردیده که انسان‌های اولیه با مخاطراتی روبرو بوده‌اند که همواره آنها را در تشویش و نگرانی قرار می‌داد. خشم طبیعت جسم و روحشان را می‌آزد، از این‌رو نیازهای ابتدایی زندگی، چون تأمین خوراک و پنهانگاه و جدال برای بقای روزانه، تمامی زندگی شان را دربر می‌گرفت. زندگی گروهی برای انسان‌های اولیه از مواردی بود که می‌توانست در نیل به آرامش نسبی آنان مؤثر باشد. آرامشی که می‌توانست بخشی از نیروهای او را که در کشمکش آزار دهنده با طبیعت و بقای فردی صرف می‌شد آزاد کند و از این‌جا سوی تفکر و تأمل در خویشتن و پی‌ریزی زندگی منضبط‌تر آینده هدایت نماید. ابتدایی‌ترین آثار هنری که انسان خلق کرده و تاکنون یافت شده، به حدود سی هزار سال قبل باز می‌گردد و دوره‌های پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی تا شروع تمدن‌های باستانی را دربر می‌گیرد. این آثار شامل تصاویری از انسان و حیواناتی چون گاو کوهاندار، گاو وحشی، گوزن، اسب و... و تنديس‌های انسانی و معماری است (تصویر ۴-۴).

معمولًا محل نقاشی‌ها در عمق غارها و دور از نور طبیعی بوده است. از این‌رو به نظر می‌رسد آثار هنری یافته شده جنبه‌ی تزئینی و نمایشی و مبنای زیبایی شناختی نداشته باشد. تأمل بیشتر در این موضوع، بر این واقعیت تأکید می‌کند که اولین نقاشی‌های آفریده شده دست انسان به طریق اسرارآمیزی دور از دید عموم کشیده شده است.

حال اگر این نقاشیها، برای زیباتر کردن محیط، به منظور نمایش و ایجاد لذت بصری خلق نشده‌اند، چرا انسان‌های اولیه با ابزارها و وسایل بسیار ابتدایی و مشکلات عدیده طبیعی که همواره زندگی آنها را به مخاطره می‌افکنند، این آثار را ترسیم کرده‌اند؟

همانطور که اشاره شد موضوع اکثر نقاشی‌های دیوار و سقف غارها تصویر جانوران بوده است (تصویر ۱-۵). این جانوران نقش مهمی در بقای انسان اولیه (به عنوان غذا) داشته‌اند. البته شکار جانوران عظیم الجثه و خطرناکی چون گاو وحشی، گوزن و... برای بشر نخستین، کاری بس دشوار و خطرناک بوده و چه بسا جان خود را در این شکارهای متھرانه از دست می‌داده است. این نقاشی‌ها نه تنها با زندگی روزمره‌ی پیشینیان ما ارتباط موضوعی داشته‌اند، از جنبه کاربردی نیز حائز اهمیت بوده‌اند.

شاید انسان نخستین با دقت در ترسیم شکل، حرکات و رفتار و تنشیات جسمی یک جانور، به شناختی جامع از حرف قدرتمند خود دست می‌یافته و با آفرینش دوباره‌ی آن جانور در قالب تصویر بر دیوار و سقف غار، گویی بخشی از وجود آن جانور را که به تسخیر در می‌آورده، مغلوب خود کرده و سپس با تیراندازی به سوی آن بر مهارت خود می‌افزوده است و هنگامی که به شکار می‌رفته با اعتماد به نفس و مهارت بیشتری با



۱- دلان گاوها - غار لاسکو، فرانسه - (۱۳۰۰۰ - ۱۵۰۰۰) قبل از میلاد. (بزرگترین شکل گاو)

شکار روبرو می شده است. شاید هم با ترسیم پیکره جانور، حیوان حذف شده را مجدداً به چرخه طبیعت باز می گرداند است. از این رو شاید آثار بدست آمده (نقاشیها و پیکره ها) برای او از اهمیت اسرارآمیزی برخوردار بوده و همچون طلسما های جادویی عمل می کرده اند.

با این حال نیاز ذاتی انسان به بهبود و کمال، او را به تغییر ساختار زندگی و تکامل شیوه های معیشتی رهنمون کرد. رفته رفته از شکار جانوران به نگهداری و پرورش آنان (دامداری) روی آورد و بتدریج راز و رمز خاک را کشف کرد و راه و رسم کشاورزی را آموخت.

شیوه جدید زیست، انسان را در ایجاد سرپناه های دائمی و استقرار در محدوده های جغرافیایی مشخص ناگزیر ساخت و با سپری شدن زمان، مهارت در خانه سازی که از ملزمات زندگی گروهی بود، پیشرفت کرد و برای تهیه ظروف پخت و نگهداری مواد غذایی به سفالگری و ریخته گری دست یافت و با استفاده از رنگ های طبیعی (معدنی، گیاهی، جانوری) در تزئین و زیباسازی محیط زندگی، صنایع دستی، نقاشی ها و پیکره ها که بیانگر توان هنری انسان ها بود به صورت پیشرفته تری دست یافت.

همین جوامع کوچک ابتدایی نقطه ای شکل گیری تمدن های بزرگ در ادوار بعد شد. تمدن هایی که آثار ارزشمندی به جای مانده از آنها معرف تأثیری ژرف در سرنوشت بشریت است و ما انسان های معاصر، بخش اعظمی از هویت کنونی خویش را مدیون همین تمدن ها هستیم.

پیدایش تمدن

لفظ تمدن^۱ از ریشه «مدینه» (شهر) اخذ شده است و آنرا «شهر نشینی» و خصلت های مربوط به زندگی شهری می دانند. تمدن به مفهوم «نظام اجتماعی بلند مرتبه» با شاخص هایی چون: «هنر»، «علم»، «فرهنگ» و «نظام حکومتی پیشرفته» است و در مقیاس وسیعتر، به مرحله ای از رشد فکری، علمی، ادبی و فرهنگی گفته می شود که فرد متمدن را به عنوان انسانی فرهیخته از دیگر انسان ها متمایز می سازد.

با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که هر اجتماعی انسانی را، در قالب شهر یا کشور و حتی منطقه، نمی توان تمدن نامید جز آنکه در زمینه هنر و فرهنگ و دانش و حکومت پیشرفته باشند. هنگامی که سخن از تمدن های کهن به میان می آید دو منبع ارزشمند و قابل اعتماد وجود دارد: منابع مکتوب و دیگری آثار هنری و معماری است.

۱- منابع مکتوب:

شامل کتبیه ها - الواح - نسخ خطی و که خود به عنوان آثار هنری معرف ذوق و حس زیبایی شناسی یک ملت هستند و دیگری کتاب ها که یافته های علمی یک تمدن و ملت را آشکار و اطلاعاتی در مورد ابعاد مختلف زندگانی در آن عصر را بیان می کنند.

۲- آثار هنری و معماری:

شامل اطلاعات دقیق و ظریف دوران خود بوده و نشانگر روح حاکم بر یک ملت هستند. به همین دلیل است که امروزه موزه ها نه تنها محل جذب هنرمندان هستند، بلکه آثار هنری از منابع اصلی تحقیقات علمی، فرهنگی، تاریخی و دیگر علوم انسانی به شمار می روند.

پرسش

- ۱- علم باستان شناسی چیست؟ و چه اهدافی دارد؟
- ۲- ابتدایی ترین آثار هنری انسان از چه زمانی بدست آمده است و چه تصاویری را نشان می دهد؟
- ۳- انگیزه هی انسان غارنشین از آفرینش هنری چه بوده است؟ توضیح دهید.
- ۴- مفهوم تمدن چیست؟ انسان متمدن به چه کسی گفته می شود؟
- ۵- مهمترین منابع قابل اعتماد برای باستان شناسی کدامند؟ توضیح دهید.
- ۶- به نظر شما وظیفه یک هنرمند برای ثبت بهتر تاریخ چیست؟ در این مورد در کلاس گفت و گو کنید.

^۱. Civilization

فصل دوم

هنر و تمدن ایران باستان

دوران اسلامی

ح ۶۵۱ م

ساسانیان

ح ۲۲۶ م

اشکانیان

ح ۳۲۰ ق. م

هخامنشیان

ح ۵۵۰ ق. م

دوره مهاجرت آریایی‌ها و مادها

ح ۲۰۰۰ ق. م

دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام

دشت لوت مرکز ایران

ح ۴۰۰۰ ق. م

دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در

تپه‌های باستانی

MENISTAN



KUCHISTAN



فصل دوم



هنر و تمدن ایران باستان

اهداف رفتاری :

پس از پایان فصل از فرآگیر انتظار می‌رود:

- ۱- جایگاه و اهمیت تمدن ایران را توضیح دهد.
- ۲- شاخص ترین مناطق باستان شناسی تمدن ایران را نام ببرد.
- ۳- ویژگی باستان شناسی تپه سیلک، مارلیک و لرستان را توصیف کند.
- ۴- هنر باستانی ایلام و ماد را شرح دهد.
- ۵- هنر دوره‌ی هخامنشی را توصیف کند.
- ۶- تفاوت‌های هنر اشکانیان را با هنر هخامنشی توضیح دهد.
- ۷- شباهت‌ها و تفاوت‌های هنر ساسانیان را با هنر هخامنشی و اشکانی شرح دهد.

هنر و تمدن ایران باستان

یکی از تمدن‌های بزرگ دوران باستان تمدن ایران است. این منطقه باستانی جغرافیایی بزرگی با تنوع نژادی و قومیت‌های مختلف مهم‌ترین ارزش‌های هنری دوران باستان را تا به امروز به یادگار گذاشته است.

تاریخ فرهنگ و هنر ساکنان فلات ایران به دوران پارینه سنگی باز می گردد، اما شاخص‌ترین آثار به جا مانده در فلات ایران اغلب مربوط به دوران نوسنگی می‌باشد. سیر فرهنگ و تمدن با ساخت سفال در حدود اواخر هزاره نهم، اوایل هزاره هشتم قبل از میلاد در مناطق غربی ایران به ویژه کوههای زاگرس، لرستان و گنج دره هرسین (کرمانشاه) شروع شد.



پس از مدتی سفالینه‌های منقوش به شیوه دست‌ساز پدید آمد (در مناطقی چون تپه گوران، لرستان، علی‌کش دهلران). با اختراع چرخ سفالگری در اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم ق.م و پیشرفت فناوری پخت سفال که می‌توان نمونه‌هایی از سفالینه‌های منقوش با کیفیت مناسب را در کلیه‌ی مناطق فلات ایران تا حدود سه هزار سال پیش از میلاد با ویژگی‌های اختصاصی هر منطقه مشاهده کرد. شاخص‌ترین آثار از تپه سیلک در کاشان، تپه حصار دامغان، تل باکون فارس، شوش، تپه زاغه‌ی قزوین، چشمه علی ری به دست آمده است. اشکال و تزئینات این سفالینه‌ها بیشتر تزئینات هندسی و نقوش انسانی و جانوری است. نمونه‌های شهری فلات ایران به تاریخی بیش از هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد. در این شهرها از لوح‌های گلی برای نگارش استفاده می‌شد که عمده‌ای صورت خطی و تصویری در ایلام قدیم و برخی مناطق از جمله تپه سیلک، شهر سوخته‌ی گودین تپه و به طور مشخص در شوش دیده شده است.

در هزاره سوم قبل از میلاد تمدنی پر رونق در جنوب شرقی ایران (کرمان، شهداد، تپه یحیی، و تمدن دشت لوت) پدید آمد که ارتباطش با میان رودان (بین‌النهرین) کمتر و تبادلات فرهنگی و هنری اش با محدوده‌های بلخ جنوبی یا شمال افغانستان و شمال شرق فلات ایران بیشتر است. برجسته‌ترین اثر به دست آمده از این دوران پرچم مسی شهداد (تصویر ۱ - ۲) با نقش فردی نشسته بر تخت

با مناظر پیرامون می‌باشد.

۲-۱- درفش مسی شهداد- اولین پرچم شناسایی شده ایرانی، این پرچم تاریخی که بروی آن نقش درخواست آب از الهه باران حک شده مربوط به منطقه شهداد کرمان است . هزاره سوم ق.م ، موزه ملی ایران

بیشترین آثار بدست آمده متعلق به مناطق باستانی تپه سیلک، گوران کرمانشاه، علی‌کش دهلهز، گنج دره هرسین (کرمانشاه) است. در اینجا به شاخص‌ترین آنها که در جهان شناخته شده‌اند پرداخته می‌شود.

سیلک

تپه‌ی سیلک (تصویر ۲-۲) در شهر کاشان واقع شده است. قدمت آن به هزاره‌ی ششم ق.م باز می‌گردد.



۲- دو خاکریز بزرگ باستانی تپه سیلک کاشان، حفار گردشمن
۱۳۱۲-۱۳۱۵- بین هزاره ۶ تا هزاره اول ق.م

در حفاری‌های سیلک شاهد قبرهایی هستیم که در آنها ظروف، اسلحه و جواهرات مفرغین همراه با جنازه‌ها دفن شده‌اند. در تپه سیلک کمتر به مصنوعاتی از طلا و نقره برمی‌خوریم. شهرت تپه‌ی سیلک بیشتر به واسطه کوزه‌ها و دیگر ظروف سفالین رنگین و منقوشی است که از حفاری‌های بدست آمده است (تصویر ۳-۲). تزئینات این ظروف یا هندسی، یا نقش جانوران تلفیقی و یا تلفیقی از هردو است. زیبایی شکل و تناسبات رعایت شده در ساخت ظروف واقعاً قابل تحسین است. در رنگ‌آمیزی این ظروف از رنگ‌های سفید، خاکستری، طیف قرمز (از صورتی تا بنفش) استفاده شده است. هنرمندان سفالگر در رنگ‌آمیزی این ظروف گاهی از رنگ طبیعی گل یا سفال، که طوسی یا شیری یا قرمز بوده، بهره جسته‌اند. ترکیب نقوش جانوری و هندسی در این ظروف بسیار بدیع و زیباست.



۳- پارچ دهنه ناوданی (ظروف منقاری) نقوش هندسی و حیوانی قرمز رنگ بر زمینه کرم، عصر آهن ۲ (۸۰۰-۱۰۰۰ ق.م)- تپه سیلک، بلندی ۱۹/۴ cm

سفالگری از جمله هنرهایی است که با زندگی روزمره مردم سروکار دارد و اساساً هنری مردمی است که ارزش آن را تنها باید در ذوق و حس زیبایی شناسی مردم یک تمدن جستجو کرد.

مارلیک(چراغعلی تپه، اوخر هزاره دوم ق.م- اوایل هزاره اول ق.م)

منطقه‌ی مارلیک در دره گوهر رود (در شمال ایران، نزدیک سفید رود) واقع شده است. بیشتر آثار مارلیک از دل قبرها کشف شده‌اند. ابعاد قبرها متفاوت است و کوچکترینشان 1×2 متر است و وسعت قبرهای بزرگ 5×6 متر هم می‌رسد. در قبرهای مارلیک (که عمدتاً آرامگاه سلاطین و بزرگان این منطقه بوده است) آثاری از جنس مفرغ، طلا، نقره (تصویر ۴-۲)، و سفال کشف شده است. عمدی این آثار را جام‌ها، پیاله‌ها و تندیس‌های کوچک انسانی و جانوران تشکیل می‌دهند. زیورآلات کشف شده مارلیک شامل مهره‌های طلایی و تزئینات چهار حلقه‌ای می‌باشد.

از مقایسه آثار مکشوف از تپه سیلک با مصنوعات ساخته شده از طلا و نقره مارلیک، می‌توان احتمال داد که اهالی مارلیک متمول تر و مرفه‌تر از ساکنین سیلک بوده‌اند.



۲-۵ - ظرف پرداخت شده سفالی خاکستری به شکل گاو نر کوهنیار (ورزاو)،
تپه مارلیک اوخر هزاره دوم ق.م. 16 cm



۲-۶ - جام نقره‌ای با نقش بر جسته، اوخر هزاره دوم ق.م. نمایش اسبها در بالای حلقه وسط و حمله شیر بالدار به بز کوهی در پایین حلقه، مارلیک،
بلندی 14 cm

آثار منحصر بفرد و ویژه تپه مارلیک گاو کوهاندار(تصویر ۵-۲) است که سر آن به ناودان تبدیل شده و محل ریش مایعات است.

لرستان

لرستان از مناطقی است که به واسطه کشف آثار مفرغین زیبا و استثنایی شهرت یافته است(صنعت مفرغ بین ۱۵۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد در لرستان رواج بسیار داشته است). بخش هایی از لرستان را دشت های سبز و وسیع تشکیل می دهد که مکان مناسبی برای پرورش اسب بوده و هست. اسلامی ها اسب های خود را از لرستان تأمین می کردند. در کنار پرورش اسب، ما شاهد آثار زیبایی هستیم که به نحوی با اسب های ورزیده لرستان مربوط می شوند(تصویر ۶-۲). انواع دهنده ها، پوزه بندها و دیگر تزئینات و یراق های سوار کاری از این جمله اند.

از مقبره های مکشوف در لرستان مقدار بسیار زیادی مفرغینه زیبا و گرانبها کشف شده است که حیوانات موضوع اصلی آنها هستند که برخی به صورت موجودات افسانه ای و گاهی با ویژگی های انسانی بیان شده اند. موضوع تکراری آنها عمدتاً بز و شیر است.

به غیر از تجهیزات اسب، انگشتتر، مهر، خنجر و تبر زین نیز از این مقابر بدست آمده است. کشف این آثار از درون قبرها نشان می دهد که مردم لرستان در هزاره دوم و اول قبل از میلاد همراه اموات خود تجهیزاتی



۲-۶ - دهنده ای اسب ، بزهای بالدار مفرغی ، لرستان ، سده ۱۰ تا ۷ قبل از میلاد

را نیز به خاک می سپرند. کثرت تعداد مفرغینه های مربوط به اسب، از جایگاه مهم این جانور در فرهنگ آن مردم حکایت دارد.

در تصویر(۲-۷) نمونه دیگری از مفرغینه های زیبای لرستان را مشاهده می کنید. با دقت در انحنای زیبای لبه تبرزین و ظرافتی که در تزئینات آن بکار رفته است معلوم می شود اثری چنین هنرمندانه قطعاً پشتونه ای سنتی قوی، غنی و طولانی داشته است.

ایلام

ناحیه ای در بخش جنوب غربی ایران در هزاره سوم قبل از میلاد در سه دوره ایلام آغازین، میانه و جدید با مرکزیت شوش شکل گرفت. سیر تکاملی فرهنگی، هنری این تمدن به دلیل برخورداری از روش های مناسب آبیاری و کشت و پرورش گیاهان، شکوه و عظمت یافت. از دیگر شهرهای ایلامی می توان به انشان، هفت تپه و چمامیش اشاره کرد. اما شوش به عنوان یکی از مهم ترین مناطق باستانی تا دوره های بعدی نیز توانست همچنان رونق خود را حفظ کند.

نمونه هایی از آثار نوشتاری ایلام آغازین حدود سه هزار قبل از میلاد بدست آمده است. از نمونه های سفالینه های ایلام می توان به سفالینه های موسوم به کفتری (کبوتری) نخودی رنگ با تصاویر دیفی پرندگان اشاره کرد که از تپه «هلیان» بدست آمده است. مهم ترین آثار فلزی شناخته شده ایلام پیکره مفرغی



۲-۸- مجسمه شاهزاده ناپیر آسو، ایلام، ۱۳۰۰-۱۳۵۰ق.م. مفرغ و مس، موزه لور پاریس



۲-۷- سر تبر مفرغی، لرستان، سده ۱۰ تا ۷ ق.م. بلندی ۲۰/۵ cm



۲-۹- معبد چغازنبیل، حفاری سالهای ۱۳۴۱-۱۳۳۰

«نپیرآشو»(نپیرآسو)(تصویر ۸-۲) همسر فرمانرو «اونتاش نپیرشا» است که متعلق به سده ی سیزده قبیل

از میلاد می باشد.

شاخص ترین اثر معماری به جا مانده ایلامی معبد چغازنبیل(تصویر ۹-۲) که قدمت تقریبی آن به ۱۲۵۰ ق.م (حدود ۷۰۰ سال قبل از سلطه‌ی شاهنشاهی هخامنشی) باز می گردد. این اثر که از سوی یونسکو عنوان یکی از مقاشر میراث فرهنگی جهانی به ثبت رسیده، گواه استواری بر قدرت و غنای فرهنگ کهن ایران است. زیگورات^۲ زیبا و با عظمت چغازنبیل بصورت برج پنج طبقه ساخته شده است.

این بنا در نزدیکی شهر شوش در استان خوزستان کنونی توسط اونتاش نپیرشا(اونتاش گال) برای اینشوشنیاک خدای شهر شوش ساخته شده است. بخشی از تزئینات ساختمانی این معبد را آجرهای لعابدار تشکیل می دهند. از دیگر آثار هنری ایلامی مهرهای استوانه‌ای لعابی و شیشه‌ای است (تصویر ۱۰-۲ و ۱۱-۲).



۲-۱۰- لوح نوشتاری سفالین دیواری لعابدار، چغازنبیل به نام فرمانرو اونتاش ، نپیرشا، سده‌ی ۱۴ ق.م . حدود ۳۷/۵ cm

ماد

حضور تاریخی مادها به سده نهم پیش از میلاد باز می گردد. آنها تیره‌ای از اقوام هندو اروپایی بودند که باعث اتحاد و هماهنگی ایران شدند. در سده هفتم قبل از میلاد گروه های گستردۀ ای از مادها پیرامون همدان کنونی(هگمتانه یا اکباتان) گرد آمدند، و پارسیان در سرزمین باستانی پارس^۳ مستقر شدند. و این دو قوم (مادی و پارسی) سرزمین گستردۀ ایران را پدید آوردند. مادها در سال ۶۱۲ ق. م به رهبری کیاکزار همراه با اتحاد بابلی ها سرزمین آشوریان را در نیمرود و



۲-۱۱- آویز از سنگ یمانی، آبی کمرنگ با تکیبه ایلامی، سده‌ی ۱۲ ق.م ۴cm

۲. زیگورات برج های چند طبقه از خشت و آجر بصورت بنایی عظیم کوه مانند در تمدن ایلام و بین النهرین بوده است.

۳. پارسوا و پارسوماش

نینوا به تسخیر درآورده و در حدود ۵۹۰ ق.م مادها بر نواحی شمال عراق کنونی مستقر شدند و توانستند تمامی سرزمین امپراتوری آشور را تحت تسلط خود درآورده و کلیه مناطق آناتولی تا مرکز فلات ایران را تحت نظارت خود درآورند. همچنین منطقه بلخ (افغانستان شمالی) تا حدود رودخانه جیحون (آمو دریا) را نیز تصرف کردند. از این رو در نیمه نخست سده ششم پیش از میلاد محدوده قلمرو مادها ناحیه وسیعی را در غرب از رودخانه هالیس (قزل ایرماق کنونی) در سرزمین لیدیه آسیای صغیر (ترکیه کنونی) تا شرق (جیحون) در برگرفت.

مهمترین آثار بدست آمده از گنجینه جیحون (تصویر ۲-۱۲) آثار طلایی است. از یافته های معماري مادها در مناطق همدان، ملایر (نوشی جان تپه) و کنگاور (گودین تپه) دیده شده است (تصویر ۲-۱۳). اولین سفالينه های منقوش و رنگين در فلات ایران نيز از دوران مادها بدست آمده است (تصویر ۲-۱۴).



۲-۱۲ - طرح ارابه طلایی با سربازان ماد، گنجینه جیحون، سده‌ی ۵ و ۴ ق.م، ۱۸۸ cm



۲-۱۴ - کاشی گلی باباجان لرستان شامل ۱۷۶ عدد در کف تالار ۴۱/۵ × ۴۷



۲-۱۳ - چشم انداز منطقه مادنشین نوشی‌جان، شامل چهار ساختمان روی صخره

شاخص معماری ماد در خانه‌های کشف شده در هگمتانه، وجود کاخی در نوشی جان تپه و گور دخمه‌های "دکان داود"، "داو دختر" (مسنی فارس)، شیرین و فرهاد (سراب صحنه در راه همدان به کرمانشاه)، سکاوند (هرسین کرمانشاه)، قیزقابان (سلیمانیه عراق) و فخریکا (شمال شرقی مهاباد) و ... است. در دست نبودن آثار مربوط به مادها و بقایای آنها شاید به دلیل تسلط یافتن هخامنشیان در دوران بعدی باشد که به لحاظ گستردگی و عظمت آنها را پوشش داده است.

پرسش

- ۱- قدیمی‌ترین آثار سفالی فلات ایران در چه مناطقی به دست آمده و شامل چه نقوشی است؟
- ۲- شهرت تپه‌ی سیلک به واسطه‌ی چه آثاری است؟ توضیح دهید.
- ۳- آثار به دست آمده از مارلیک را چه چیزهایی تشکیل می‌دهند و چه خصوصیاتی دارند؟
- ۴- صنعت مفرغ در کدام منطقه رواج داشته است؟ آثار به دست آمده از این منطقه دارای چه ویژگیهایی است؟
- ۵- معبد چغازنبیل در کدام منطقه واقع شده و مربوط به چه تمدنی است؟ خصوصیات آن را بیان کنید.

هخامنشی

سرآغاز دوران هخامنشی به سال ۵۵۰ قبل از میلاد و با سرنگونی آخرین پادشاه ماد یعنی «آستیاک»^۴ شروع گردید. کوروش کبیر^۵ پس از به قدرت رسیدن در سالهای ۵۴۶-۵۴۷ قبل از میلاد سرزمین لیدیه و سارد را فتح نمود و از این رو بخش غربی آناتولی را نیز تحت تسلط خود قرار داد و در سال ۵۳۹ ق.م. سرزمین‌های میان رودان (بین النهرين) و بابل را فتح کرد و سپس سوریه و فلسطین امروزی به قلمرو پادشاهی هخامنشی اضافه شد و کمبوجیه دوم پسر بزرگ کوروش به مصر حمله و آن را نیز تصرف نمود. گستره عظیمی از سرزمین‌های مدیترانه تا شرق و از دریای سیاه تا سرزمین‌های بادیه نشین و صحرای جنوبی (صحرای عربستان) به تصرف کوروش درآمد و امپراتوری بزرگ ایران را پایه گذاری کرد. کوروش پایتخت خود را هماهنگ با موقعیت پادشاهی اش در



تصویر ۱۵- کاخ آپادانا کوروش، پاسارگاد، سده‌ی ۵ ق.م.

پاسارگاد^۶ بنانهاد (تصویر ۱۵-۲).

^۴- آستیاک (Astyages) آخرین پادشاه ماد، پدر ماندانا (مادر کوروش)

^۵- کوروش پسر کمبوجیه اول

^۶- پارسه گرد = اردوگاه پارسیان



۲-۱۶- نقش بر جسته سنگی انسان بالدار
پاسارگاد، سده ۵ ق.م

در پاسارگاد ساختمنهایی با قابلیت های متفاوت وجود دارد، شامل دروازه ورودی، دو کاخ کوچک و برج سنگی معروف به «زندان سلیمان» و سکوی سنگی بزرگی موسوم به «تل تخت» که به احتمال کاخی است که هیچگاه ساخته نشد و نقش انسان بالدار(تصویر ۲-۱۶) بر روی پایه سنگی با کتیبه هایی به زبان پارسی ایلامی و بابلی و بعدها مقبره کوروش به این مجموعه اضافه گردید(تصویر ۲-۱۷).

کاخ های موجود دارای راهروهای ستون دار و ایوانهایی در جوانب آن می باشد که میان آنها باغ وسیعی وجود داشته است. این باغ به واسطه روشی با مسیرهای سنگی آبیاری می شده که این نوع باغ سازی نمونه باغ های رسمی ایرانی می باشد که حتی تا دوران اسلامی تداوم داشته است. از دیگر آثار متعلق به این دوران کتیبه‌ی بیستون است که شرح حال دوران داریوش را ثبت کرده است(تصویر ۲-۱۸).

کتیبه های میخی دوران هخامنشی به سه خط «پارسی باستان»، «بابلی» و «ایلامی» نگاشته شده که شاخص آن را می توان در «پاسارگاد»، «بیستون» و «گنج نامه» در عباس آباد همدان مشاهده کرد(تصویر ۲-۱۹).



۲-۱۷- مقبره کوروش، پاسارگاد، سده ۵ ق.م



۲-۱۸- نقش بر جسته بیستون، فرمان داریوش در سال ۵۱۹ ق.م و صحنه پیروزی بر گئومات، کوه بیستون نزدیک کرمانشاه، سده ۵ ق.م.



۲-۱۹- گنج نامه، کتیبه های سه زبانه پارسی باستان، ایلامی و بابلی، عباس آباد همدان، سده ۵ ق.م

داریوش پس از کوروش شاهنشاهی هخامنشی را با فتح هندوستان از دره سند تا شمال دریای سیاه گسترش داد.

تجارت دریایی و کشتیرانی، ضرب سکه (تصویر ۲-۲۰)، کاربرد خط میخی الفبایی بر روی کتیبه‌ها ساخت کanal سوئز (ایجاد مسیر کanalی در مصر بین دریای سرخ و نیل)، ساخت اولین جاده شاهی (بزرگراهی از شوش تا سارد) از اقدامات مهم دوران داریوش است (تصویر ۲-۲۱).



۲-۲۰- سکه‌های هخامنشی، دوران داریوش
سده ۵ ق.م



۲-۲۱- مسیر جاده شاهی در قلمرو حکومت هخامنشی

در این دوره هخامنشیان چهار پایتخت داشتند: پاسارگاد، شوش، بابل و هگمتانه. آثار شاخص این دوره کاخ آپادانا شوش و کاخ تخت جمشید و مجموعه نقش رستم^۷ است.

مهمترین و وسیعترین اطلاعات ما نسبت به معماری هخامنشیان از کاخ پارسه یا تخت جمشید (پرسپولیس) به دست آمده است (تصویر ۲-۲۲). این کاخ در سال های ۴۶۰ ق.م تا ۵۲۰ ق.م در زمان زمامداری داریوش و خشایارشا بنای گردید. از ویژگی های بارز معماری تخت جمشید استفاده از ستون های تنومند و بلند است. محوطه کاخ مشتمل بر چند تالار پذیرایی، از جمله تالار آپادانا و تالار تاجگذاری که به آن تالار صد ستون هم گفته می شود. تالار آپادانا مکانی مربع شکل که جمعاً ۷۲ ستون سنگی با بلندی هر ستون از پایه تا سر ستون حدود ۲۱/۸ متر است (تصویر ۲-۲۳).

پایه های ستون های به کار رفته در این کاخ یا چهار گوش است یا مدور (تصویر ۲-۲۴). که ستون های کنگره دار و سر ستونی عظیم آنها را حمل می کنند بر فراز همه اینها تاج (به شکل دو جانور پشت به پشت) محل اتصال تیرکهای افقی است که این تیرهای چوبی را بر فروفتگی زین مانند پشت خود حمل می کرده اند. مشابه همین ستون بندی و معماری را می توان در کاخ شوش نیز مشاهده کرد (تصویر ۲-۲۵).

کاخ تخت جمشید بر روی صفه ای مرتفع واقع شده است. تنها راه ورود به تالارهای تخت جمشید ورود از جبهه های غربی صفه است. در آنجا در دل بدنه های مزین به نقش برجسته سربازان، دو رشته پلکان و پاگرد رو بروی هم قرار دارند. عرض این پله ها ۷ متر و بلندی هر پله که تعداد آنها در هر طرف به ۱۱۱ می رسد، تنها ۱۰ سانتی متر می باشد (تصویر ۲-۲۶).



۲-۲۲- چشم انداز کلی تخت جمشید، از طرف کوه رحمت در شرق، سده‌ی ۵ ق.م



۲-۲۳- نمای جانی تخت جمشید، پلکان شرقی و بارگاه ملاقات رسمی آپادانا، کاخ داریوش، سده‌ی ۵ ق.م



۲-۲۴- طرح پایه ستون های آپادانا

۷. در نقش رستم مقابر ^۴ پادشاه هخامنشی داریوش کبیر، خشایارشا، اردشیر اول و داریوش دوم و کعبه زرتشت وجود دارند.



۲-۲۵- سرستون سنگی با نیم تنه دو سر گاو، حفاری شده در سال ۱۸۵۲، تالار آپادانا در شوش



۲-۲۶- نقش بر جسته تخت جمشید همراه با نمایش پلکان ورودی جناح جنوبی سمت شرق آپادانا در تخت جمشید

گفتنی است که معماری هخامنشیان دارای عناصر متعددی است که از سنت معماری آشوری، بابلی و مصری اخذ گردیده است که همراه با ویژگی های مختص پارسی هنری با شکوه را پدید آورده است. در این دوره خبری از زیگورات ها و معابد نیست بلکه اوج خلاقیت را در قالب معماری کاخ ها می بینیم. ممکن است این تردید ایجاد شود که اساساً مردم در دوران هخامنشی اعتقادات محکم مذهبی نداشته اند و اینکه گرایشات دنیوی موجب گشته که اثری از معابد و پرستشگاهها باقی نماند. در تبیین این دو موضوع باید یادآوری کنیم که مردم ایران باستان پارسی مذهب بودند. پارسیان پایبند تعالیم زرتشت بوده، اعتقادات دینی شان با ادیان بین النهرين (میان رودان) تفاوت داشت.

زرتشتیان پنهانه‌ی عالم را صحنه جمال میان روشنایی(خیر) و تاریکی(شر) می دانند و به واسطه پاس داشتن نیکی و خیر و نور، «آتش» را که نمادی از این صفات و مظهر اهورا مزداست نیایش می کرده‌اند. از آنجا که آیین نیایش اهورا مزدا در آتشگاه‌های روباز صورت می‌گرفته، لذا از پارسیان باستان، کمتر معماری دینی به جای مانده است.

مضمون کتیبه‌های تخت جمشید نیز همگی از حضور روح دینی و تکیه بر اهورا مزدا در انجام امور مملکتی حکایت می کند. بهترین نمونه هنر حجاری هخامنشی را می‌توان در نقش بر جسته‌های سنگی تخت جمشید جستجو کرد. بدنه دیوارها و ایوان‌های این کاخ با نقش بر جسته‌هایی تزئین یافته که تصاویر سپاهیان شاهی و اشراف «پارس» و «ماد» را نشان می‌دهد. این



۲-۲۷- نقش بر جسته کاخ آپادانا

همان مسیری است که میهمانان خاص خارجی و داخلی از طریق آن بار می‌یافتنند و هدایای خود را به پیشگاه پادشاه تقدیم می‌کردند. مطالعه‌ی مجموع این نقش بر جسته‌ها ما را از کیفیت جشن‌های برگزار شده در این کاخ، که قطعاً «نوروز» (عید کهن ایرانیان) مهمترین آنها بوده، آگاه می‌سازد (تصویر ۲-۲۷). هنر حجاری این دوره آمیزه‌ای است از قدرت، وقار و ظرافت، همراه با تجربیات هنری اعصار قبل که به مرتبه‌ای از کمال رسیده‌اند. ظرافت در پرداخت جزئیات در این آثار به چشم می‌خورد. نشان دادن

چین لباس و افت پارچه نیز از مواردی است که هنرمندان هخامنشی به آن پرداخته اند. در نقش برجسته‌ی تاج گذاری داریوش (تصویر ۲-۲۸) نظم و وقار نه تنها در شیوه‌ی نشستن داریوش و ایستادن خشاریار شا (در پشت او) آشکار است بلکه این انضباط را می‌توان در چین و افت لباسها نیز مشاهده کرد که در عین نظم، نرمی و لطافت خود را حتی در ناحیه‌ای که دستها و بازوan را پوشش داده اند، حفظ کرده اند.

جانوران در آثار هنری ایران باستان جایگاه ویژه داشته اند. در میان جانورانی که موضوع آثار هنری هخامنشی قرار گرفته اند «شیر»، «بز» و «گاو» از همه مهمترند، شیوه نمایش جانوران در تخت جمشید، در خور تحسین است.

تصویر ۲-۲۹ منظره‌ای است از نبرد شیر و گاو که بر دیوار پلکان شرقی آپادانا نقش بسته است. طراح این نقش برجسته در عین آگاهی کامل از کالبد شناسی این دو جانور، با استادی خلاقانه‌ای مبادرت به تفکیک و ساده نمودن اجزای تصویر پرداخته است. از سوی دیگر با افزودن عناصر تزئینی ظرفی و پرکار (مثل یال شیر و موهای منظم و حلقه شدهی دور گردن و زیر شکم گاو)، توازنی چشم نواز و با شعور پدید آورده است.

۲-۲۸- منظره تاج‌گذاری داریوش بر یکی از دروازه‌های تخت جمشید



۲-۲۹- نبرد شیر با گاو، پلکان شرقی کاخ آپادانا، تخت جمشید

خلاقیت، هنر و دانش کالبد شناسی، هنرمندان هخامنشی را در پدید آوردن نقوش بدیعی از جانوران اساطیری یاری نموده است که نمونه ای از آن را در (تصویر ۲-۳۰) مشاهده می کنیم. نقش این موجودات اساطیری را، می توان برسر ستونها، نقش برجسته های دقیق (تصویر ۲-۳۱) و همچنین در قالب نگهبانان عظیم الجثه دروازه های کاخ (تصویر ۲-۳۲) یافت.

هنر حجاری ایرانی از مرز ایران نیز فراتر رفت و موجب ظهور آثاری گشت که امروز هم از شهرت بسیار برخوردارند. از آن جمله است ستون معروف سرنات که در عهد امپراتور آشوکا، در هند بنا گردید و امروزه به عنوان سمبل دولت هند، نقش آن در همه جای این کشور پهنانور آذین بخش مدارک رسمی دولتی، اسکناسها و سکه های رایج هند است.

باید اعتراف کنیم که در بیان قدرت، ظرافت و خلاقیت هنری ایرانیان باستان آثار سنگی که عمدتاً به عنوان بخشی از معماری محسوب می شوند، نمی توانند کاملاً گویا باشند. این آثار که تاثیرات فرسایشی باد و باران و آفتاب و سرما و گرما را در طی قرون و اعصار بر تن خود تحمل کرده اند، امروز دارای طراوت و ظرافت اولیه خود نیستند. اما خوشبختانه آثار دستی بسیاری به دست ما رسیده که بیانگر اوج دقت، ظرافت و هنر آن دوران است. از دیگر آثار بدست آمده می توان به ظروف، اشیای تزئینی و زیورآلات اشاره نمود.

(تصاویر ۲-۳۳ تا ۲-۳۶)



۲-۳۰- نبرد با یک جانور اساطیری -
بخشی از نقش برجسته کاخ داریوش
تحت جمشید ، بلندی ۲۶۰ cm -
سنگ آهک



۲-۳۲- نمای دروازه ورودی کاخ خشایارشا ، تخت جمشید



۲-۳۱- نقش برجسته، کاخ داریوش،
تحت جمشید



۲-۳۴- جام نقره ای با روکش طلا ، بلندی ۲۵cm ، هخامنشی
موزه ویکتور یا آبرت



۲-۳۳- دستبند طلا سدهی ۵ ق.م. هخامنشی ، موزه ویکتور یا آبرت



۲-۳۶- بز بالدار (دسته کوزه) از جنس مفرغ و طلا
موزه لوور پاریس



۲-۳۵- کاسه نقره با کتیبه میخی پارسی باستان ، اردشیر اول (۴۶۵-۴۲۴ ق.م) قطر
۲۹cm

اشکانیان

بین سالهای ۲۳۸ ق.م تا حدود ۲۳۴ ق.م جریانات خاصی در ایران و آسیای غربی با هجوم قوای نظامی یونانی پدید آمد که دوران ویران‌گری و تخریب آثار علمی و فرهنگی و نابود شدن آثار و مراکز مهم دوران هخامنشیان می‌باشد. از این رو این مناطق بدست دولت‌های محلی با گرایشات یونانی‌گری اداره می‌شد هر چند که تقسیمات اداری شاهنشاهی هخامنشی و ساتрап نشین‌ها^۸ همچنان حفظ شده بود که هدف آن ایجاد نوعی فرهنگ آمیخته و تلفیقی ایرانی یونانی با طبقه حاکم ایران بوده است. این دوره در ایران به نام دوره سلوکی شهرت یافته است.

آثار محدودی از تأثیر هنر یونان در این زمان در دسترس است که می‌توان به پیکره هرکول در بیستون (تصویر ۲-۳۷)، معبد خورهه در محلات و پرستشگاه شمی در ایذه خوزستان که از نمونه‌های بارز آن است اشاره کرد.



۲-۳۷- هرکول خوابیده، سنگ، کوه بیستون، دوره سلوکی، سده‌ی سوم ق.م.

ایالت‌نشین قدیم ایران^۸

در حدود سال ۲۳۸ ق.م طی جدال در سیطره قلمرو ایران ارشک توانست قدرت ساتراپ نشین پارت^۹ را در شرق دریای خزر بدست گیرد. ارشک بنیان گذار سلسله پادشاهی اشکانیان یا پارتیان است که تمامی مناطق گسترده‌های فرهنگ یونانی گری (سلوکیان) را بدست آورد.

تابوت‌های سفالین (تصویر ۲-۳۸)، ایجاد خط و زبان فارسی میانه (اوستایی و پهلوی)، ضرب سکه‌های

اشکانی، آثاری از جنس عاج، معبد سازی (معبد آناهیتا) (تصویر ۲-۳۹)، پیکره‌های مفرغین بزرگ (از معبد شمشی) (تصویر ۲-۴۰)، شیوه دوخت پوشک به دو صورت پا جامه و تن جامه، روش شهرسازی دایره‌ای، ایجاد طاق و قوس و ساخت ایوان در معماری، استفاده از ملات سنگ، گچ و گچ کاری در تزئینات (در قلعه یزد گرد در قصر شیرین)، اولین نقاشی دیواری کوه خواجه در سیستان (تصویر ۲-۴۱) و دورا اوروپوس در سوریه، شیشه، جواهر سازی (تصویر ۲-۴۲) و ... همگی از هنرهای مهم دوران اشکانیان به حساب می‌آیند.

۲- تابوت سفالی لعابدار (اوروک)، دوره اشکانی، سده‌ی اول و دوم میلادی، ۱۹۶cm



تصویر ۲-۴۰- پیکره مفرغی، دوره اشکانی از معبد شمشی، سده دوم میلادی

۲-۳۹- ستونهای معبد آناهیتا، اشکانی-ساسانی، کنگاور، سده‌ی اول تا سوم میلادی



۹. پارت نام یکی از اقوام ایرانی ساکن شمال شرقی ایران است. نام ایالت پرسوه در کتبه‌های بیستون و نقش رستم به چشم می‌خورد. آنها که قومی چادرنشین و بیبانگرد در زمان هخامنشیان هستند از قدرت و اهمیت چندانی برخوردار نبوده‌اند.



۲-۴۱- نقاشی دیواری ، شاهزادگان ، کوه خواجه ، دوره اشکانی ، سده‌ی اول میلادی



۲-۴۲- جواهرات طلایی دوره اشکانی ، کشف ۱۹۱۰-۱۹۱۱ ، نهادوند ، سده‌ی اول و دوم میلادی

ساسانی

در سال ۲۲۴ میلادی آخرین پادشاه اشکانی اردوان چهارم مغلوب اردشیر ساسانی شد. سلسله ساسانی

وارث یکی از سه امپراتوری بزرگ دوره خود بود. این سه امپراتوری عبارت بودند از امپراتوریهای ایران، چین و روم. این سه قدرت در عین رقابت، با پیوندهای تجاری استواری به هم مرتبط بودند از طریق همین پیوندهای تجاری پایه‌ی تبادلات فکری، اعتقادات دینی و آفرینش‌های هنری نیز بنا نهاده شد و این به معنی ارتباط وسیع و عمیق شرق و غرب بود. البته، این روابط چندان دوستانه هم نبود و گاه به درگیری‌هایی هم منجر می‌شد. منابع تاریخی و آثار هنری به جنگهای ایران و روم در این عهد اشاره دارند (تصویر ۲-۴۳). این درگیریها گرچه به منظور دفع نفوذ و تسلط غرب بر ایران بود، اما در خلال همین نزاع‌ها ما مشاهد تأثیرات فرهنگی و هنری دو طرف بر یکدیگر هستیم. در تصویر (۲-۴۴) قدرت و سلطه‌ی شاپور اول، پادشاه ساسانی بر رومیان نشان داده شده است.

هنگامی که نقش بر جسته‌های ساسانی را با آثار مشابه هخامنشی مقایسه می‌کنیم در می‌باییم که وجه نمادین هنر هخامنشی بیشتر ترکیب اجزای بدن، نوع ایستادن و نشستن آن هم به صورت رسمی‌تر و ایستاتر است. در نقش بر جسته‌های ساسانی نمادگرایی کاوش می‌باید و در عوض واقع‌گرایی بسیار تقویت می‌شود، حرکات



۲-۴۳- نقش بر جسته صخره ایی در بیشاپور (تنگ چوگان)



۲-۴۴- پیروزی شاپور اول بر والرین، نقش رستم، سده‌ی سوم میلادی

طبیعی تر می شوند و موجودات (انسانها و جانوران) ، که در نقش برجسته های هخامنشی حالتی اسطوره ای و فوق طبیعی داشتند ، در آثار ساسانی زمینی تر و ملموس تر می شوند .

با مشاهده تصاویر (۲-۴۴ و ۲-۴۵) می بینیم که

اسب ها در عین اینکه قدرت عضلانی اغراق آمیزی دارند ، کاملاً واقعی و طبیعی به نظر می رسند .

در مقایسه با تصویر (۲-۴۶) نمایش ویژگی های جسمانی گاو و شتر ، با وجود اینکه تناسبات طبیعی رعایت شده است ، حالت وقار و نوعی رسمی بودن آیینی دیده می شود . حالتی که در

آثار مشابه ساسانی بسیار کمنگ شده و جای خود را به تحرکات و نمایش های واقع گرایانه داده است .

توضیح این که گرایش به نمایش طبیعی موجودات



۲-۴۵ - نقش برجسته صخره ای ساسانی ، بخشی از اثر ،
بیشاپور (تنگ چوگان)

در آثار هنری بخصوص در هنر یونان و پس از آن روم (که وارث هنر و تمدن یونانی بود) رواج بسیار داشت و ما این تأثیرات را در هنر ساسانی تا حدی شاهد هستیم . همچنین گرایش به واقع نمایی در شیوه ارائه انسان ها نیز دیده می شود (تصویر ۲-۴۷) .

در نقش برجسته های فراز طاق بستان (تصویر ۲-۴۸) تصاویر فرشته های بالدار دو سوی آن تجانس خاصی با آثار مسیحی رومی دارند . از دیگر آثار باقی مانده از دوره ساسانی گچ بری می باشد که با نقش تزئینی به جای مانده است (تصویر ۲-۴۹) .

هنر معماری را در عهد ساسانی می توان در بقاوی کاخ های بجا مانده از آن عصر نیز مشاهده کرد . کاخ اردشیر (فیروزآباد) (تصویر ۲-۵۰) کاخ بیشاپور (نزدیک کازرون ، فارس) ، طاق کسری یا کاخ تیسفون (در عراق کتونی) (تصویر ۲-۵۱) ، عمارت خسرو واقع در قصر شیرین (تصویر ۲-۵۲) نمونه هایی از این آثار هستند . تزئینات داخلی بسیاری از کاخ های ساسانی را لوحه هایی از ملات گچ و موزاییک (تصویر ۲-۵۲) تشکیل می دهند .



۲-۴۶ - نقش برجسته ، تخت جمشید ،
دوره هخامنشی ، سده پنجم قبل از میلاد

دیگر آثار هنری ساسانی را لظروف (تصویر ۲-۵۳) ، مهرها و سکه های بجا مانده تشکیل می دهند (تصویر ۲-۵۴) . نقش روی این آثار حاوی اطلاعاتی در مورد شرایط اجتماعی ، نوع پوشش و آداب و رسوم آن عهد است . مثلاً تنها تماشای تصویر (۲-۵۳) ، بر داشت مانسیت به نوع تاج ، لباس ، اسلحه (کمان ، شمشیر ، ترکش) و تزئینات



۲-۴۸- طرح نقش بر جسته طاق بستان ، دوره ساسانی ، سده ششم
میلادی



۲-۴۷- سردیس ، شاپور دوم ، دوره ساسانی



۲-۵۰- کاخ اردشیر ، فیروز آباد ، سده سوم میلادی



۲-۴۹- لوح گچی قالب ریزی شده ، اواخر دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی ، سده هفتم یا
هشتم میلادی ، چال ترخان ، روی



۲-۵۱- طاق کسری ، ایوان مداین ، تیسگون ، دوره ساسانی



۲-۵۲- تزئینات موزائیک ، کاخ بیشاپور ، دوره ساسانی



۲-۵۳- بشقاب های نقره ای بهرام پنجم (شکار شیر) و شاپور دوم (شکار گوزن)، دوره ساسانی



۲-۵۴- سکه های نقره ای ساسانی، اردشیر اول (سده دوم میلادی)، بهرام پنجم (سده پنجم میلادی)، بیز گرد سوم (سده هفتم میلادی)

اسب در عهد ساسانیان می‌افزاید. هنگامی که این تصویر را با تصویر (۲-۵۵) مقایسه می‌کنیم درمی‌باییم که شکار، خصوصاً شکار گراز، از ورزشها و تفریحات مورد علاقه‌ی پادشاهان ساسانی به شمار می‌رفته است.

مهرها و گچبری‌های ساسانی آثار ارزنهای هستند که شکلهای انتزاعی و نمادینی را در بردارند که تا امروز نیز در هنر معاصر تاثیر گذاشته‌اند (تصویر ۲-۵۶).

این شباهتها و تفاوتها برای بیننده‌ی هوشیار حکایت از این واقعیت دارد که هنر و فرهنگ پدیده‌های زنده هستند و هویت انسان را تشکیل می‌دهد.



۲-۵۵- طرح صحنه شکارگاه، نقش بر جسته اطراف طاق بستان، کرمانشاه، دوره ساسانی



۵-۲- کاشی لعابدار، تکیه معاون الملک، کرمانشاه، اوخر سده سیزدهم هجری

پرسش

۱- مجموعه پاسارگاد شامل چه بناهایی است؟ توضیح دهید.

۲- اقدامات مهم دوران داریوش را ذکر کنید.

۳- مذهب هخامنشیان چه بوده و چرا از آن دوران بناهای مذهبی به جای نمانده است؟

۴- حجاری های هخامنشی دارای چه ویژگی هایی است؟

۵- دوره ای سلوکی چگونه شکل گرفت؟ دونمونه از آثار این دوره را نام ببرید.

۶- مهم ترین هنرهای دوران اشکانی را نام ببرید.

۷- در چه دورانی تأثیرات فرهنگی و هنری بین امپراتوری ایران، چین و روم صورت گرفت؟

۸- ابتدا تصاویر نقش بر جسته های ساسانی را گردآوری و سپس در کلاس راجع به تفاوت نقش

آنها بحث کنید.

۹- با بررسی نقوش ثبت شده در دوران ساسانی چه اطلاعاتی می توان بدست آورد؟

فصل سوم

هنر و تمدن میان رودان

هخامنشیان

ح ۵۳۹ ق. م
بابل نوین

ح ۷۰۰ ق. م
آشور - هیتی ها

ح ۱۶۰۰ ق. م
بابل

ح ۱۸۰۰ ق. م
سومر جدید

ح ۲۲۰۰ ق. م
اکد

ح ۲۴۰۰ ق. م
سومریان

ح ۴۰۰۰ ق. م
دوران نو سنگی





فصل سوم



هنر و تمدن میان رودان (بین النهرين)

اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراغیر انتظار می رود :

- ۱- جایگاه و اهمیت میان رودان (بین النهرين) را به منزله‌ی خاستگاه تمدن بشری توضیح دهد.
- ۲- جلوه‌های هنری این تمدن را اعم از معماری و پیکر تراشی شرح دهد.
- ۳- نقش اعتقادات را در شکل گیری آثار هنری این تمدن تجزیه و تحلیل کند.
- ۴- آثار هنری دولت شهرهای سومر، اکد، اور، بابل، آشور، بابل نوین و هیئتی‌ها را به اختصار توضیح دهد.

هنر و تمدن میان رودان (بین النهرين)

بین سالهای ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م در سرزمینی هموار و حاصل خیز در میان دو رود دجله و فرات تمدنی پدید آمد که «میان رودان» یا «بین النهرين» نام گرفت. این منطقه از جنوب به شمال - از خلیج فارس تا کوههای ارمنستان و از شرق به غرب - از فلات ایران تا صحرای شام امتداد دارد. نواحی مرکزی میان رودان روزگاری به واسطه وجود شبکه بسیار وسیع و غنی آبهای طبیعی بسیار حاصلخیز بوده است لیکن پس از سبری شدن هزاران سال و تغییرات جوی و جغرافیایی، اکنون اغلب زمینهای این منطقه باир و کم آب است.

نخستین مهاجران و اولین جوامع تشكیل یافته با عنوان سومریان شناخته شده‌اند که نخستین دولتشهرها را پدید آورده‌اند. ابداع خط میخی، ایجاد مدارس، حکومت ملی (دموکراسی)، به کارگیری گند و قوس همگی از این دوران سرچشمه می‌گیرد.

به مدت هزار سال سومریان دولت غالب در منطقه بوده‌اند، با این حال دولت‌های بعدی سومر جدید، بابل، آشور و ایران نیز به این نواحی سلطه یافتند. از این تمدن تعدادی مقبره، تندیس و آثاری در اور کشف شده است.

در «میان رودان» به دلیل نبود سنگ و مصالح ساختمانی مناسب، عموماً از خشت و آجر استفاده می‌شده و به همین جهت در حال حاضر چیز زیادی جز پی ساختمان‌ها بر جای نمانده است. سومریان خدایان متعددی را پرستش می‌کردند و هر شهر خدای مستقل خود را داشت و فرمانروایان انسانی مردم را برای خدمت به این خدایان رهبری می‌کردند. سومریان در این منطقه که فاقد بلندی یا ارتفاعات بود، بناهای کوه مانندی را با آجر و خشت می‌ساختند. همان ساختمانهای عظیم الجثه و برج مانند چند طبقه که به «زیگورات» مشهور شده‌اند. این برج چند طبقه یا معبد، مرکز مهم مذهبی و زندگی شهری بود و همه عناصر شهری دیگر در اطراف آن قرار داشت. زیگورات اور (وارکا: الورقا) (تصویر ۱-۳) یکی از این نمونه‌ها می‌باشد.



۱-۳- زیگورات اور، نمای پلکان شمالی، عراق، ۲۱۰۰، قبل از میلاد

در مطالعات تاریخ جهان باستان مکرر به منابعی بر می خوریم که از میان رودان به عنوان یکی از خاستگاه‌های تمدن بشری یاد کردند. این عقیده مبتنی بر قرایینی است که در زیر به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

الف – ابتدایی‌ترین و بهترین آثار کهن بدست آمده از کشاورزی نظام یافته، که نشانه‌ی زندگی گروهی و اجتماعی بشری است در این منطقه یافت شده است.

ب – ابزارسازی و دانش استفاده از فلزات از عواملی است که بنیان اقتصادی و توان فنی جوامع اولیه را نشان می‌دهد. سومری‌ها از اولین اقوامی بودند که به فن استفاده از فلزات آگاهی داشتند.

ج – خط و نوشته را شاید بتوان مهمترین اختراع بشری در طول تاریخ دانست چرا که نوشته‌ها مجرای انتقال اطلاعات و ثبت و ضبط تاریخ هستند. از سوی دیگر ظهور خط در یک جامعه کهن، نشان از رشد فکری و علمی و فرهنگی مردم آن اجتماع است. سومریان با اختراع «خط میخی» دوره‌ای را آغاز کردند که به عنوان «آغاز خط نویسی» شهرت دارد (حدود ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق.م). خط میخی رواج خود را تا هزاره اول قبل از میلاد همچنان حفظ کرد (تصویر ۲-۳).

د – وجود شهرهای مستقل که از آنها با نام دولتشهر یاد می‌شود، نشانی از قدرت سیاسی و مدیریت شهری بوده است. در این منطقه انتقال از زندگی و اقتصاد ساده کشاورزی و روستایی به نظام پیچیده زیست و اقتصاد مرکز شهری به سرعت انجام شد. از این رو میان رودان بستر جوامعی شد که نام «تمدن» (شهرنشینی) را شایسته‌ی خود ساخت. البته می‌توان شکل‌گیری سریع شهرهای میان رودان را، که اغلب دارای استحکامات و برج و بارو در اطراف شهر بوده، نتیجه‌ی اوضاع خاص سیاسی و تهاجمات مکرر نظامی دانست که از ویژگی‌های اجتماعی تاریخ این تمدن است.



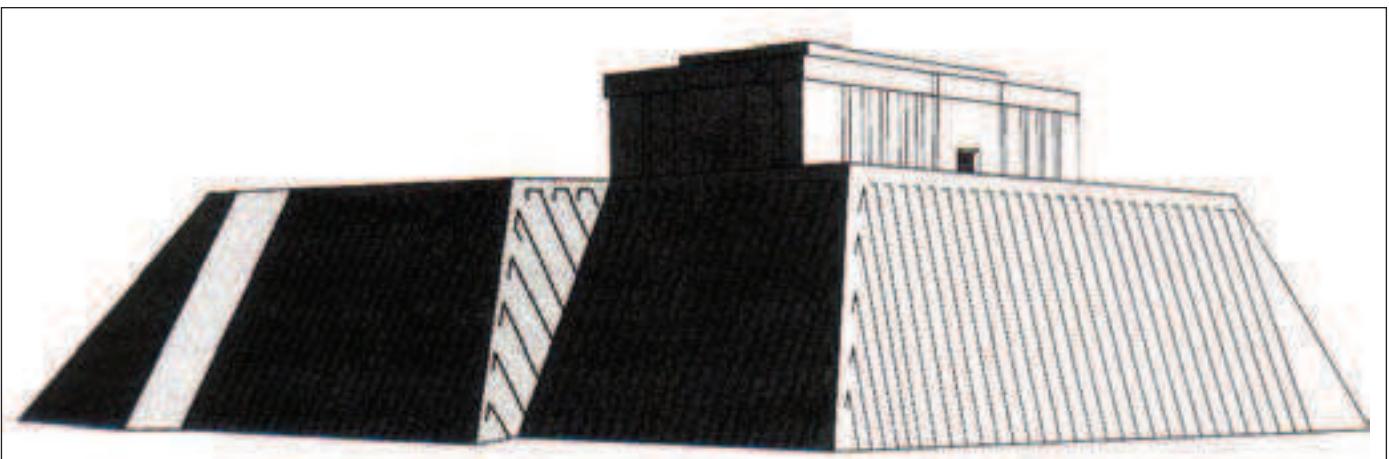
۳-۲- کتبه و نقش بر جسته‌ی سنگی با پیکره‌های شماش (خدای خورشید)، بابل سده نهم قبل از میلاد

سومر

دولتشهرهای سومری، قدرت خود را از خدای شهر و منتخب او می‌دانستند و پادشاهان، نماینده خدا بر روی زمین و پاسداران خزانی او محسوب می‌شدند. در ادیان سومری نوعی اتصال و هماهنگی میان دین و دنیا- یا به عبارت دیگر اقتصاد و معنویت - وجود داشته است. این ویژگی با شرایط خاص اجتماعی میان رودان ارتباط داشت. زیرا میان رودان برخلاف همتای معاصر خود یعنی مصر(که تاریخی آرام و ساکن داشت) همواره در افت و خیزهای نظامی و سیاسی بود. برج و بارو و استحکامات شهرها از همین امر حکایت می‌کنند.

کاهنان و خدمه‌ی معابد، ضمن اجرای آئین‌ها و مناسک دین، مسؤول تنظیم و کتابت مخارج شهر

و داراییهای خداوند شهر بوده‌اند. مکتوبات بدست آمده از این دست در زمرة نخستین نمونه‌هایی است که «خط» به خدمت حسابرسی و ثبت جزئی ترین پرداختها، دریافت‌ها و موجودی اینبارها درآمده است. قدمت زیگورات‌ها نیز به حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد باز می‌گردد. معبد سفید واقع در اوروک (تصویر ۳-۳) نمونه‌ای از این معابد است که نسبت به اهرام مصر قدمت بیشتری دارد. مصالح بنای زیگورات خشت خام بود و به همین دلیل در قیاس با معابد سنگی و آجری مصر دوام کمتری داشته است. اما صرف نظر از نوع



۳-۳- طراحی بازسازی شده از معبد زیگورات سفید اوروک، عراق ۳۰۰۰-۳۲۰۰ قبل از میلاد

مصالح، زیگورات‌ها از طرح زیبا و مبتنی بر دانش وسیع معماری برخوردار بوده‌اند.

بدیهی است تمدن‌ها، شکل‌هایی منسجم از جوامع انسانی بودند که توجه انسان را به اهمیت خویش معطوف داشتند. بطوری که زیبایی و عظمت نیروهای جاودانی را در اشکال انسانی تصویر می‌کرده است و به همین دلیل نیز بیشتر پیکره‌های اولیه را تمثال خدایان و الهه‌ها تشکیل می‌دادند که در معابد یافت شده‌اند.

(تصویر ۴-۳) چهره‌ای است از الهه یا ملکه اوروک که قدمت آن به حدود ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م. باز می‌گردد. حفره چشمان و گودی ابروان این سردیس از صدف‌ها و سنگ‌های رنگین پر، و سر آن نیز به کلاه گیسی از طلا مزین بوده است.

درشتی چشم از مواردی است که در بیشتر چهره‌های به جای مانده از هنر میان رودان دیده می‌شود. چشم که از نافذترین اعضای بدن است همواره به منزله‌ی دریچه‌ی روح مورد توجه بوده است. از این جهت است که حفره‌های چشم در سردیس‌های تمدن‌های مختلف، گاه با سنگ‌های قیمتی پر می‌شده است. از دیگر ویژگی‌های مهم پیکره‌های سومری یافت شده در معبد ابو واقع در تل اسمر و اوروک و اور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

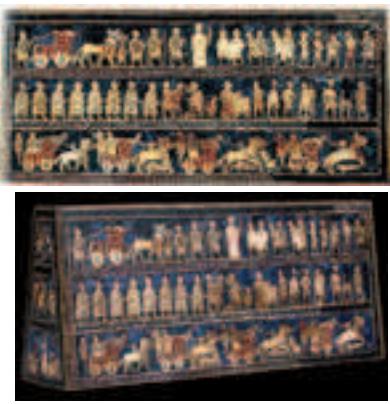


۴-۳- سردیس الهه یا ملکه از اوروک، حدود ۳۰۰۰-۳۵۰۰ ق.م، موزه بغداد، عراق

садگی ساختار، شکل ظاهری مخروطی یا استوانه‌ای پیکره‌ها، حالت وقار رمزگونه، ایستایی پیکره‌ها و کاربرد آیینی آنها (تصویر ۵-۳)، مهارت ساخت پیکره‌ها با تلفیق مواد و مصالح گوناگون (تصویر ۶-۳) همچنین موجودات تخیلی و اساطیری که از ترکیب اعضای انسان و حیوان بوجود آمده‌اند همگی خصلتی داستان‌سرایانه دارند و همچون کتب تصویری هستند که با کنار هم قرار دادن چند تصویر یا پیکره حکایتی را نقل می‌کنند (تصویر ۷-۳). گاهی نیز شخصیت‌های اصلی داستان جانورانی هستند که به کارهای انسانی مشغولند. این تصاویر، نقاشی‌های متحرک و یا داستان‌های مصور (کمیک استریپ) را به یاد می‌آورد (تصویر ۸-۳الف و ب).



۳-۵- پیکره‌های ستایش از معبد حسونا (تل اسمرا)، عراق، ۲۷۰۰ق.م، بلندی ۷۵ سانتی‌متر



۳-۷- لوح صلح (پرچم اور)، قبرستان سلطنتی اور، عراق، لوح صدف کاری شده‌ی روی چوب

۳-۶- هنر سومری، بز نر و درخت (پایه‌ای برای آویختن نذروات)، اور، حدود ۲۶۰۰ ق.م چوب و طلا و لاجورد، بلندی ۵۰ CM - موزه‌ی دانشگاه فیلادلفیا



۳-۸- ب - جعبه موسیقی با تصویر سازی، ۲۶۰۰ قبل از میلاد، چوب، طلا و صدف موزه دانشگاه فیلادلفیا

۳-۸- الف- جعبه موسیقی چنگ

اکد (حدود ۲۱۸۰ - ۲۳۴۰ ق.م)



پس از سومری‌ها، سلسله اکدیان که از نژاد سامی بودند قدرت را بدست گرفتند. در نظام اجتماعی اکدیان پادشاه و فرمانروا قدرتی تام و متمرکز داشت و بدین لحاظ است که تمثال شاهان این دوره بیشتر یافت شده است. اکدیان را می‌توان اولین سلسله منسجم پادشاهی میان رودان دانست. داشت هنری سومریان که در عهد گذشته در جهت ساخت تندیس‌های خدایان، الهه‌ها و جانوران اساطیری به کار می‌رفت، در اکد در خدمت "تجليل مقام پادشاه" به کار گرفته شد. اوج توان هنری پیکرتراشان این عهد را می‌توان در تصویر(۹-۳) مشاهده کرد. تأکید بر قدرت پادشاهی را می‌توان در نقش برجسته «لوح پیروزی نارام سین» نیز مشاهده کرد(تصویر ۱۰-۳). نارام‌سین از پادشاهان قدرتمند اکدی بود. در این نقش برجسته، با یورش سپاهیان نارام‌سین بر دشمن روبرو هستیم، در حالی که خود پادشاه، در اینجا با اندامی درشت‌تر-که نماینده‌ی برتری و دارا بودن قدرت خدایی است- با حالتی سترگ و استوار ایستاده است و دشمنان ضعیف و ذلیل در پیش پای او به تصرع درآمده‌اند. پادشاه تاجی شاخدار به سر دارد که تا پیش از این در انحصار خدایان بوده است. هیچ موجودی جز دو خورشید درخششده و کوهی که علامت ارتقای پادشاه به بالاترین مراتب نیک بختی است بر فراز سر او وجود ندارد. می‌بینیم که کلیه نمادها و نقوش در جهت تثبیت و تجلیل از مقام شاه بکار رفته‌اند چیزی که در هنر اکدی به وضوح دیده می‌شود.

سومر نوبن (اور)



در فاصله‌ی میان سقوط «اکدیان» و ظهر حکومت «بابل» که زمانی حدود نیم قرن طول کشید، سومریان شهر «اور» دوباره قدرت یافتند و سعی کردند تا دولت و حکومت را به قدرت خدایی رسانده و معابد را احیا نمایند. «گودآ» فرمانروای خردمند این نظام، عنوان «پادشاه» را مختص خدای شهر می‌دانست. در نظام حکومتی سومریان هر شهر خدایی داشت که همه املاک شهر متعلق به او بود و فرمانروایان به نیابت از قدرت خدای شهر حکومت می‌کردند از این رو، معابد همواره رونقی مادی و معنوی داشتند. از «گودآ» تصویر(۱۱-۳ الف و ب) تندیس‌های زیادی در حالت‌های نشسته و ایستاده در حالی که دستانش را در جلو سینه به هم فشرده است به جای مانده که هر یک در حالتی مناسب با شرایط معبد تراشیده شده‌اند. او کلاهی بافته شده بر سر دارد که در قیاس با سربند فرمانروای اکدی (تصاویر ۳-۹ و ۱۰-۳) بسیار ساده است. کلاهی هیبت و ترئینات لباس «گودآ» بسیار ساده‌تر و متواضع‌تر از فرمانروای اکدی است. این سادگی و تواضع با اعتقادات این فرمانروا در مورد تعلق عنوان پادشاهی به خداوند شهر و قراردادن قدرت سیاسی به عنوان بخشی از قدرت معنوی معبد هماهنگی کامل دارد.

۳-۱۰- لوح پیروزی نارام سین ، شوش
۲۲۵۴-۲۲۱۸ ق.م. سنگ ماسه صورتی
وزه‌ی لور پاریس



۳-۱۱-ب - گودا در حال نیایش از شهر لاکاش (شهر کنونی تلو) ۲۱۰۰ قبل از میلاد



۳-۱۱-الف - پیکره نشسته گودا، لاکاش (تلو کنونی)، عراق، ق.م. ۲۱۰۰ سالی متر

بابل (۱۷۶۰ ق.م)

در هزاره دوم ق.م منطقه میان رودان دچار آشفتگی و آشوب گردید. در این دوران در منطقه مرکزی، حکومتی به واسطه فرمانروایان محلی در بابل پدید آمد و توانست موقعیتی بر جسته همانند دوران فرمانروایان



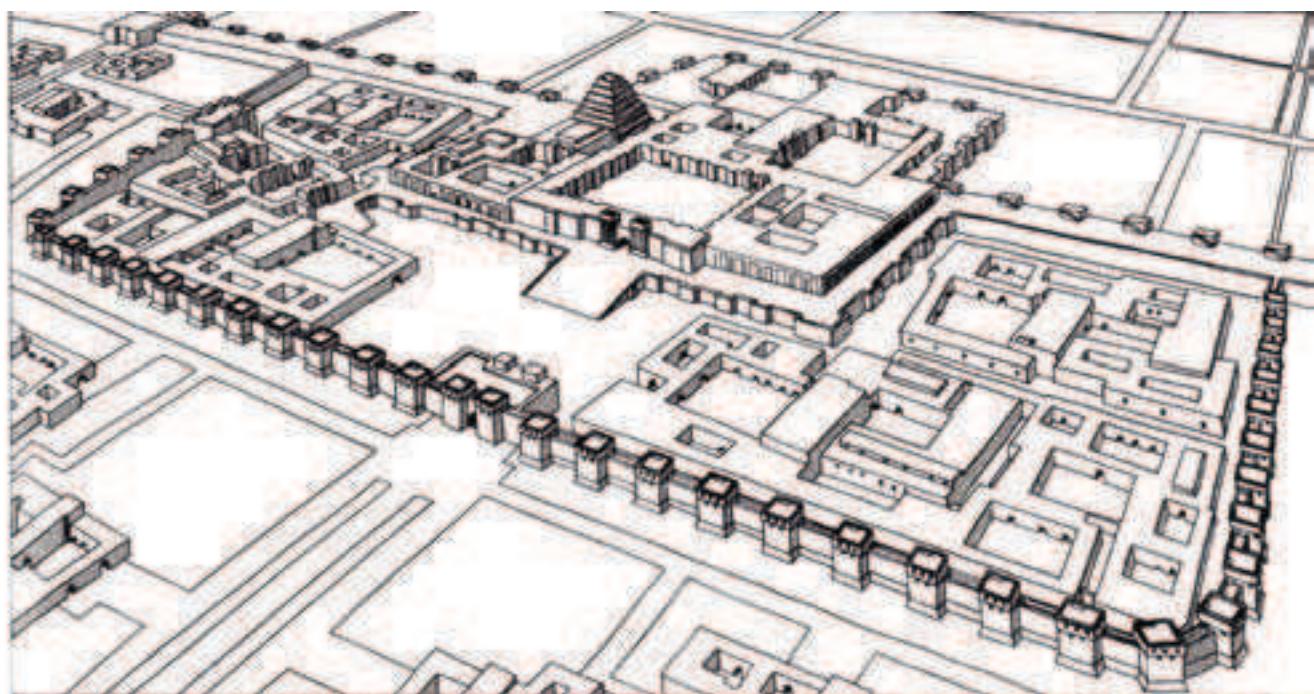
۳-۱۲-لوح قانون حمورابی، شوش، ۱۷۸۰ ق.م، سنگ بازالت، بلندی ۲ متر

اکدی و اور بدست آورد. در خشانترین چهره این روزگار حمورابی بود که با دلاوری جنگی و احترام عمیقی که به سنت سومری داشت خود را همچون چوپان برگزیده خدای خورشید یا شمش(شاماش) می‌دانست، از این رو خود را موظف در ایجاد دادگری بر زمین می‌دانست. اثر جاودان به یادگار مانده همان مجموعه قوانین وی است که به عنوان نخستین مجموعه قوانین بشری متکی بر عقل و انسانیت تدوین یافته است. به دستور وی مقرر شد تا احکام را بر لوحی بلند از سنگ (تصویر ۱۲-۳) حک کنند و بر بالای آن تصویر خود و خدای خورشید را مصور سازند. این دولت و نوع حکومت مبتنی بر قانون باعث شد تا در دوره فرمانروایی وی و پس از او بابل مهم‌ترین مرکز فرهنگی منطقه سومر برای مدت هزار سال شود.

آشور

در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد، آشوری‌ها پس از پایان یافتن اقتدار "اکد" و "بابل" به قدرت رسیدند. سنت ساخت زیگورات‌ها و دولتشهرها همچنان ادامه یافت و آنها نیز همانند سومریان بناهای خود را با آجر می‌ساختند. اما از آنجا که محل استقرار آشوری‌ها ناحیه‌ی شمالی میان رودان بود و در این ناحیه سنگ به وفور یافت می‌شد از تخته‌سنگ‌های وزین و حجمی در قسمت‌های پائینی محوطه‌های مهم داخل بنا و دروازه‌ها استفاده می‌کردند (اواسط هزاره اول ق.م. اوج شکوفایی و قدرت امپراطوران آشور به شمار می‌رود) رواج استفاده از سنگ، زمینه‌ی مساعدی برای خلق نقش بر جسته‌ها و مجسمه‌های گوناگون بود.

زیگورات‌های این دوره بیشتر به شکل هرم‌های پلکانی نزدیک شدند. زیگورات خرساباد که به دستور سارگون دوم، امپراتور قدرتمند آشوری بنا شده بود، هفت سطح پلکانی داشته که امروزه تنها چهار طبقه از آن باقی مانده است. ارتفاع هر طبقه $5/5$ متر و هر طبقه با رنگ جداگانه‌ای رنگ‌آمیزی شده بود. می‌توان تصور کرد که این معبد زیبای هفت رنگ نمایی دل‌انگیز به ارگ سارگون می‌بخشیده است. در تصویر (۳-۱۳) طرحی از ارگ سارگون دوم را که با استناد به بقاوی‌ای مکشوف تهیه شده، مشاهده می‌کنید. زیگورات هفت طبقه در قسمت بالای تصویر دیده می‌شود.



۳-۱۳- طرح بازسازی شده ارگ سارگون دوم، دورش روکین (خرساباد)، عراق، ۷۲۰-۷۰۵ ق.م

هنرمندان سنگتراش آشوری مهارت و خلاقیت خود را بیشتر در آفرینش نقش برجسته‌ها جهت دادند، زیرا سطوح طولانی و بی‌انتهای دیوارهای کاخ‌ها چنین زمینه وسیعی را برای خلق مناظر گوناگون فراهم آورده بود. نقوش کاخهای نیمرود (تصویر ۱۴-۳) و نینوا (تصاویر ۱۵-۳) چون کتابی مصور توصیف جنگها، شکارها و خلاصه هر آنچه را که معرف قدرت، شوکت پادشاه و پادشاهی است به استادانه‌ترین وجه به عهده گرفته‌اند.

نوع ترکیب بندهی عناصر تصویری، حرکت اسب‌ها و شیوه کمان‌گیری اربه ران‌ها در تصاویر (۱۴-۳) و (۱۵-۳) شباهت بسیاری با آثار مصری دارد و این شباهت بیانگر رابطه دو تمدن و تاثیر و تاثراتی است که از یکدیگر گرفته‌اند.

چیز دیگری که بیننده را در نقش برجسته‌های آشور به تحسین و امید دارد، دانش وسیع کالبدشناسی و دقت نظر هنرمندان در القای حرکات طبیعی ماهیچه‌های است. در تصویر (۱۶-۳) ماده شیری دیده می‌شود که در اثر اصابت پیکان‌های کشنده، مجرح شده و آخرین لحظات زندگی را سپری می‌کند.

جانوران در آثار هنری کشف شده از مناطق مختلف تمدن میان رودان حضوری جدی و با اهمیت دارند. این اهمیت معمولاً جنبه‌ای اسطوره‌ای داشته است. در مواردی چون نقش برجسته‌های تصاویر (۱۵-۳) و (۱۶-۳) که قدرت پادشاه در یک صحنه شکار شیر به نمایش درآمده، موضوع بسیار عادی است ولی در موارد دیگر حضور جانوران، خصوصاً بز و عقاب، جنبه‌ای نمادین و گاه مقدس دارند. در برخی آثار نیز به موجودات اساطیری مت Shankل از اجزای انسان و حیوان برمی‌خوریم (تصویر ۱۷-۳) نوع ایستادن رسمی و با وقار این موجود حکایت از ویژگی نمادین و آئینی آن دارد که کاملاً با شیوه‌ی ارائه‌ی شیرهای دو تصویر گذشته متفاوت است.

در تصویر (۱۸-۳) سارگون دوم، پادشاه آشور را می‌بینیم که بزی را به قربانگاه می‌برد. نوع ایستادن پادشاه و حالت موقر و رسمی بز، هر دو با اجرای مناسک مذهبی که در آن «بز» به پیشگاه یکی از خدایان قربانی می‌شده هم سویی و یکنواختی دارد.

برای آشنایی با یکی از نمونه‌های کاملاً سه بعدی هنر آشوری می‌توان به تصویر (۱۹-۳)، که نشان دهنده‌ی پیکره بزرگ از آشور نصیر پال دوم (از پادشاهان آشوری) است، اشاره کرد.



۱۴- تعقیب دشمن توسط کمانداران آشوری، نقش برجسته کاخ آشور نصیرپال دوم، نیمرود، عراق، ۸۷۵-۸۶۰ ق. م، بلندی ۷۰×۲۵



۱۵- آشور بانیپال در حال شکار شیر، نقش برجسته کاخ آشور بانیپال، نینوا، عراق، ۶۴۰-۶۴۵ ق. م



۳-۱۷- موجود اساطیری بالدار با سر عقاب (نماد روح محافظ) در مقابل درخت مقدس ، سده ۹ ق . م ، بلندی حدود ۱۰۰ سانتی متر



۳-۱۶- ماده شیر در حال مرگ ، نینوا ، حدود ۶۵۰ ق . م ، سنگ آهک ، بلندی هیکل شیر ۳۶ سانتی متر



۳-۱۹- پیکره آشور نصیرپال دوم ، کلاخ ، سده ۹ ق . م ، بلندی ۲۸۸ سانتی متر



۳-۱۸- نقش برجسته سارگون دوم پادشاه آشور در حال حمل بز قربانی ، سده هشتم ق . م ، بلندی ۲۶۳ سانتی متر

بابل نوین(بین سال های ۶۱۲ تا ۵۳۹ ق.م)

گستره فرمانروایی آشور در حدود سده ۷ قبل از میلاد با هجوم اقوام مختلف از جمله مادها سقوط کرد و در میان رودان پس از افت و خیزهایی چند، دوره کوتاهی از شکوفایی و اوج را تحت فرمانروایی «بخت النصر» گذراند. این دوره‌ی کوتاه به عهد حکومت «بابل نوین» مشهور است. در همین عهد نوع جدیدی از معماری با آجر لعابدار رواج یافت.

«دروازه ایشتار» (تصویر ۳-۲۰) به دستور بخت النصر در بابل بنا گردید، نمونه‌ای عالی از روش نوینی است که بر دیوارهای رنگین آن (که به آجرهای لعابدار آبی و سبز و زرد و سفید و سیاه ... مزین بود) نقش برجسته‌های انواع جانوران حقیقی و اسطوره‌ای، چون شیر و گاو و اژدها قرار داشته است. هزاران آجر لعابدار دروازه ایشتار که تا چندی پیش در اثر فروریختن، پراکنده و هریک به کناری افتاده بود، اکنون جمع آوری و بازسازی شده است.

از دیگر آثار منسوب به دوران بابل نوین برج معلق بابل^{۱۰} (تصویر ۳-۲۱) است که اثری از آن بر جای نمانده است ولی این برج یکی از عجایب هفتگانه قدیم می باشد.

هیتی ها (حدود ۱۶۴۰ تا ۱۲۰۰ ق.م)

یکی از تمدن های حوزه آناتولی (ترکیه امروزی) متعلق به اقوام هیتی (حتیان) است که به اوج قدرت رسیدند. این اقوام که استخراج آهن به آنها نسبت داده شده است، توانستند به قدرتی دست یابند و در حدود



۳-۲۱- طرح نقاشی شده خیالی برج معلق بابل



۳-۲۰- دروازه ایشتار (بازسازی شده)، آجر لعابدار، بابل، ۵۷۵ ق.م

۱۰. این برج مشهورترین زیگورات یا برج چند طبقه بین النهرين است که کاملاً ویران شده و به احتمال زیاد این برج توسط بخت النصر (نبوکد نصر) برای همسر ایرانی خود سمیرامیس دختر کیاکار (فرمانروای ماد) ساخته شده است.



۳-۲۲- دروازه شیران، بغازکوی، تمدن هیتی ها، هزاره دوم ق.م، ترکیه کنونی

سال ۱۵۹۵ پ.م کشور بابل را از چنگ اقوام باستانی آناتولیا درآوردند و پس از شکست اقوام میتانی (ساکنان محدوده سوریه و فلسطین) که هم پیمانان مصر به شمار می‌آمدند، نیروی خود را متوجه سرزمین مصر کردند و موفق شدند در زمان توت عنخ آمون و پس از او بخش‌های عمدتی از سرزمین مصر را تسخیر نمایند. این قوم به سبب داشتن روحیه‌ی خشن و جنگاوری، آثار هنری اندکی از خود بجای گذاشتند که مهم‌ترین اثر هنری آنان "دوازه شیران" (تصویر ۲۲-۳) در منطقه بغازکوی در ترکیه امروزی است و به حدود ۱۴۰۰ ق.م مربوط می‌شود که مشابه این دروازه در طرفین دروازه‌های کاخ آشوریان و حتی دژ میسنه‌ها در تمدن یونان نیز دیده شده است.

پرسش

- ۱- نخستین دولت شهر توسط چه قومی در میان رودان به وجود آمد؟ دیگر کارهای مهم این قوم را نام ببرید.
- ۲- زیگورات به چگونه بنایی گفته می‌شود؟ ویژگی و کاربرد آن چه بود؟
- ۳- چه عواملی باعث شده است که میان رودان را یکی از خاستگاه های تمدن بشری بدانند؟
- ۴- ساخت برج و بارو و استحکامات شهرها در سومر حکایت از چه امری دارد؟
- ۵- ویژگی‌های مهم پیکره‌های سومری را ذکر کنید؟
- ۶- اولین سلسله‌ی منسجم پادشاهی بین النهرين مربوط به چه دوره‌ای است و آثارشان چه خصوصیاتی دارد؟
- ۷- تندیس "گودا" مربوط به چه دوره‌ای است و دارای چه خصوصیاتی می‌باشد؟
- ۸- لوح حمورابی به دستور چه کسی ساخته شد و دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۹- کدام هنر در زمان آشوریان رواج پیدا کرد؟ و این هنر در چه بنایی به جا مانده است؟
- ۱۰- تصاویری از نقش بر جسته‌های آشوری و مصری جمع‌آوری کنید و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۱۱- نقش حیوانات را در آثار آشوری بررسی کنید.
- ۱۲- در عهد حکومت "بابل نوین" چه تغییری در معماری رخ داد؟ با ذکر یک نمونه توضیح دهید.
- ۱۳- دروازه‌ی شیران مربوط به چه تمدنی است؟ درمورد آن توضیح دهید.

فصل چهارم

هنر و تمدن مصر



ح ۳۰ ق. م

سلسله های متاخر و
سلسله های ایرانی

ح ۷۴۷ ق. م

پادشاهی جدید

ح ۱۵۵۰ ق. م

پادشاهی میانه

ح ۲۰۵۵ ق. م

پادشاهی کهنه

ح ۲۶۸۶ ق. م

دوره نوسنگی

ح ۳۱۰۰ ق. م

ANCIENT EGYPT

Mediterranean Sea

السكندرية
Alexandria

Naukratis

Avaris

المنيا
Heliopolis

Gizeh

Saqqara

Memphis

FAYUM

Gurob

المنفى
Memphis

Fayoum

Bahareya
Oasis

Beni Hasan

Tell el-Amarna

صحراء سينا
Sinai Pen.

دير البحري
Deir el-Bahri

كarnak
Karnak

القاهرة
Thebes

Luxor

Hierakonpolis

حراء كونوبوليس
Edfu

Aswan

أبوسمبل
Abu Simbel

NUBIA

PUNT



New Kingdom
1550 – 1070 B.C.

فصل چهارم



اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فرآگیر انتظار می‌رود :

- ۱- خصوصیات هنر مصر را شرح دهد.
- ۲- تأثیرات و ارتباط اعتقادات دینی و آثارهنری را در آثار آن‌ها شرح دهد.
- ۳- اشتراکات و تفاوت‌های هنر مصر و میان رودان را شرح دهد.

هنر و تمدن مصر

مصر با تاریخی نسبتاً آرام که کمتر تحت هجوم قرار گرفته، توانست در زمینه‌های هنری هویتی مستقل و باثبات و دست نخورده را برای مدتی بسیار طولانی حفظ نماید.

رود نیل در طول تاریخ منشأ آبادانی و منبع حیات این سرزمین و ساکنان آن بوده است. با توجه به اینکه این رودخانه نوار سبز و حاصلخیزی را در این پهنه خشک و سوزان بیابان‌های شمال شرقی افریقا ایجاد نموده، می‌توان به جرأت آن را شاهرگ حیاتی تمدن مصر دانست.

ساکنین مصر از دو نژاد مختلف بوده‌اند. در قسمت شمالی، در دلتای نیل انسانهایی از نژاد آسیایی با صورتهای گرد و پوستهای روشن می‌زیسته‌اند و زندگی چوپانی و چادرنشینی در مصر سفلی داشته‌اند (تصویر ۱ - ۴). الهه حامی آنان مارکبرا(بوت) و نشان سلطنتی آنان زنبور عسل و تاج قرمز رنگ و گیاه مقدسشان پاپیروس بوده است.



۴-۱- شیخ البلد ، نگهبان پادشاه در جهان دیگر، از جنس چوب ، سقاره ، ۲۳۵۰ - ۲۴۵۰ ق . م، تقریباً ۱۰۷ سانتی متر
مزه مصر

ساکنین قسمت جنوبی (دره‌ی نیل) مردمی با جمجمه‌ها و صورتهای کشیده و پوستهای قهقهه‌ای از نژاد آفریقائیان بوده‌اند (تصویر ۴-۲)، که مورد حمایت الهی کرکس (نخبیت) و بانشان سلطنتی گیاه سعد کوفی



۴-۲- سردیس، مصر ۱۳۳۵-۱۳۵۳ ق. م، چوب، طلا، نقره، لاجورد و گچ

صر را در عهد کهن می‌توان اجمالاً با صفات «دینی»، «ابدیت‌گرا»، «کاهنی» و «ایستا» توصیف کرد. باید بدانیم که قدرت دین در مصر باستان با قدرت پادشاهان یکی بوده، چرا که پادشاهان مصر خود را برخوردار از نیروی الهی می‌دانسته‌اند. به پادشاهان مصر باستان فرعون^{۱۲} می‌گفتند و فراعنه موجوداتی جاودانی تلقی می‌شدند که در مقررات جاری در عالم هستی و حیات طبیعی مشارکت داشته‌اند. به همین دلیل است که آثار هنری مصر باستان در بیشتر موارد در نقش بر جسته‌ها و تندیس پادشاهان و ملکه‌ها (پیکرتراشی)، به شکل مقابر پادشاهان (معماری) و تصویرگری مربوط به زندگی ایشان در این جهان یا جهان پس از مرگ (نقاشی) جلوه‌گر می‌شود.

Narmer.^{۱۱}
فرعون در لغت به معنی اتاق بزرگ است.^{۱۲}

پادشاهی نخست و کهن

از قدیمی‌ترین آثار به جای مانده از هنر مصر، لوحی سنگی است که به عهد «نارمر» مربوط می‌شود (تصاویر ۴-۳ و ۴-۴). این لوح کوچک در زمان این پادشاه و آغاز نظام منسجم و متحده مصر اطلاعات ارزشمندی به ما می‌دهد. در تصویر (۴-۳) نارمر را با تاج مخصوص مصر علیا (دوکی شکل) می‌بینیم، شخصی که در جلوی پای شاه نارمر با خفت نشسته و شاه با دست، موی پیشانی او را گرفته معرف قوای مغلوب مصر سفلی است. در قسمت پایین لوح دو تن از دشمنان (قوای مصر سفلی) را در حال فرار می‌بینیم.

طرح پشت لوح (تصویر ۴-۴) نمایی است جزیی تر از همان حادثه با گستردگی بیشتر. در بالای سمت چپ لوح «نارمر» را این بار با تاج مصر سفلی، می‌بینیم که در اینجا به معنای پیروزی بر شمال مصر است (ظاهر شدن شاه نارمر در دو سوی یک لوح واحد با دو تاج مختلف از شمال و جنوب مصر خود مفهوم وحدت میان این دو ناحیه را که به دست او انجام شده، می‌رساند). چندتن در جلوی شاه در حالی که



۴-۴- لوح سنگی (روی لوح) شاه نارمر (پشت لوح)



۴-۳- لوح سنگی (روی لوح) شاه نارمر ، حدود ۳۱۰۰ ق. م. ، موزه مصر ، قاهره

پرچم‌ها و نشان‌هایی به دست دارند در حرکت اند و در مقابل (در سمت راست) عده‌ای از دشمنان را می‌بینیم که سرشان از تن جدا و میان پاهایشان نهاده شده است. در بخش وسطی، دو جانور اسطوره‌ای گردنهای بلندشان را به نشان اتحاد در هم پیچیده‌اند و در پایین‌ترین قسمت هم گاوی اسطوره‌ای و قدرتمند، پادشاه مصر سفلی را لگدکوب می‌کند. طرح‌های دو سوی این لوح مانند یک سند تاریخی وقایع زمان خود را ثبت کرده است. وجود عنصر نمادین و اسطوره‌ای، مانند سرگاو (در دو سوی بالای لوح) و شاهین به منظور تأکید بر ماوراء طبیعی بودن این پیروزی دنیوی است.

نوع ترسیم و ساخت و ساز بدن در اکثر نقش بر جسته‌ها تابع روش خاصی است. مطابق این روش صورت همواره از نیمرخ، بالاتنه از رویرو و پایین‌تنه، از نیمرخ نشان داده می‌شوند. فاصله پاها و نوع ایستادن به گونه‌ای است که وزن بدن به طور مساوی بر روی پاها پخش می‌شود و در نتیجه ترکیب ایستادن بسیار استوار و با وقار خواهد بود که به آن روش قراردادی نمایش تصاویر می‌گویند (تصویر ۴-۵).

نباید تصور کنیم که این روش ناشی از ناآگاهی هنرمندان مصر باستان از قوانین تصویرگری طبیعی است. بر عکس آثار گوناگون و زیادی وجود دارد که از دانش و مهارت هنرمندان آن عهد حکایت می‌کند. تصویر (۴-۶) نقش بر جسته‌های است مریوط به هزاره‌ی سوم ق.م که مجسمه‌سازان را در حال کار نشان می‌دهد. در این تصویر می‌بینیم که بدنها به طور طبیعی و منطبق بر نوع کاری که انجام می‌دهند تصویر شده‌اند. این نقش بر جسته و آثاری از این قبیل از یک سو دلالت به تسلط هنرمندان نسبت به کالبد شناسی انسان دارد و از سوی دیگر با مطابقت و مقایسه‌ی آثار می‌توان دریافت که «روش قراردادی نمایش تصاویر» در مورد مضامین رسمی، مذهبی و موضوعات مربوط به شاهان رعایت می‌شده است.

گفتیم که هنر مصر کهن از اساس، هنری است دینی و ابدیت‌گرا، بدین موزه‌ی مصر، قاهره



۴-۵- کارمند تشریفاتی دربار شاه زوسر - هزاره سوم ق.م ، سقاره



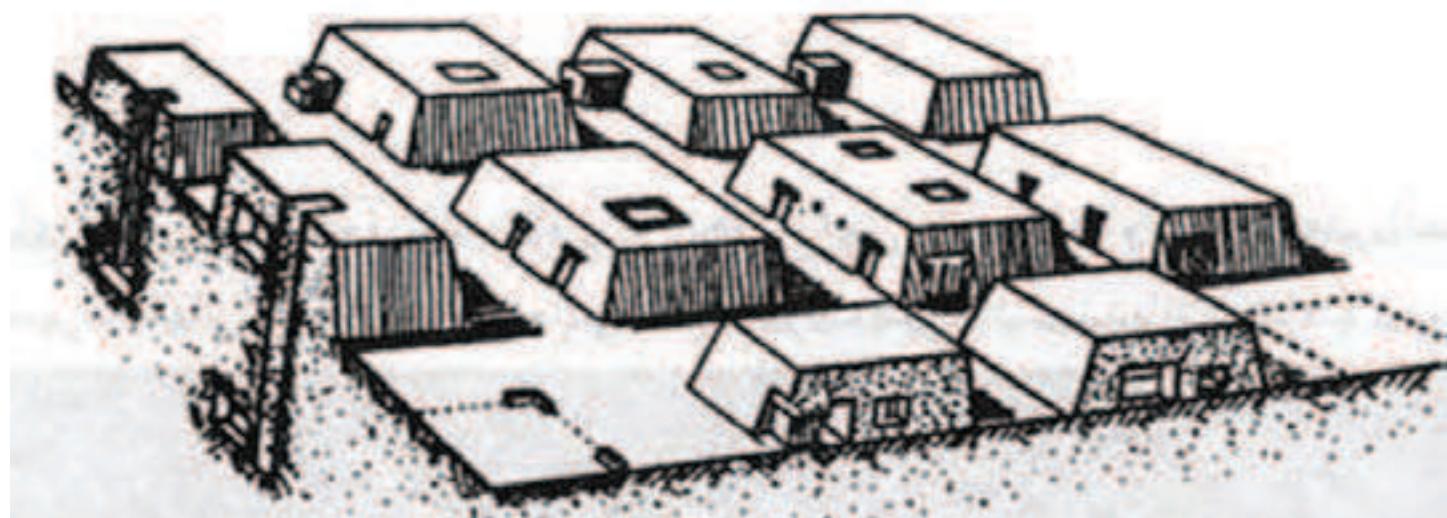
۶-۴- مجسمه سازان در حال کار نقش بر جسته، سقاره ۲۱۷۰- ۲۳۴۰ ق.م

معنی که مهم‌ترین پدیده‌های زندگی انسان‌ها آن وقایعی بوده که به نوعی با ماورای طبیعت ارتباط داشته است. در این میان «مرگ» به عنوان مرز اتصال و دروازه ورود به جهان دیگر اهمیتی استثنایی دارد. به همین جهت برجسته‌ترین آثار معماری به جای مانده را مقبره‌ها و معابد تشکیل می‌دهند. از بنای منازل مسکونی و ساختمانهای عادی باقی نمانده است چرا که این بنایا اغلب از تنہ درخت و نی ساخته می‌شدند.

لازم است بدانیم که نوع ساخت مقابر و بناهای دینی، ارتباط مستقیمی با تلقی انسانها از مرگ و جهان آخرت دارد. در سنت کهن مصر، اعتقاد بر این بود که هر انسان جفتی اسرارآمیز به نام «کا» دارد که نیروی حیات اوست. «کا» که می‌توانیم آن را یکی از تجلیات «روح»، یا «همزاد» بدانیم، پس از مرگ به حیات خود ادامه می‌دهد ولی برای بقا، هنوز به جسم مادی احتیاج دارد. از این رو نیاز به حفظ و نگهداری که آن را جایگاهی برای «کا» تلقی می‌کردد، رفته رفته به مطالعاتی علمی در خصوص چگونگی جلوگیری از فاسد شدن بدن مرده رهمنوون شد که در نتیجه‌ی آن «فن مومیایی کردن» اختراع گردید.

چون مصریان بر این باور بوده‌اند که انسان پس از مرگ همچون زندگی دنیایی، به لوازمی نیاز دارد، کلیه لوازم زندگی، زیورآلات، اثاثیه، پول و جواهرات قیمتی و حتی سگ و گربه‌های مومیایی شده همراه متوفی در مقبره قرار داده می‌شد. تابوتها از جنس چوب بود و سپس روی آنها رانگ آمیزی می‌کردند و به نوشته‌ها و تصاویر شخص متوفی می‌آراستند.

دیوار مقابر هم با نقاشی و نقش برجسته‌هایی از تمثال و وقایع زندگی متوفی تزیین می‌شد. ابتدایی‌ترین شکل مقبره‌ها به صورت سکویی ساده با وجوده جانبی شیبدار بود که آنها را مصطبه می‌نامیدند (تصویر ۷-۴). این



۴-۷- طرحی از مجموعه‌ی مصطبه‌ها

شکل رفته متحول شد و به صورت هرم پله‌ای در مقبره شاه زوسر در آمد (تصاویر ۴-۸ الف و ب) و همچنین هرمهای پلکانی هم متحول شدند. اوج این تحول را می‌توان در اهرام سه‌گانه مصر (تصویر ۹-۶) که شهرت جهانی دارند و جز عجایب عالم و میراث بشری ثبت شده‌اند، مشاهده کرد.



۴-۶-ب - طرحی از مقبره شاه زوسر، ترکیب ۶ مصتبه به صورت هرم پلکانی



۴-۸-الف - مقبره شاه زوسر، سال ۲۷۵۰ ق.م، از جنس آهک واقع در سقاره‌ی مصر

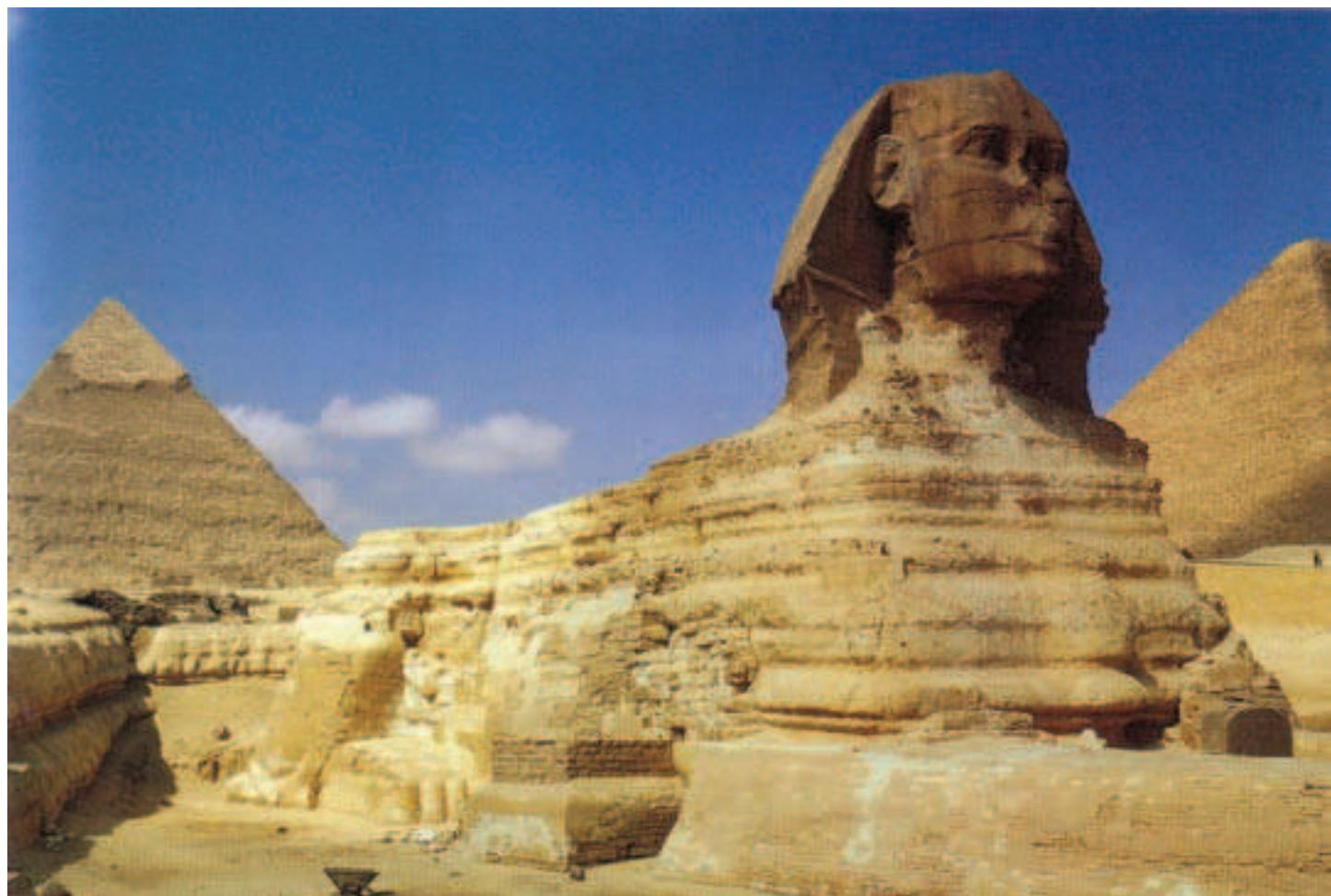


۴-۹ - اهرام سه‌گانه‌ی مصر، ۲۴۷۰-۲۴۹۰ ق.م هرم منکور، ۲۴۹۴-۲۵۲۰ ق.م هرم خفرع، ۲۵۲۸-۲۵۵۱ ق.م هرم خوفو، مصر، گیزه (جیزه)

معماری مصر که مصالح آن در آغاز چوب و سپس خشت خام بود، رفته رفته به معماری سنگی تبدیل شد و از شکل مصطبه‌های کوتاه به اهرام حجمی و بلند تبدیل شد.

کنار اهرام، مجسمه عظیم ابوالهول با ارتفاع ۲۰ متر قرار دارد که در نظر بسیاری از اهل فن، جذاب‌تر و با ابهت‌تر از اهرام است. این مجسمه شیر نشسته که سر انسانی آن بازسازی شده به احتمال چهره «خفرع»، یکی از فراعنه قدرتمند مصر است، شاید عظیم‌ترین اثری است که برای به نمایش گذاشتن شوکت و قدرت یک فرمانرو اتا کنون ساخته شده است (تصویر ۱۰-۴).

پیکرتراشی نیز یکی از هنرهایی است که در این دوره رواج داشته است و از ابتدایی‌ترین ایام حکومت فراعنه با دقت و اهمیت وافر پیگیری می‌شد از این رو در اندک زمانی به اوج زیبایی و رشد رسید. علت نیل به چنین اعتلایی را می‌بایست باز هم در ارتباط این آثار با عالم پس از مرگ جستجو کرد. مجسمه‌ها در



۱۰-۴- ابوالهول (اسفنکس بزرگ)، بلندی ۲۰ متر، حدود ۲۵۳۰ ق.م، مصر، گیزه (جیزه)



۴-۱۱- تندیس شاهزاده رع حوتپ، سال ۲۷۵۰ ق.م.
بلندی ۱۳۸ سانتی متر، موزه مصر، قاهره

بسیاری از موارد بخشی از مقبره به شمار می‌رفتند و به عنوان کالبد ثانوی فرد متوفی تلقی می‌شدند، بدین معنی که چنانچه در بقای جسد (به رغم مومیابی کردن و روش‌های دیگر) خلی پیش می‌آمد، تندیس متوفی می‌توانست چون جسم اصلی، جایگاهی برای اقامت و بقای «کا» باشد. به همین خاطر دقت بسیاری در شبیه‌سازی تندیسهها در عین شباهت به متوفی دارای وقار و شوکتی در خور فرعانه و حالتی عمیق و ایستاده شایسته‌ی عالم خدایان بودند. نوع نشستن یا ایستادن این تندیسهها همواره با ممتاز و قدرت و تعادل توازن است (تصویر ۱۱-۴).

در برخی از این تندیسهها حضور شخصیت‌ها و نمادهای آسمانی همچون الهه‌های نگهبان تأکیدی مضاعف بر قدرت خدایی فرعانه است (تصویر ۱۲-۴).

در بعضی از تندیسهها هنر نقاشی و مجسمه‌سازی به کمک هم شتافته اند تا اثر نهایی جلوه‌ای طبیعی تر پیدا کند. به عنوان مثال در تندیس شاهزاده رع حوتپ و همسرش نوفرت (تصویر ۱۳-۴) که از جنس سنگ آهک ساخته شده، موها، ابروها و مژه‌ها و پوست بدن به صورت طبیعی رنگ‌آمیزی شده است. از رنگ لباس، نوع تزئینات (گردنبند و نوار پیشانی) ملکه می‌توان اطلاعات ارزنده‌ای در مورد نوع آرایش و زیور آلات آن عصر بدست آورد. ضمناً با مراجعه به آثار مختلف، از تندیس و نقش بر جسته و نقاشی می‌توان به طرز خاص لباس پوشیدن فرعانه، ریش مصنوعی آئینی، نوع خاص سربند که آنها را از دیگر افراد متمایز ساخته و همچنین حالات چهره پی‌برد.



۴-۱۳- شاهزاده رع حوتپ (راحتپ) و همسرش نوفرت ، ۲۶۱۰ ق. م. ، سنگ آهک رنگ آمیزی شده، بلندی ۱۱۸ سانتی متر، موزه مصر، قاهره



۴-۱۲- شاه منکورع در میان دواله‌های نگهبان، از دره‌ی منکورع واقع در گیزه (جیزه)، ۲۷۵۰ ق. م. ، ارتفاع ۹۳ سانتی متر، موزه مصر، قاهره

پادشاهی میانه و جدید

فراعنه مصر در اواخر عهد پادشاهی کهن با مشکلات سیاسی روبرو شدند. فرمانرویان محلی علیه فراعنه طغیان کردند و با کم شدن قدرت فرعونها ساختن مقابر عظیم نیز به رکود و ایستایی رسید. این رکود حدود ۷۰۰ سال به طول انجامید. گرچه در اواخر دوره پادشاهی میانه فراعنه مصر توانستند قدرت از دست رفته را تا حدی احیا کنند، ولی آن شوکت و عظمت مقام فرعونی دیگر باز نگشت.

معماری مذهبی که در دورانی «مقبره» در آن رکن اساسی و «معبد» جز ثانویه را داشت رفته به «معبد محوری» کشیده شد. معماری مذهبی در عهد پادشاهی جدید باز به شیوه و سبکی متفاوت شوکت و جلال خود را باز یافت. این بار هنرمندان معمار با دانش و ذوق از عظمتهای طبیعی برای شوکت بخشنیدن به معابد بهره گرفتند. به جای اینکه کوهی مصنوعی و عظیم(هرم) بسازند کوه های با شوکت تر طبیعت را محور قرار دادند و معبد را در هماهنگی با آن با درایت و دقیق بسیار بنا کردند. بارزترین نمونه این رشد و اوج معبد- مقبره ملکه «حت شیپسوت» است که در دوران پادشاهی جدید بنا شده است(تصاویر ۱۴ - ۱۵).



۱۴-۱۵- معبد مقبره ملکه حت شیپسوت ، واقع در دیر البحری ، سده ۱۵ ق . م

در زمینه پیکرتراشی تابوت‌ها نیز گاهی وارد قلمرو تندیس‌ها می‌شوند. هنرمندان مصری برای محافظت از پیکر بیجان فرعون تابوت‌هایی به شکل شخص متوفی می‌ساختند. این تابوت‌ها اغلب از جنس چوب ساخته می‌شد سپس آنرا رنگ آمیزی می‌کردند و با زیورآلاتی می‌آراستند. در بعضی موارد جسم در چند تابوت تو در تونهاده می‌شد (تصویر ۱۵-۴).

یکی از زیباترین و استثنایی‌ترین تابوت‌ها که هم از لحاظ هنری ارزشمند است و هم از لحاظ قیمتی بودن مواد و مصالح گنجینه‌ای بی‌نظیر به شمار می‌رود، تابوتی است از طلای ناب مرصع به سنگهای قیمتی و مینا متعلق به فرعونی به نام «توت عنخ آمون» می‌باشد (تصویر ۱۶-۴) که در نوجوانی جان سپرد.

ترکیب زیبای صورت که در آن طراوت جوانی متوفی منعکس گشته به همراه رنگ چشم گیر طلا که با تزئیناتی قیمتی به رنگهای قرمز، لاکوردی، فیروزه‌ای و سبز آراسته شده، ترکیبی در نوع خود بی‌نظیر ایجاد کرده است. البته واضح است که مجسمه‌های فرعونی به منظور حفظ وقار و شوکت ایشان و تأکید به مرتبه الهی پادشاهان همواره در آرمانی‌ترین صورت جسمانی طرح می‌شدند (تصویر ۱۶-۴).



۱۵-۴-بخش‌هایی از تابوت توت عنخ آمون، طلای ناب مرصع شده بامینا و سنگهای قیمتی، حدود ۱۳۶۰ ق. م. بلندی ۱۸۰ سانتی متر، موزهی مصر، قاهره

همچنین می توان در آثار دیگری که تمثالهای غیرآئینی را با ترکیبات جسمانی مردم عادی به نمایش گذاشته اند، به حالات واقعی و طبیعی افراد پی برد. مجسمه‌ی ایستاده‌ی شیخ‌البلد یا کتخدا (تصویر ۱-۴) و تنديس نشسته کاتب (تصویر ۱۷-۴) نمونه‌هایی از هنر مجسمه سازی غیرآئینی مصر باستان هستند.

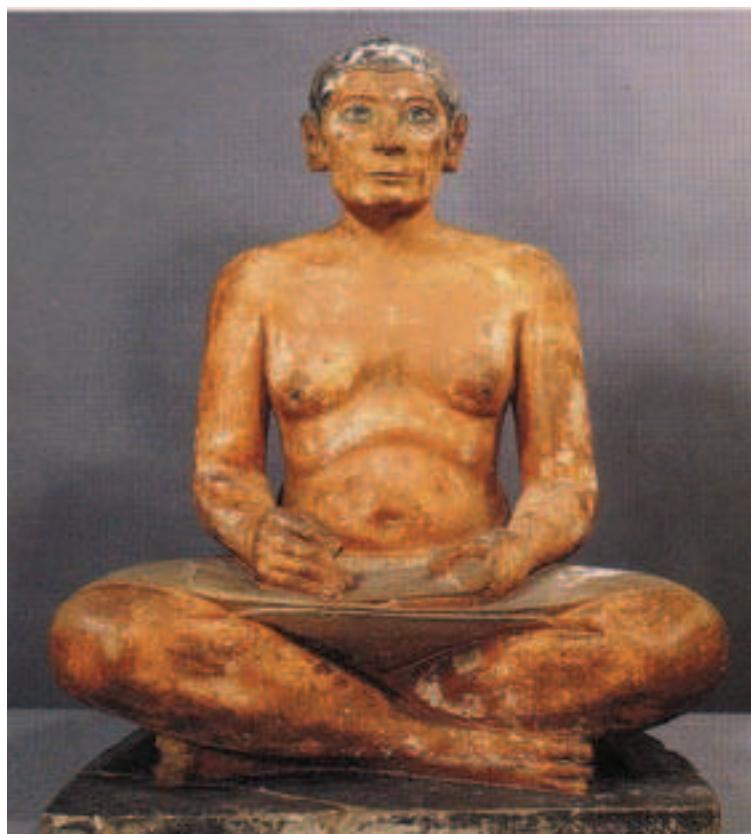
جزی که در کلیه تنديسهای سرديسهای مصر، چه آئینی و چه غیرآئینی آشکارا به چشم می‌آید، شناخت هنرمندان از کالبدشناسی، استخوان‌بندی، کشش عضلات و توانایی آنها در نمایش حالات چهره‌هاست.

در نقاشی مصری حجم بسیار زیادی از اطلاعات دقیق، در آثاری مدبرانه، زیبا و ارزشمند حفظ شده است. بخش عمده دانش ما در خصوص نوع معیشت، شیوه‌ی لباس پوشیدن، ابزار آلات و ظروف مورد استفاده و آئینهای مذهبی مصر کهن را می‌توان از آثار نقاشی به جای مانده در بیش از ۴۰۰۰ مقبره دریافت. از این رو نقاشی نسبت به آثار معماری و پیکرتراشی اهمیت بیشتری دارد. در اکثر نقاشیها روش قراردادی نمایش تصاویر رعایت شده است. موضوع نقاشی این تمدن کهن را می‌توان به سه طبقه‌ی کلی اسطوره‌ای، آئینی و واقعه‌نگاری تقسیم کرد.

در تصاویر اسطوره‌ای موضوع اثر، جهان خدایان و وادی پس از مرگ است. در این تصاویر فرد متوفی در ارتباط با خدایان و نیایش آنان ترسیم می‌شده است (تصویر ۱۸-۴). در نقاشی‌های آئینی، توجه نقاش، عمدتاً به مراسم سوگواری، تشییع جنازه و مراسمی از این دسته معطوف می‌شده است (تصویر ۱۹-۴).

در این مراسم معمولاً خود متوفی نیز با سلامت جسمانی کامل در حال بهره مندی از لذت‌های دنیوی، تصویر می‌شده (تصویر ۲۰-۴) و واقعه‌نگاری که به جلوه‌هایی از زندگی روزمره و ثبت حوادث رایج اختصاص داشته است. موضوعات واقعه‌نگاری طیف وسیعی از موضوعات، از کشت و زرع، شخم با گاو، دامداری، قصابی و ماهیگیری تا آرایش و تصویر جانوران مختلف و غذاهای گوناگون را در برمی‌گیرد (تصویر ۲۱-۴).

میان نقاشیهایی که با موضوعات مذهبی و آئینی رسم شده اند و نقاشیهای واقعه‌نگاری تفاوت واضحی



۱۷-۴- کاتب نشسته، سنگ آهک رنگ شده از سقاره، ارتفاع ۵۳ سانتی متر، موزه‌ی لوور پاریس



۱۹- مراسم تشییع جنازه ، نقاشی دیواری از مقبره‌ی راموس



۱۸- نقاشی دیواری (فرسک) روی گچ نم دار ، ملکه در حال نیایش ، مقبره‌ی نفر تاری واقع در دره‌ی ملکه‌ها ، تبس



۲۰- نقاشی دیواری روی گچ خشک(فرسک) از مقبره‌ی نبامون ، ۱۴۰۰-۱۳۵۰ ق.م ، تبس ، مصر ، موزه‌ی لندن



۴-۲۱- نقاشی دیواری از یک مقبره‌ی گمنام،
کشت و زرع، حدود ۱۵۰۰ ق.م



۴-۲۲- نقاشی شکار و ماهیگیری، مقبره‌ی متا،
۱۴۱۱- ۱۴۲۲ ق.م

در نوع ارائه دیده می‌شود. به نظر می‌رسد نقاشان، به هنگام ترسیم آثار عامیانه، چون در قید و بند موضوع خاص، با دستور العمل مشخصی نبوده‌اند، خلاقیت، نوآوری و آزادی بیشتری در ترکیب بندی و ارائه از خود نشان داده‌اند که این آثار را از لحاظ بصری بسیار جذاب می‌نماید. تصویر(۴-۲۲) نمونه بارزی از نوآوری، طرح آزاد و خلاقانه هنرمند است. طرح زیبا، روان و در عین حال طبیعت‌گرایی ماهی‌ها بر روی زمینه‌ای از خطوط زیگزاگ آزاد و حاشیه‌های زیبا و بی‌تكلف، نقشی را آفریده که بسیار مدرن است. مطالعه‌ی این گونه آثار، چهره دیگری از هنر مصر را که آزاد و غیر آیینی است به ما می‌نمایاند.

آثار نقاشی مصری با گذشت زمان از وادی اسطوره و آئین پا فراتر گذاشت و به موضوعات این جهانی جدی‌تر پرداخت (تصویر ۴-۲۳). ثبت یک واقعه‌ی تاریخی، یعنی نبرد «توت عنخ آمون» یکی از فراعنه جوان مصر در هزاره دوم پیش از میلاد با سوری‌ها است. نوع ترکیب بندی، ریتم و ضرب آهنگ قرار گرفتن سم دو اسب ارایه و آشفتگی صفواف دشمنان گرایش نقاشی را به شیوه‌های آکادمیک و رسمی نشان می‌دهد. در بالای سرتوت عنخ آمون وجود دو کرس، خطوط هیروغلفی و نمادهای دیگر، که همگی بر خلاف سپاه دشمن با انصباط و متناسب تصویر شده‌اند، معرف اتصال این فرعون به عالم خدایان و استعانت او از قوای مأموری طبیعت است (تصویر ۴-۲۳).

در عین حال اگر این نقاشی را با طرح لوح نارمر (تصاویر ۴-۳ و ۴-۴) مقایسه کنیم در می‌یابیم که روح حاکم بر دو اثر کاملاً متفاوت است. موضوع هردو جنگ با دشمن است و هر دو حاکم به نیروهای مأمور طبیعت و اساطیر متکی هستند. لیکن نوع ارائه منضبط نقوش، نظم آیینی حاکم بر اجسام مردگان و ایستاندن با وقار و محکم نارمر، حضور روح آیینی و غلبه‌ی جهان اساطیری را القا می‌کند. در صورتی که جنگ «توت عنخ آمون» نبرد این دنیایی با آزادی و آشفتگی ملموس زمینی است.

همین تفاوت را می‌توان در میان تندیس‌های فراعنه، در ادوار مختلف مشاهده کرد. در تندیس



۴-۲۳- صحنه نبرد توت عنخ آمون با سوری‌ها، نقاشی بروی صندوق، ۱۳۵۸-۱۳۵۰ ق.م، موزه قاهره

شاه زوسر (تصویر ۱۱-۴) روح اساطیری و آئینی حاکم است و پیکره‌ی زیبا و مجلل توت عنخ آمون (تصویر ۱۶-۴) در عین اشاره واضح به عالم اساطیر، شکوه و جلال جهانی آشکاری را دارد.

موضوعاتی که در این فصل به آنها پرداخته شد، همگی حاکم از یک هویت قوی حاکم بر هنر و تمدن مصر باستان است. هویتی که در هر حال به آئینه‌های دینی و شخصیت پادشاه یا فرعون به عنوان نماینده خدا بر روی زمین وابسته است. همین مبنا و محور مستحکم، از هنر این دوره پدیده‌ای استوار، قابل تمیز و قدرتمند ساخت که طی هزاران سال به رغم تحولات پدید آمده در آنها به راحتی از هنرهای دیگر بازشناسنده می‌شود.

پرسش

- ۱- مشخصات دونزد اصلی ساکنین مصر باستان را ذکر کنید.
- ۲- تاریخ مدون و مستند مصر از چه زمانی آغاز شد؟ توضیح دهید.
- ۳- هنر عهد کهن مصر را با چه صفاتی توصیف می‌کنند؟
- ۴- لوح نارمر چه چیزی را به تصویر کشیده واژ چه نظر ارزنده است؟
- ۵- روش قراردادی نمایش تصاویر در هنر مصر باستان را توضیح دهید؟
- ۶- چه تفکری باعث شد که مصریان فن مومیایی را اختراع کنند؟ توضیح دهید.
- ۷- سیر تحول ساختار مقابر در مصر باستان را به اختصار شرح دهید.
- ۸- باذکر یک مثال، در مورد نحوه‌ی شکل گیری معبد و مقبره‌ها در مصر باستان توضیح دهید.
- ۹- دو نمونه از هنر مجسمه سازی غیر آئینی مصر باستان ذکر کنید.
- ۱۰- در مورد ارزش آثار نقاشی مصر باستان و تنوع موضوعات آن توضیح دهید.
- ۱۱- در مورد تفاوت‌های اثر تاریخی "نبرد توت عنخ آمون" و لوح "لوح نارمر" در کلاس گفت گو گنید.

فصل پنجم

هنر شبہ قاره هند

دوره جدید

ح ۱۸۵۷ م

دوره مغول

ح ۱۲۰۰ م

سلسله چولا

ح ۷۵۰ م

فرمانروایی گوپتا و
سلسله پالا

ح ۲۵۰ م

فرمانروایی موریایی و
فرمانروایی کوشانی

ح ۴۰۰ ق.م

ورود آریایی ها
تمدن رودخانه گنگ

ح ۱۵۰۰ ق.م

تمدن دره سند

ح ۲۵۰۰ ق.م



EARLY SOUTH AND SOUTHEAST ASIA



فصل پنجم



هنر و تمدن شبه قاره هند

اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فرآگیر انتظار می رود :

- ۱- عوامل و عناصر شکل گیری هنر شبه قاره هند را توضیح دهد.
- ۲- سه دوره‌ی هنر و تمدن شبه قاره‌ی هند را نام ببرد.
- ۳- نمودارها و آثار هنری را در دوره‌پیش از آریائیان شرح دهد.
- ۴- ویژگی‌های هنر اسلامی هند را شرح دهد.

هنر و تمدن شبه قاره هند

سرزمین هند یکی از مناطق مهم تاریخ تمدن بشری است که روزگاری عرصه‌ی ظهور چند تمدن عظیم و دین بنام جهان بوده است. از این سرزمین در بسیاری از موارد با نام «شبه قاره» یاد می‌کنند که این خود از عظمت این سرزمین پهناور حکایت دارد.

هنگامی که در وادی هنر و تمدن از هند نام برده می‌شود ناحیه‌ای وسیع را در بر می‌گیرد. که شامل کشورهای کنونی هندوستان، پاکستان، نپال، بوتان، بنگلادش، سریلانکا و بخشی از افغانستان است. این سرزمین که به حق سرزمین عجایب نام گرفته، تاریخی پرنشیب و فراز دارد، اقوام مختلف از نژادهای



۱-۵ - یکی از صفحات نسخه مصور بوستان سعدی، کتابت، تصویر و تذهیب شده در هند، دوره اسلامی

گوناگون، با اعتقادات و آیینهای دینی متفاوت در طول تاریخ به این سرزمین کوچ کرده یا بر آن هجوم برده‌اند. اما در نهایت همگی پس از دوره‌هایی از تنش، به نوعی همزیستی آرام و مساملت آمیز و درک چند جانبه رسیده‌اند. برخی از هند شناسان خصلت همزیستی مساملت آمیز و تقریب بین ادیان را از ویژگیهای بارز و ممتاز خاک سرزمین هند می‌دانند. سیر تاریخ ادیان و مذاهب در هند، این سرزمین را از سیاری از تمدن‌های دیگر ممتاز می‌سازد.^{۱۳}

هند و ایران از هزاران سال پیش تاکنون وجود مشترکی داشته‌اند. تشابهات بسیار میان «اوستا» (کتابهای دینی کهن ایرانیان) و «وداها» (کتاب مقدس هندوان) به وجود اصل و منشأ مشترک گواهی می‌دهد. تشابه بسیاری از نام شخصیت‌های موجود در این کتابها و هویت ایشان از مواردی است که به هم اصل بودن ایرانیان و هندیان گواهی می‌دهد. این ارتباط به حدی نزدیک بوده که قریب به هشت‌صدسال از تاریخ هند، زبان فارسی، زبان علم و ادب به شمار می‌رفته و قریب به چهار صد سال زبان رسمی هند بوده است. بسیاری از آثار هنری و میراث فرهنگی هند را نسخه‌های خطی (تصویر ۱-۵) دیوان‌های شعرای بزرگی چون حافظ و سعدی و فردوسی تشکیل می‌دهد.



۲-۵ - تاج محل، نمای جنوبی، کتیبه خطی

بناهای تاریخی معروف اسلامی چون «تاج محل» (تصویر ۲-۵) توسط مهندسان ایرانی طراحی شده و با خط زیبای خوشنویسانی ایرانی آراسته است.

هنر و تمدن سرزمین هند را به طور اجمالی می‌توان به سه دوره تقسیم کرد.

الف: دوره پیش از آریائیان

ب: دوره آریائیان

ج: دوره اسلامی

هر سه دوره‌ی فوق از اعصار درخشان تاریخ شبه قاره هند به شمار می‌روند.

الف : دوره پیش از آریائیان

کهن‌ترین تمدن مکشوفه شبه قاره هند که تمدن دره‌ی سند است، قدمت ۴۵۰۰ ساله دارد. از این جهت یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان به شمار می‌رود. این دوره از تمدن هند که از حدود سال ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد در اوج شکوفایی بوده از اکتشافات سده بیستم است. تا قبل از این اکتشافات باستان‌شناسی که به کشف دو شهر مهم هاراپا^{۱۴} و مو亨جو‌دارو^{۱۵} انجامید (تصویر ۳-۵)، محققان از وجود تمدنی کهن‌تر از

۱۳. نگرش دینی بر سر تا سر تاریخ تحول هنر هند سایه افکنده است و لذا برای درک هنر شبه قاره نیل به دانش اجمالی در خصوص ادیان این منطقه ضروری است.

Harappa .۱۴
Mohenjodaro .۱۵

تمدن آریایی در منطقه بی اطلاع بودند.

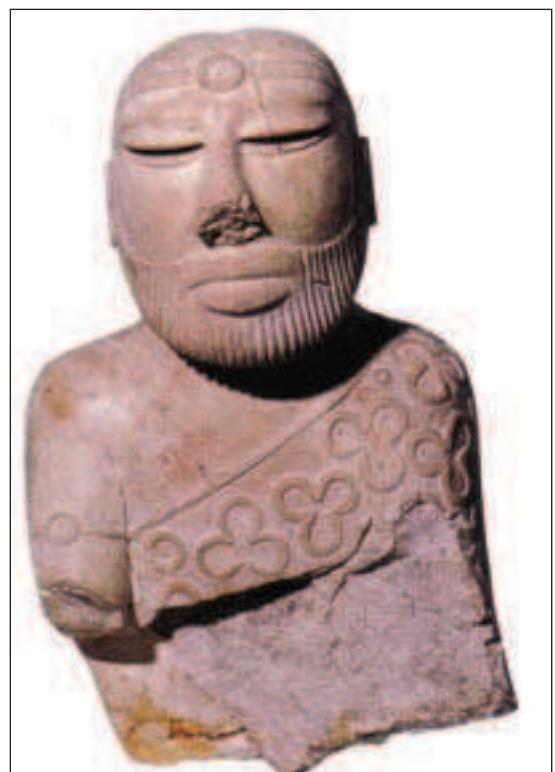


۵-۳- طرح خیالی موہنجدارو بر اساس یافته های باستان شناسی، موزه موہنجدارو

پس از انجام حفاریها و کشف شهر مهم «موہنجدارو» در ۱۹۲۱ میلادی پرده از وجود تمدنی بسیار پیشرفتی برداشته شد. از ویژگیهای مهم این شهرها، وجود نقشه شهرسازی پیشرفته، سیستم فاضلاب شهری، خانه های دو تا سه طبقه با حیاط مرکزی، خیابان ها و کوچه های منظم و عمود بر هم، انبار غله برای توزیع ارزاق، یک استخر وسیع، بناهای ساخته شده از آجرهای کوره پز شده و بالاخره حصار اطراف شهر به بلندی ۱۳ متر را می توان نام برد، که به نظر می رسد شبیه به شهر سوخته در سیستان و بلوچستان می باشد.

ظروف سفالی، تندیسهای سنگی و مسی (تصویر ۴-۵) و بالاخره مهرهای کوچکی از جنس استاتیت یا سنگ صابون (تصویر ۵-۵) از آثار مهمی هستند که از حفاریهای تمدن دره سند بدست آمده است. بر روی این مهرها که اغلب سفید رنگ هستند، نقوش جانورانی چون فیل، گاو کوهاندار، کرگدن، ببر و ... با مهارت، استادی و آگاهی کامل از کالبد شناسی نقش گردیده اند.

مطالعه نقوش این جانوران از یک سو، تبحر هنرمندان ۴۰۰۰ سال پیش را به نمایش می گذارد و از سوی دیگر اشاره ای به وجود انواع جانوران نقش شده در محیط زیست انسان های آن دوران دارد. همین سندهای ساكت ولی گویا نشان می دهد که روزگاری، در منطقه ای که اکنون بیابان های خشک و شن های روان آنرا پوشانده، ناحیه ای حاصلخیزی بوده و در آن گیاهان و جانوران بیشماری وجود داشته اند.



۴-۵- پیکره ای کاهن شاه، تمدن دره سند موہنجدارو، ۲۵۰۰ - ۱۷۰۰ ق. م سنگ صابون (استاتیت)، موزه ملی پاکستان



۵-۵- مهرهای موہنجدارو، سنگ صابون، ۱۷۰۰ - ۲۵۰۰ ق. م، پاکستان

ب : دوره آریائیان

سلطه‌ی آریائیان در مناطق شمالی شبه قاره را حدود ۱۵۰۰ ق.م تخمین زده اند. شکل‌گیری تمدن آریایی مدتی طولانی (حدود هزار سال) از ۱۵۰۰ ق.م تا زمان ظهور بودا (۴۸۶ تا ۵۶۶ ق.م) به طول انجامید و از این جهت است که آثار هنری برجسته‌ای مربوط به این ایام بدست نیامده است. گرچه منابع مکتوب از وجود هنرهایی چون نقاشی دیواری، تزئینات چوبی و آثاری از عاج، نقره، طلا و سنگ‌های قیمتی خبر می‌دهند لیکن نمونه‌هایی از این آثار یافت نشده است.

نخستین آثار ارزنده بدست آمده از دوره حکومت آشوکا (فرمانروایی موریایی) راستونهای سرسوتونهای عهد حکومت امپراتور آشوکا (حکومت ۲۳۲-۲۷۳ ق.م) تشکیل می‌دهند. امپراتور آشوکا تحت تأثیر تعالیم بودا، این ستونها را در مکانهای مهمی که به زندگی بودا مربوط می‌شود برافراشت. این ستونهای سنگی که تا ۱۰ متر ارتفاع و گاهی تا ۵۰ تن وزن داشته‌اند و به رویی استادانه تراش و صیقل خورده‌اند. تکنیک ساخت این آثار با روش حجارهای هخامنشی و آثار تخت جمشید نزدیکی بسیاری دارد و مطالعه تاریخ روابط ملل و تحقیقات هنری نشان داده است که این سرستونهای زیبا و معروفترین آنها که سرسوتون سرنات (تصویر ۵-۶) نام دارد یا به دست حجاران و معماران هخامنشی و یا زیر نظر مستقیم آنها، توسط هنرمندان بومی، ساخته شده‌اند.

از سده‌ی سوم قبل از میلاد تا حدود سده‌ی پنجم و ششم میلادی آثار هنری غالب در شبه قاره‌ی هند را آثار مجسمه سازی و معماری بودایی و هندویی تشکیل می‌دهند.

اولین نمونه‌های معماری بودایی استوپاها^{۱۶}، بودند. استوپا (تصویر ۷-۵) از یک پشتہ نیم‌کروی محکم و توپر ساخته می‌شد و محل نگهداری اشیا به یادگار مانده از بودا بوده است. بسیاری از این



۵-۶- سرستون آشوکا (چهار شیر و چرخ)، سنگ ماسه، سده سوم ق.م، سرنات، موزه‌ی باستان‌شناسی، هند

stupa.۱۶

بناهای یادبود در دوره حکومت آشوکا ساخته شده اند و طی مرور زمان در ابعاد بزرگتر بنا شده و به عنوان سبک معماری خاص بودایی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

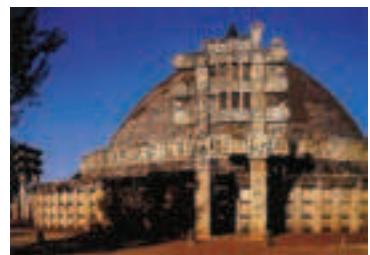
در زمینه هنرهای تجسمی، نقاشی‌های دیواری، نقش بر جسته‌های سنگی و بالاخره تندیس‌های بودا (تصویر ۸-۵) عمدی آثار هنری بودایی را تشکیل می‌دهد.

آئین هندویی نیز از آئین‌های کهن شبه قاره هند است که جزء ادیان آریایی به شمار می‌رود. این

آئین به عنوان دین غالب سرزمین هند هنوز رواج دارد و اغلب آثار هنری شبه قاره نیز به نوعی با همین دین مرتبط است. بنای معابد، تندیس‌های سنگی، فلزی و چوبی، نقش بر جسته‌های مربوط به خدایان متعدد و نقاشی روی دیوار غارها و معابد آثاری هستند که به وفور در نقاط مختلف هند دیده می‌شوند (تصویر ۹-۵).

در آئین هندویی سه ایزد چرخش نظام هستی را به عهده دارند که خدایان اصلی را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: «برهم» ایزد خالق، «ویشنو» ایزد محافظ کائنات و «شیوا» ایزد نابودی (تصویر ۱۰-۵).

معابد هند عموماً به پرستش دو ایزد (ویشنو و شیوا) و تجلیات آنها اختصاص دارند. نمای خارجی این معابد چنان مملو از تندیس خدایان، تصاویری (به صورت نقش بر جسته، پیکرتراشی و نقاشی)، شرح حال زندگی خدایان و جانوران اساطیری است که این معابد را به تندیسه‌های عظیم و پیچیده‌ای تبدیل کرده اند. به بیان دیگر این معابد تلفیقی از پیکرتراشی و معماری می‌باشد (تصاویر ۱۱-۵) عمولاً فضای داخلی آن انداز است و بیشترین تاکید بر جزئیات خارجی است.



۷-۵- استوپای بزرگ سانچی، سده اول قبل از میلاد تا سده بعد از میلاد، هند



۸-۵- بودای نشسته، سنگ ماسه، سده پنجم میلادی، سرnat، موزه‌ی باستان شناسی، هند



۵-۵-شیوا در مقام نتاراجا (رقص کیهانی) ، سده ۱۰ میلادی ،
مفرغ



۵-۹-بخشی از یک نقش بر جسته‌ی سنگی با
صحنه‌هایی از زندگی بودا ، سده دوم میلادی
گالری فری بر-واشنگتن



۱۱-معبد خاجو راهو ، هند ، حدود سده ۱۰ میلادی

دوره‌ی اسلامی

تا سده هفتم هجری قمری / سیزدهم میلادی، آثار قابل ملاحظه‌ای از نفوذ و اختلاط فرهنگی میان مسلمین و هندیان به دست نیامده است. از این تاریخ، با مهاجرت ایرانیان به هند زمینه ایجاد یک فرهنگ عظیم فراهم می‌شود. انتقال اسلام به هند نیز اساساً توسط ایرانیان صورت گرفت و همراه این انتقال فرهنگی زبان فارسی نیز رواج یافت. فنون کتاب آرایی اسلامی نیز رشد کرد و به اوج خود رسید به طوری که برخی از زیباترین نسخه‌های خطی نفیس فارسی در شبه قاره هند تدوین گردیده و تعداد نسخه‌های خطی فارسی هند بیش از تعداد نسخه‌های تدوین شده در ایران است.

تأثیر فرهنگ ایران بر سرزمین هند در زمینه نقاشی، نگارگری، هنرهای دستی، فرش و معماری نیز بوضوح دیده می‌شود. اوج تجلی هنر اسلامی را که هنر «هندو- ایرانی» نیز نامیده می‌شود، می‌توان در دوران حکومت مغولان تیموری (۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ میلادی) مشاهده کرد.

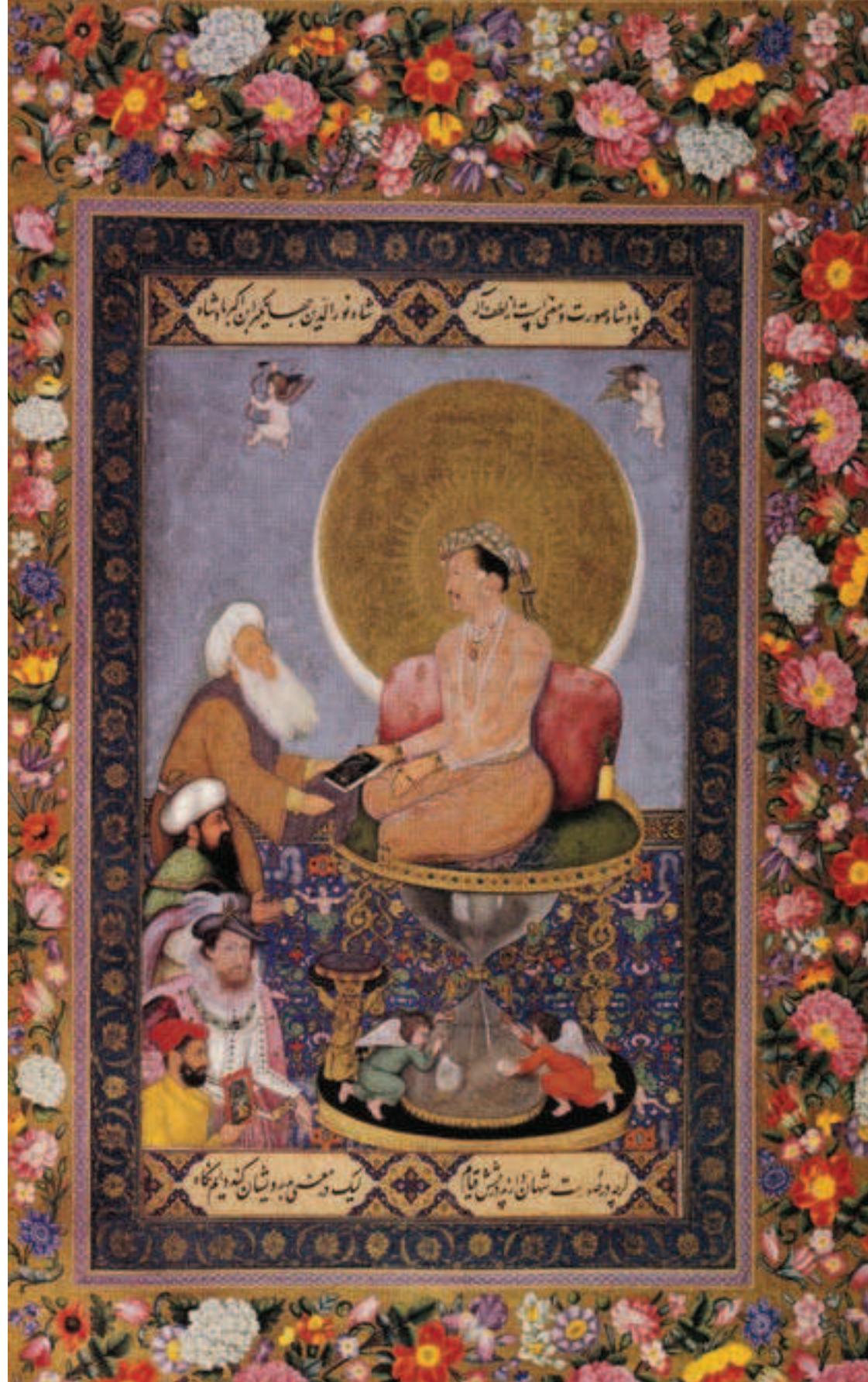
هند به واسطه وجود سلاطین و درگیری‌های محلی آنان از نظر سیاسی کشوری ناآرام و بی تعادل بود اما پس از استقرار مغولان هند (تیموریان) نظام و قوام فرهنگی خاص یافت. لازم به ذکر است که لفظ «مغول» برای ما ایرانیان، توحش، بی فرهنگی و برببریت را تداعی می‌کند در صورتیکه این لفظ در شبه قاره هند همواره با احترام یاد می‌شود. مغول‌های هند، بر خلاف مغولانی که به ایران تاختند، پس از گذشت حدود دویست سال انسانهایی فرهنگ دوست و هنرپرور گشتند.

استقرار و قوام اولیه عهد مغول که توسط بابر، بنیان‌گذار این سلسله تا حدی بدست آمده بود در عهد حکومت فرزندش همایون شاه، ۱۵۳۰- ۵۶ میلادی تنزل کرد. ولی همین ضعف نظام سیاسی سبب رشد فرهنگی و هنری گشت زیرا همایون شاه از وحشت شورشیان به دربار شاه طهماسب صفوی در ایران پناه آورد. شاه طهماسب از او به نیکی پذیرایی کرد و برای بازپس گرفتن قدرت از دست رفته از او حمایت کرد.

در زمان اقامت در دربار ایران، همایون شاه بسیار تحت تأثیر هنر، ادب و فرهنگ صفویه در ایران قرار گرفته بود و هنگامیکه با کمک شاه ایران توانست قدرت از دست رفته را بازیابد زمینه مهاجرت هنرمندان ایرانی را فراهم کرد. از پیشگامان این مهاجرت باید از «دوست مصور»، «میرسیدعلی» و «عبدالصمد» نام برد.

این هنرمندان برای پرورش هنرجویان و خلق آثار هنری، به ایجاد کارگاه‌های هنری در دربار همایون شاه پرداختند و بدین ترتیب فصلی نوین در فرهنگ و هنر هند آغاز گردید. قدر نهادن به هنر و هنرمندان در

دربار مغلول هند به حدی بود که بسیاری از هنرمندان و شعرای ایرانی به دربار پادشاهان مغول هند جذب شدند و منشا خدمات و آثار ارزنده‌ی فرهنگی و هنری گشتند. موج گرایش به هنر و فرهنگ ایران روز به روز گستردہ‌تر می‌شد و آثار هنری ارزنده‌ای خلق می‌گشت. پادشاهان بعدی مغول، چون اکبرشاه(که اکبر کبیر لقب گرفته)، جهانگیر شاه و شاه جهان به ترتیب برکمیت و کیفیت این هنر افزودند. آثار کم نظری در زمینه‌های نسخ مصور خطی، کتاب‌هایی چون همایون نامه، اکبرنامه، توزک جهانگیری و پادشاهنامه شاه جهان و آثار چوبی، فلزی، سنگی و معماری از این دوران به جای مانده است که در ردیف برجسته‌ترین آثار هنری جهان قرار دارند (تصاویر ۱۲ - ۵ تا ۱۶ - ۵). نسخ خطی دوره‌ی اسلامی هند اغلب به زبان فارسی و خط نستعلیق نوشته شده‌اند. زبان فارسی در حکم زبان دینی مسلمانان هند است همانطور که زبان عربی و خطوط نسخ و ثلث برای ما ایرانیان فرهنگ اسلام را تداعی می‌کند، زبان و خط فارسی نستعلیق نیز نزد مسلمانان شبه قاره هند نه تنها به لحاظ فرهنگی و ادبی ارزشمند است بلکه از جایگاه خاص دینی نیز برخوردار است. پادشاهان مغول کتابخانه‌های عظیمی تأسیس کردند، به اهل قلم سفارش کتاب می‌دادند و سپس خوشنویسان و تذهیب کاران و نگارگران به تصویر و تزئین این کتاب‌ها می‌پرداختند. خلق این آثار از یک سو به ترویج خط و زبان فارسی انجامید و از سوی دیگر زمینه را برای خلق آثار بدیع هنری در قالب خط، تذهیب و نقاشی فراهم نمود. دوران هنر اسلامی شبه قاره هند در عهد شاه جهان به کمال خود رسید. بنای زیبای تاج محل (تصویر ۱۷ - ۵) مربوط به همین عهد است. این بنا که در شهر آگرا واقع است، مقبره ممتاز محل همسر محبوب شاه جهان است که بعدها خود نیز در آن مدفون گشت. این بنا که به نمادی از عشق شهرت دارد و یک پارچه از سنگ مرمر سفید ساخته شده، از تاثیر عمیق هنر معماری ایرانی بر معماری بومی هند حکایت می‌کند.



۱۲-۵-جهانگیر شاه و شیخ صوفی، نقاشی مغولی، آبرنگ جسمی روی کاغذ، هند، سده یازدهم هجری



۱۴- برگی از اکبر نامه ،
عهد مغول ، سده دهم هجری
، هند ،



۱۳- منار قطب الدین
ایک ، دہلی ، سده ششم
هجری ، سنگ ماسه سرخ
و مرمر صاف



۱۶- شاه جهان در حال نگهداری
یک جواهر ، مرقع شاه جهان



۱۵- دو صفحه رویرو از قرآن دست نوشته ،
lahor ، سده دهم هجری ، کتابخانه بی بیتانیا



۱۷-۵-نمای کلی تاج محل ، آگرا، هند

پرسش

- ۱- چه مواردی را می توان به عنوان نشان دهنده ارتباط نزدیک ایران و هند ذکر کرد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۲- تمدن هند را به چند دوره تقسیم می کنند؟ نام ببرید.
- ۳- شهرهای مهم ”هاراپا“ و ”موهنجودارو“ مربوط به چه دوره ای هستند و چه ویژگی های دارند؟
- ۴- نخستین آثار ارزنده ای به دست آمده از دوره ای حکومت آریائیان در هند چیست؟ توضیح دهید.
- ۵- اولین نمونه های معماری بودایی چه نام دارند و کاربردشان چه بوده است؟
- ۶- معابد هند دارای چه خصوصیاتی هستند؟
- ۷- انتقال اسلام به هند از چه طریق صورت گرفت؟ توضیح دهید.
- ۸- اوج تجلی هنر اسلامی هند مربوط به چه دورانی است؟ چرا؟
- ۹- سه تن از هنرمندان ایرانی پیش گام مهاجرت به هند را نام ببرید.
- ۱۰- چند نمونه از آثار بر جسته نسخ خطی مصور کارشده در زمان پادشاهان مغول را نام ببرید.
- ۱۱- دوران هنر اسلامی هند در عهد کدام پادشاه به کمال خود رسید؟ یکی از مهم ترین آثار این دوره را ذکر کنید.

فصل ششم

هنر و تمدن چین و ژاپن



چین معاصر

ح ۱۹۱۱ م

سلسله چینگ

ح ۱۶۵۰ م

سلسله مینگ

ح ۱۴۰۰ م

سلسله یوآن

ح ۱۳۰۰ م

سلسله سونگ

ح ۹۵۰ م

سلسله تانگ

و ۵ سلسله

ح ۵۵۰ م

سلسله های ششگانه

ح ۲۲۰ م

سلسله های

چین و هان

ح ۴۰۰ ق. م

سلسله زو (چو)

ح ۱۰۰۰ ق. م

سلسله شانگ

ح ۲۰۰۰ ق. م

دوران نو سنگی

EARLY CHINA AND KOREA



فصل ششم



هنر و تمدن چین و ژاپن

اهداف رفتاری:

پس از پایان این فصل از فراغیر انتظار می‌رود :

- ۱- تفکر و هنر غالب در نظام فکری مؤثر در هنر چین را شرح دهد.
- ۲- عوامل و عناصر تشکیل دهنده‌ی هنر کهن شرق دور را شرح دهد.
- ۳- هنر سلسله‌ی میانه و چین متأخر را شرح دهد.
- ۴- ارتباط هنر چین را با دیگر هنرها (ایران) به اجمال توضیح دهد.
- ۵- هنر و تمدن ژاپن را به اختصار شرح دهد.

هنر و تمدن چین

شرق دورمتشكل از کشورهایی است چون چین، کره و ژاپن که کمابیش دارای فرهنگ و هنری نزدیک به هم هستند. دوران تاریخی فرهنگ و تمدن چین به حدود هزاره دوم قبل از میلاد می‌رسد و با سلسله شانگ قطعی و مستند می‌شود. اکتشافات باستان‌شناسی به وجود تمدن و حکومت منسجمی در دشت‌های اطراف رودخانه زرد یا هوانگ هو(جوانگ جو) در شمال و شمال شرقی چین گواهی داده است. هنر چین از جمله هنرهای شاخص جهان است که از دیر باز هویت خاص چینی خود را حفظ نموده است. چین به خاطر

اختراعات ارزنده‌ای چون تهیه ابریشم از پیله‌ی کرم ابریشم، ساخت ظروف چینی بسیار مرغوب، کاغذ و نیز صنعت چاپ شهرت بسیار دارد.

تفکر و هنر غالب چین در طول تاریخ تحت تأثیر سه نظام فکری و اعتقادی یعنی تعالیم «لائوتسه^{۱۷}»، «کنفوسیوس^{۱۸}» و «بودا^{۱۹}» شکل گرفته است.

۱- قدمت تعالیم تاؤ به ۶۰۴ قبل از میلاد و به دوران سلسله «چو» باز می‌گردد. بنیانگذار این تفکر شخصی به نام لائوتسه بوده که جز یک کتاب کوچک تحت عنوان «راه و قدرت‌های آن» (دائع دجینگ) از

وی چیزی به جای نمانده است. تعالیم عرفانی لائوتسه مربوط به یگانگی با نیروی لایزال جهان است.

۲- کنفوسیوس در سال ۵۵۱ قبل از میلاد در دوران سلسله چو دیده به جهان گشود. تعالیم او ضمن تأکید بر جنبه‌های اخلاقی متوجه ایجاد تحولاتی در جهت بهبود ساختار اجتماعی و نظام حکومتی بود. کنفوسیوس را بیشتر می‌توان یک مصلح فیلسوف دانست.

۳- «بودا» شاهزاده‌ای هندی بود که در سده ی ششم قبل از میلاد در هند متولد شد، در همان سرزمین به ترویج تعالیم‌ش پرداخت و همانجا نیز جان سپرد. تعالیم بودا که بر مبنای تعالیم زیستی و صلح اندیشی استوار بود، در فاصله چند سده در میان اقوام، ملل و فرهنگ‌های مجاور مقبولیت وسیع یافت. جاده ابریشم در انتقال این آیین و هنرهای ناشی شده آن نقش مهم و حساس ایفا کرد. از طریق همین شبکه راه بود که فرهنگ‌های گوناگون شرقی و غربی با یکدیگر آمیخته و انعکاس آن را می‌توان به بهترین نحو در آثار هنری دوره بودایی که از سده اول میلادی به بعد وسعت و شوکت یافت، مشاهده کرد.

مهمترین هنر چینی خوشنویسی و نقاشی است. با شکل‌گیری سلسله‌های پنج گانه و سلسله سونگ مهمترین دوران عصر طلایی فرهنگ، شعر و هنر چینی با به وجود آمدن طریقت چینی موسوم به «چان» همراه با تأسیس هنرکده نقاشی، تحول شگرفی در نقاشی منظره‌سازی به ویژه طومارهای آویختنی یا کادرهای عمودی پدید آمد. همچنین در این دوران پیکره‌های چوبی با شکوه و غیررسمی با توجه به ظرافت‌های اجرایی ساخته شد. آئین «چان» تلفیقی از تعالیم زیستی بودا و افکار لائوتسه یا به عبارتی تلفیقی از تعالیم تاؤیزم و بودایی است که توجه خاصی به طبیعت دارد و زمینه‌ساز مهم‌ترین تجربیات هنری نقاشی در زمینه منظره‌سازی است. این آیین امروزه بیشتر با واژه ژاپنی آن یعنی "دن" بکار گرفته می‌شود.

”خوش نویسی“ در سنت هنری چین والاترین جایگاه را دارد، از این رو آموزش خط به عنوان یک پدیده تربیتی بنیادین از دوره کودکی آغاز می‌گردد. یک فرد چینی اهل فرهنگ می‌باشد همواره توان خویش را در خوش نویسی حفظ می‌کرد تا بتواند آن را به اثبات برساند. اهمیت خوش نویسی به حدی بوده که حتی محققان و اهل علم برای احراز یک مقام رسمی دولتی می‌باشد امتحان خوش نویسی را با موفقیت پشت سر می‌گذاشتند و در غیر این صورت به مستند مورد درخواست گمارده نمی‌شدند.

ابزار خوش نویسی چینی عبارت از قلم مو، کاغذ، مرکب و سنگ مرکب بودند و این هنر از کهن ترین هنرهای چین است. این هنر با تعالیم لائوتسه، ارتباط مستقیم دارد. بر اساس این تعالیم، حرکت قلم می‌باشد دارای تمام نیروهای حیات بخش جهان و کیهان شامل نیروهای نهان در کوهها، رودخانهها و صخرهها، درختان، حشرات و دیگر جانداران باشد. هنرمند می‌باشد با تمرین بسیار بتواند با جزئیاتی ترین حرکات، فشار، نرمی و کشش قلم می‌تواند قادر به القای نیروهای مذکور باشد. او در طی این ریاضت طولانی نه تنها به شناخت قوای طبیعت دست می‌یابد بلکه به شناخت حقیقت خویش نیز نائل می‌گردد. او به هنگام خلق یک اثر خوش نویسی و نقاشی را به نمایش می‌گذارد. (تصویر ۶-۱ الف و ب)



۶-۱ ب - نقاشی و خوش نویسی ، هسووی ، ۱۵۹۳- ۱۵۲۱ ، چین



۶-۱ الف - ادوات نقاشی و خوش نویسی

آثار خوش نویسی در سراسر چین به عنوان یک سنت فرهنگی ملی به صورت خطوط تزئینی بر سر در و دیوار معابد، غارها، سینه‌ی کوهها و عنصری از عناصر نقاشی دیده می‌شود و رواج کامل دارد. ”نقاشی“ در چین نزدیکی بسیاری با خوشنویسی دارد. ابزار هر دو یکی است و زمینه کار نیز کاغذ یا ابریشم است. طبیعت از موضوعاتی است که بسیاری از نقاشان را تحت تأثیر خود قرار داده، نقاش اصیل چینی هیچگاه به تقلید از طبیعت نمی‌پردازد چرا که مقصود او چیزی ورای ظاهر طبیعت است. او به یگانگی با روح و جوهر طبیعت می‌اندیشد و می‌کوشد تا با ایجاد فضاهایی به کمک حرکت مواج قلم مو و با حداقل پرداختن به جزئیات، تخیل خود را از طبیعت تصویر نماید.

وقتی به یک نقاشی منظره‌ی چینی نگاه می‌کنیم عظمت طبیعت را بدون نیاز به مشاهده جزئیات حس می‌کنیم. کوهها، رودها، درختان و ... همه با آن نیروی ذاتی خود در تصویر حضور دارند. انسان‌ها اغلب چون ذرات ناچیزی در گوشه و کنار دیده می‌شوند. این نوع تصویرگری با تعالیم لائوتسه که انسان را در قیاس با عناصر طبیعت عنصری کوچک و حقیر می‌داند، هم سوبی و همنوایی کامل دارد. (تصویر ۲-۶)



۳-۶- بودیساتوا، پیکره چوبی نقاشی شده، سده ۱۲ و ۱۳ میلادی، چین



۲-۶- نقاشی منظره، چین

حجم زیادی از هنر دینی چین را آثار بودایی تشکیل می‌دهد. معبد - غارها، نقاشیهای روی دیوار و طاق پرستشگاه، تندیسها و شمایلهای چوبی، گلی و سنگی بی شمار با مضامین بودایی در جای جای این کشور وسیع پراکنده است (تصویر ۳-۶).

هنر چین باستان (از هزاره دوم قبل از میلاد تا سده‌ی ششم میلادی)

پس از گذراندن عصر نوسنگی، دوران تاریخی چین از سلسله شانگ شروع و تا پایان دوران شش پادشاهی را در بر می‌گیرد. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی قدیمی‌ترین تندیس‌های بدست آمده، مجسمه‌های کوچکی از جنس سفال بسیار مرغوب (نژدیک به چینی) و یا پیکره‌های کوچکی از جنس سنگ یشم سبز یا مرمر سفید است. بسیاری از این تندیس‌ها در مقبره‌ی پادشاهان سلسله شانگ یافت شده که از آیین به خاکسپاری لوازم و اشیاء مختلف، همراه با مردگان در آن عصر حکایت می‌کند. همچنین پیکره‌ها و ظروف مفرغینی که از نمونه‌ی بارز آن می‌توان به گوانگ^{۲۰} اشاره کرد نیز وجود دارد (تصویر ۴-۶).

در اواخر دوران سلسله شانگ و شروع سلسله «چو» آثار مفرغی با ایجاد برخی تغییرات در شکل آن‌ها ساخته شد و سنگ یشم ارزش بیشتری یافت و در آن‌ها توجه خاصی به گرایشات آیینی (لتوتسه و کنفوسیوس) پدیدار شد (تصویر ۵-۶). در دوران سلسله «چین»^{۱۱} بنیاد رسمی و نظام حکومتی منسجمی برقرار و همچنین خط و سکه یکسان و شبکه‌ای از راه‌ها احداث و برای استحکام بخشیدن قلمرو حکومتی دیوار عظیم چین ساخته شد (حدود سده دوم ق.م).

از آثار منحصر به فرد سلسله چین ارتش سفالین در ابعاد طبیعی است (تصویر ۶-۶). با روی کار آمدن سلسله «هان» با برقراری مجدد نظام حکومتی و آیین کنفوسیوس شهرهایی با ساختار چهار جهت اصلی و ایجاد کاخ‌هایی با شکوه با دیوار نگاره‌های مجلل پدید آمد و بر اساس آثار باستان‌شناسی بدست آمده از مقابر بزرگ پادشاهی یا خاندان سلطنتی، مانند پارچه‌های ابریشمی نفیس (تصویر ۷-۶)، بخورسوزهای مفرغی با تزئینات مرصع و با اختراع کاغذ (حدود ۱۰۵ ق.م) اولین بازتاب عناصر هنر متعالی منظره پردازی چینی (کوه و آب) گسترش یافت.

شكل گیری دوران شش پادشاهی در سده سوم میلادی با نفوذ تعالیم بودا، اصول شش گانه^{۲۲} نقاشی



۴- گوانگ با شکل جانوری، سلسله شانگ، سده ۱۲ یا ۱۱ ق.م، مفرغ



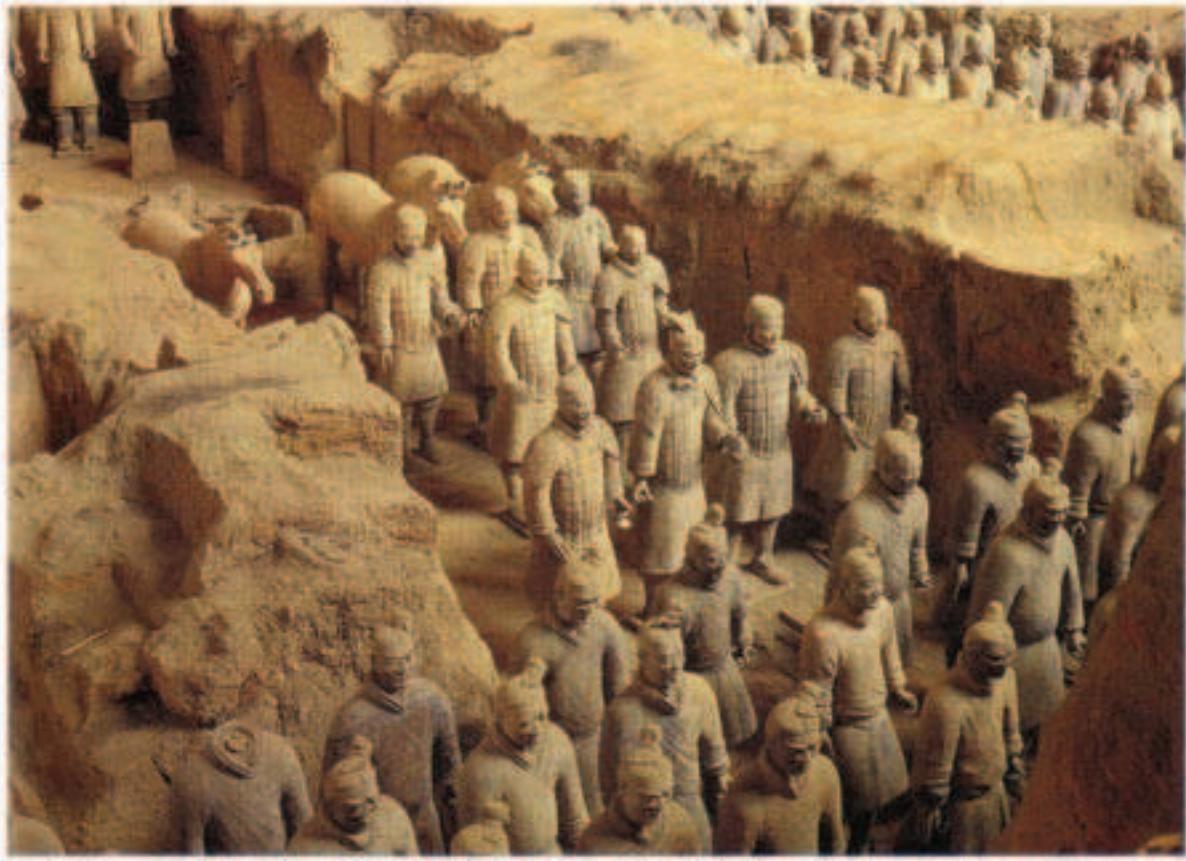
۵- حلقه‌یی، سنگ یشم، شی مقدس مردگان، سده چهارم و سوم ق.م

۲۰- guang چینی گوش با درپوش بزرگ، به هیبت جانوری، دارای تزئینات چهار گوش

۲۱- نام کشور چین نیز از همین سلسله بر گرفته شده است.

۲۲- ۱- یگانگی با روح و جوهر طبیعت - ۲- روش‌های بکار گیری قلم مو - ۳- وفاداری به شکل ظاهری اشیاء

۴- هماهنگی و همسانی کاربرد رنگها - ۵- طرح ریزی صحیح در بکار گیری عناصر - ۶- انتقال تجربه گذشتگان



۶- سپاه سفالین رنگ شده شی هوانگ دی، دفن شده در گودال، سلسله چین - ۲۱۰ ق.م، بلندی پیکره ها حدود ۱۷۷ سانتی متر



۷- پرچم تشییع جنازه، نقاشی روی ابریشم، آرامگاه سلسله هان، ۱۶۸ ق.م

شناخت کالبدشناسی، شکل، رنگ، بافت و غیره در هنر چین در سطح عالی بود به طوری که تجربیات دیگر فرهنگ‌های مرتبط را دربرمی‌گرفت (تصویر ۳-۶). تندیسی از هنر مجسمه سازی و نقاشی که حاصل بیش از هزار سال تجربه هنری است.

هنر سلسله های میانه (کلاسیک)

این دوره شامل سلسله‌های تانگ، سلسله‌های پنج گانه و خاندان سونگ می‌باشد. با گستره جغرافیایی چین در زمان سلسله تانگ ادیان مختلفی چون بودایی، مسیحی، زرتشتی و اسلامی پدیدار شدند. از آثار بر جسته این دوران می‌توان به بوداهای عظیم الجثه بی‌شمار در غارهای هزار بودای نواحی مختلف چین اشاره کرد (تصویر ۶-۸).

در این دوره نمونه‌های بسیار دیگری به دست آمده است. از جمله: آثار نوشتاری، طومارهای امپراتوری، معابد باشکوه چوبی همراه با نقاشی و دیوارنگاری، پیکره‌های مفرغی، بناهای آجری هفت طبقه موسوم به پاگودا^{۳۳} (تصویر ۶-۹)، پیکره‌های غاری بزرگ و پیکره‌های صخره‌ای، تندیس‌های گلی رنگ شده به ویژه اسب^{۲۴} (تصویر ۱۰-۶)، تصاویر بودا در بهشت (تصویر ۱۱-۶) و منظره‌های تک رنگ بر ابریشم (تصویر ۱۲-۶).



۶-۸- بوداهای عظیم الجثه،
غارهای هزار بودا، سلسله
تانگ، ۶۸۰-۶۷۰ م م بلندی
۱۵ متر، چین

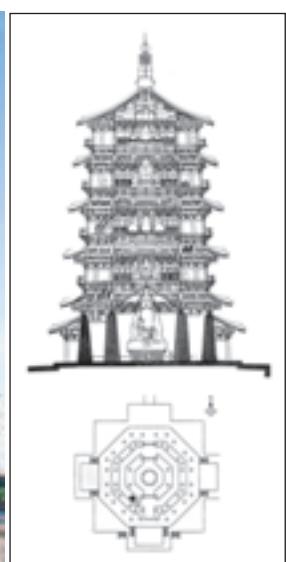
pagoda .۲۳
۲۴. اسب در فرهنگ چین همان ارزش گاو در فرهنگ خاورمیانه را دارد.



۶-۹- الف - پاگودا، ینیگ شیان، ۱۰۵۶ میلادی ، چین



۶-۱۰- ب - اسب سفالین لعاب دار، سده ۹ و ۸ میلادی، بلندی ۵۰ سانتی متر



۶-۹- ب - پلان و برش عرضی پاگودا



۱۲-۶- مسافران در میان کوه ها ورودها ، فان کو آن، سلسله ی سونگ ، سده ۱۱ میلادی، طومار عمودی مرکب و رنگ روی ابریشم



۱۱-۶- بهشت آمیتابها، نقاشی دیواری غار تون هوانگ ، سلسله ی تانگ ، سده ۹ میلادی ، چین

چین متاخر

دوره چین جدید شامل سلسله های یوان، مینگ، چینگ و دوره معاصر(جمهوری چین) می شود. این

دوره تاریخی با تسلط مغولها بر چین از سده سیزدهم و چهاردهم میلادی آغاز شد و حاکمان جدید تلاش

کردند فرهنگ غنی چین را جذب کنند. از مهمترین تحولات هنری این دوران می توان به شکل گیری مکتب

بن رن با حضور شخصیت های علمی، ادبی، فرهنگی که به نقاشی می پرداختند اشاره کرد.

عمده نقاشی های این مکتب که بر کاغذ ترسیم می شد شامل کوه های رفیع، آثار، جنگل ها، رودخانه ها،

کاج های گره دار، تک چهره ها، اسب، پرندۀ، گل و ... بود. ولی غالب ترین موضوع نقاشی به «خیزان»^{۲۵} توجه

دارد (تصویر ۱۳-۶).

دوران مینگ شامل سده های چهاردهم، دوران شکل گیری پایتخت رسمی چین در شهر پکن و

ساخت شهر منوعه (بی جینگ)^{۲۶} (تصویر ۱۴-۶) است. دوران بازآفرینی هنر های پیشین، تمایل به تزئینات،

۲۵. خیزان در فرهنگ چین معادل اصیل زاده در نظر گرفته می شود که در مقابل سختی ها خم می شود اما هرگز نمی شکند.

۲۶. بی جینگ: محل اقامت امپراتور



۱۳- منظره‌ی کوهستانی، هوانگ کونگ وانگ، سلسله‌ی یو آن، طومار افقی، مرکب روی کاغذ



۱۴- قصر امپراتور، شهر ممنوعه، سلسله‌های مینگ و چینگ، سده ۱۷ م، چین

چینی سازی (وسایل زندگی و مبلمان) (تصویر ۱۵-۶) و شکل‌گیری منظره‌پردازی آبی و سبز (تصویر ۱۶-۶) و حضور هنرمندان زن در امپراتوری چین است.

در دوره چینگ (سده ۱۷ تا ۲۰ میلادی) زمینه تجارت و تبادل فرهنگی و صادرات به اروپا با مهم‌ترین دوران تاثیرگذاری بر سبک روکوکو مطابقت دارد (تصویر ۱۷-۶). مهم‌ترین تحول نقاشی در این دوران، تاکید بر ضربه‌های قلم مو و حذف فضاهای مهآلود در نقاشی است که شاهد آثاری با وضوح بیشتر هستیم و در این آثار بیشترین تاکید بر پیش زمینه و کادر افقی به جای کادرهای عمودی سابق می‌باشد.



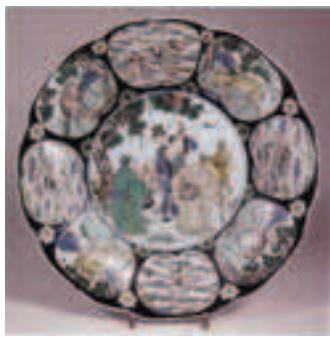
۱۵-۶-میز چوبی با روکش لاک الکل قرمز، سلسه‌ی مینگ، سده ۱۵ م



۱۶-۶-گلدان چینی زبر
لعلی، سده ۱۸ میلادی، ۳۰
سانتی متر، سلسه چینگ

ایران و چین

ایران و چین از دیرباز از طریق جاده ابریشم با یکدیگر مرتبط بوده اند و گروه‌های زیادی از ایران بزرگ و آسیای میانه به چین مهاجرت کردند و در آنجا رحل اقامت افکندند. ایالت شین جیانگ (سینکیانگ) در شمال غربی چین موطن این جمعیت مسلمان است. البته مسلمانان دیگری هم از راههای دریابی و مسیرهای متفاوت به چین وارد شده اند. لذا تأثیرات اسلام را تقریباً در اکثر مناطق چین می‌توان مشاهده کرد.



۶-۱۷- بشقاب چینی سفید نقاشی شده
روعلایی شفاف، سلسه‌ی چینگ، حدود ۱۷۰۰
میلادی، چین



۶-۱۸- منارامین، ناحیه‌ی تورفان، غرب
ترکستان چین، سده ۱۸ م، چین

شهرهای مهم و تاریخی که کاشف و ختن در ایالت دارای آثار معماري ارزنده‌ای است که با سبک معماري و کاشیکاری ايراني و با الفاظ فارسي آراسته شده‌اند (تصویر ۱۸-۶). مسلمانان چيني تحت تأثير فرهنگ و مذهب ايران تعداد زیادي از واژه‌های فارسي را خصوصاً در مضمون مذهبی بكار می‌برند. واژگانی چون آبدست (وضو)، بانگ نماز (اذان)، نماز بامداد (نماز صبح)، نماز پيشين (ظهر)، نماز ديگر (عصر)، نماز (مغرب)، نماز خفت (عشاء) و ... می‌توان اشاره کرد.

ایران نيز از بسیاري جهات از هنر چين خصوصاً ساخت و تزيين ظروف چيني و نقاشي دوران مغول تأثير پذيرفت. چين هنوز هم پس از گذشت قرون و اعصار به ساخت ظروف چيني ظريف و زيبا شهرت دارد.

پرسش

- ۱- تفکر و هنر غالب چين تحت تأثير چه نظام های فكري شكل گرفته است؟
- ۲- تفکر تأؤرا توضیح دهید.
- ۳- کنفوشيوس که بود؟
- ۴- جاده‌ی ابریشم چه تأثيری در هنر چين گذاشته است؟
- ۵- آیین چان چیست؟ چه تأثيری در هنر چين گذاشته است؟
- ۶- خوش نویسی در چين با چه عالمی ارتباط مستقيمه دارد؟ توضیح دهيد.
- ۷- برخورد نقاش اصيل چيني با طبيعت چگونه است؟
- ۸- دوران تاریخي چين با کدام سلسه آغاز می شود؟ قدیمي ترين آثار به دست آمده اين دوران چیست؟
- ۹- چه اتفاقات مهمی در اوخر دوران سلسه "تانگ" و شروع سلسه "چو" در هنر چين روی داد؟
- ۱۰- دیوار چين در کدام سلسه ساخته شد؟ ديگر کارهای مهم اين سلسه را ذکر کنيد.
- ۱۱- چگونه ساختن شمايل بودا در چين رواج یافت؟
- ۱۲- هنر سلسه‌ی ميانه‌ی چين را به اختصار توضیح دهيد.
- ۱۳- ویژگی‌های مکتب "بن رن" را توضیح دهيد.
- ۱۴- مهم ترين تحولات نقاشی چيني در دوران چينگ چیست؟
- ۱۵- اسلام از چه طريق در هنر چين اثر گذاشت؟ توضیح دهيد؟

ژاپن

دوره جدید

ح ۱۸۶۸ م

دوره ادو

ح ۱۶۲۰ م

دوره مومویاما

ح ۱۵۵۰ م

دوره موراماجی

ح ۱۴۰۰ م

دوره کاماکورا

ح ۱۲۰۰ م

دوره هیان

ح ۸۰۰ م

دوره نارا

ح ۶۵۰ م

دوره آسوکا

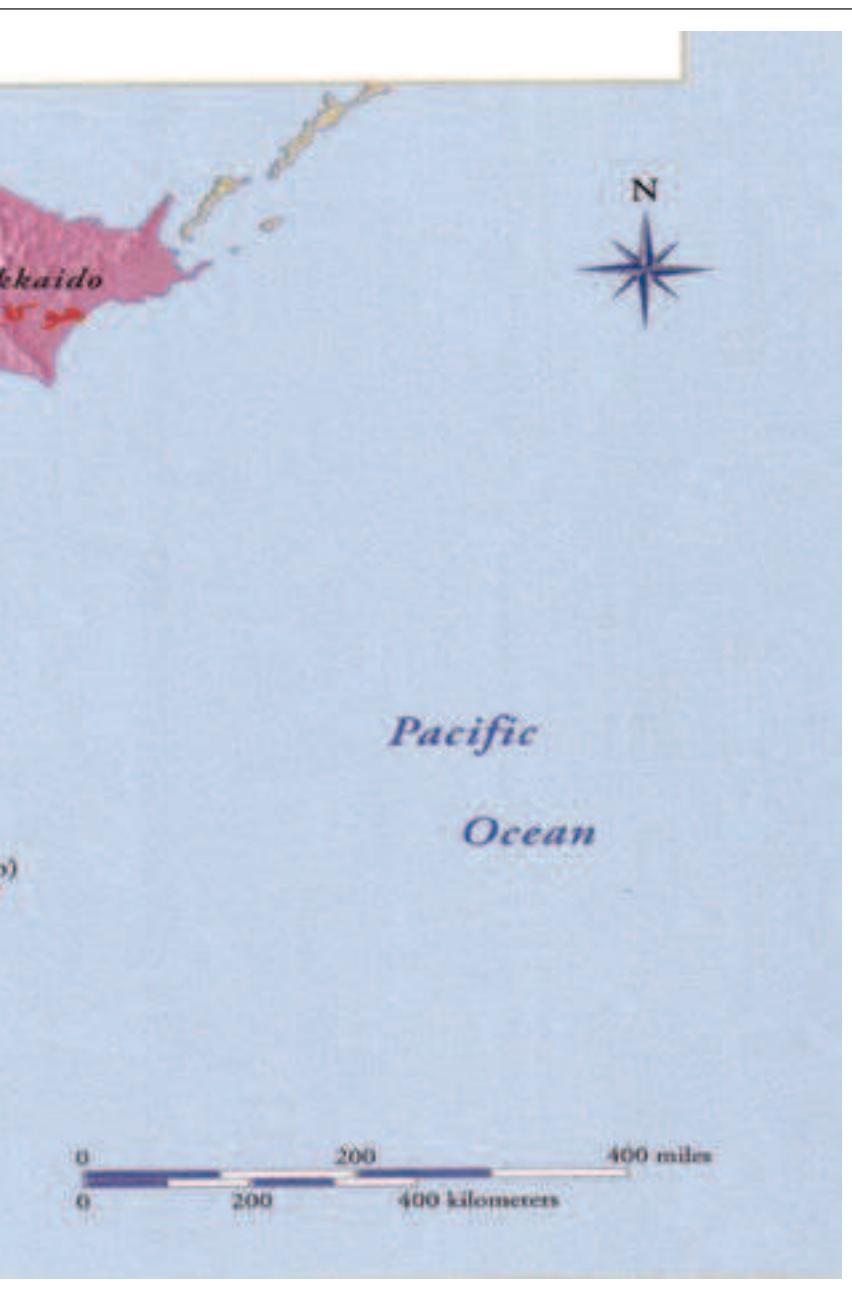
ح ۳۰۰ م

دوره یابویی

ح ۲۰۰ ق.م

فرهنگ جومون

ح ۹۰۰ ق.م



JAPAN (1336–PRESENT)



ژاپن

فرهنگ و تمدن ژاپن حاصل دوره های متمایز و مستقل همراه با دوران برحورد و تأثیرپذیری هنری

و فرهنگی از دیگر مناطق است. فرهنگ و هنر ژاپن با سپری کردن دوران طولانی عصر نوسنگی تا سده هفتم میلادی و سپس با تأثیرپذیری از هنر چین و کره در حد فاصل سده هفتم تا شانزدهم میلادی و نفوذ اروپا از سده شانزدهم تا سال ۱۸۶۸ (سده نوزدهم) خصوصیات ذاتی خود را در سادگی شکل و طرح با حفظ و حراست از زیبایی و ظرافت طبیعت بیان کرده است. الهام از نگرشها و تفکرات فرهنگ‌های خارجی که همواره زمینه‌ای برای پیشرفت بودند، باعث شد تا هنرها زیبا با عناصر تزئینی بصورت استادانه پالایش گردد. از این رو در دوره‌های متفاوت نگرش بر طبیعت تجدید گشته و تکامل یافته است.

نخستین آثار هنری دوران آغازین با تپه‌های تدفینی(کوفان یا کوفون) که با ردیف‌های استوانه‌ای گلی(هانیوا)(تصویر ۱۹-۶) که معمولاً با شکل جنگجویان و خانه ساخته می‌شد و هم چنین با ساختمان‌های چوبی اولیه و شکل‌گیری مذهب ژاپنی (مرسوم به آئین شین تو یا طریقت خدایان) آغاز شد(تصویر ۲۰-۶).



۱۹-۶- هانیوا ، پیکره جنگجو ، سفال ، حدود ۱۲۳ سانتی متر ، سده ۵ و ۶ میلادی ، ژاپن



۶-۶- عمارت اصلی معبد ایزه (ایسه)، آین شین تو، چوب، بازسازی سده بیستم میلادی، ژاپن

دوره‌ی باستان



۶-۶-۲۱- عمارت طلایی، هور یوجی کوندو، نارا، سده ۷ میلادی، ژاپن

در این دوره ورود آئین بودا و به کارگیری حروف چینی آنديشه نگار(ایدئوگرام) همراه است. از مهمترین میراث هنری این دوران ساخت زیارتگاه‌های بودایی(هوریوجی) و ایجاد کاخ‌های چوبی به ویژه تالار زرین(کوندو)(تصویر ۶-۲۱) که با نقاشی‌های دیواری و پیکره‌های مفرغی بودایی تزیین شده‌اند(تصویر ۶-۲۲) همچنین به شهرسازی با الگو پایخت سلسله تانگ و ساخت تنديس‌های بزرگ بودا می‌توان اشاره کرد. نخستین میراث هنر محلی ژاپن در دوره هیان با ایجاد مدارس اشرافی، شکل‌گیری ادبیات ژاپن، داستان بلند طوماری گنجی همراه با نقاشی‌های تصویری، روایتی، تزیینی ژاپنی با نوعی یکسان سازی زمینه و پس زمینه(تصویر ۶-۲۳) و ساخت تالار ققنوس به دلیل شباهت به پرنده بزرگی در حال پرواز پدید آمد(تصویر ۶-۲۴).



۶-۲۲- تثلیث (سه گانه مقدس) واکاشی، هوریوجی، مفرغ، سده ۷ و اوایل ۸ میلادی، ژاپن



۶-۲۳- صحنه‌ای از فصل کوچک داستان گنجی، مرکب ورنگ روی کاغذ، دوره هیان



۶-۲۴- عمارت ققنوس، اوچی، سده ۱۱ میلادی، ژاپن

دوران نوین

دوران جدید با تاثیرپذیری از فرهنگ چینی(کاماکورا) و ساخت معابد جدید بودایی و شکل‌گیری آئین ذن ژاپنی با تاثیر از فلسفه "چان"(طريقت چینی) و آداب سامورایی و تنديس‌های چوبی رنگ آمیزی شده(تصویر ۶-۲۵) و مجموعه نقاشی‌های سوزاندن کاخ سانجو(تصویر ۶-۲۶) می‌باشد.

پس از این دوران با ورود سلاح‌های گرم و شکل‌گیری قدرت‌های محلی و تاثیرپذیری از میراث هنری سونگ شیوه نقاشی با مرکب و باغ‌های نامنظم و مراسم چای پدید آمد(تصویر ۶-۲۷). دوران جدید (مومایاما) به لحاظ شرایط اجتماعی و درک زیبایی‌شناسی ژاپنی قلعه‌ها و دژهای ژاپنی برای تثبیت موقعیت حکومتی پدید آمد و همچنین توجه به باغ‌های هلو و تدوین مراسم چای، سنت گل‌آرایی، تزیینات هنری، نمایش‌های سنتی کابوکی، چاپ نقش‌های چوبی(باسمه) به صورت تک رنگ و یا چند رنگ(زریفت) شکل گرفت که این چاپ نقشه‌ها مهم‌ترین تاثیر را بر هنر سده ۱۹ اروپا گذاشت(تصویر ۶-۲۸).



۶-۲۵- کاهن، چوب نقاشی شده، سده ۱۳ میلادی، نارا، ژاپن



۶-۲۶- سوراندن کاخ سانجو، بخشی از طومارافقی بزرگ (حدود ۷ متر)، مرکب روی کاغذ



۶-۲۸- غروب ، سوزوکی هارا نوبو ، چاپ چوبی ، سده ۱۸ میلادی



۶-۲۷- سن نوریکیو ، اتاق چای (نمای داخلی) ، معبد میوکیان ، کیوتو ، دوره مومویاما ، ژاپن

پرسش

- ۱- نخستین آثار هنری دوران آغازین ژاپن را ذکر کنید.
- ۲- مهم ترین میراث هنری دوره ی باستان ژاپن را نام ببرید.
- ۳- نخستین میراث هنر محلی ژاپن در دوره ی "هیان" چگونه پدیدآمد؟
- ۴- شکل گیری آیین ذن ژاپن تحت تأثیر چه فلسفه‌ای صورت گرفت؟
- ۵- در دوران جدید (مomo یا ma) ژاپن ، چه هنرهایی شکل گرفت؟

فصل هفتم

هنر و تمدن ایران اسلامی - معماری مسجد کشورهای اسلامی



سده ۱۴ هـ (۲۰ ق)
جمهوری اسلامی
پهلوی

سده ۱۳ هـ (۱۹ ق)
قاجاریه

سده ۱۲ هـ (۱۸ ق)
افشاریه و زندیه

سده ۱۱ هـ (۱۷ ق)
صفویه

سده ۹ هـ (۱۵ ق)
جلایران
تیموری و مغول
سربداران
چوبانی‌ها
مظفریان
ایلخانیان

سده ۷ هـ (۱۳ ق)
عباسیان خوارزمشاهیان
سلجوقیان
آل بویه
غزنویان
آل زیار
سامانیان
صفاریان
علویان

سده ۵ هـ (۸ ق)
امویان

سده ۱ هـ (۷ ق)
صدر اسلام



فصل هفتم



هنر و تمدن ایران اسلامی - معماری مسجد کشورهای اسلامی

اهداف رفتاری:

پس از پایان این فصل از فرآگیر انتظار می‌رود :

- ۱- هنرهای اسلامی را نام ببرد.
- ۲- نمونه‌های شاخص و گوناگون معماری جهان اسلام را شرح دهد.
- ۳- نمونه‌های گوناگون و سبک‌های مختلف معماری اسلامی ایران را شرح دهد.
- ۴- مشابهت‌ها و تفاوت‌های معماری کشورهای اسلامی را با ایران توصیف نماید.
- ۵- انواع سبک‌های نگارگری ایرانی را نام ببرد و شرح دهد.
- ۶- شاخص‌ها و مصادیق به کارگیری هنر ایرانی را باهم مقایسه و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را توصیف نماید.

هنر و تمدن اسلامی

اسلام در اوایل سده هفتم میلادی در حجاز یا عربستان، در جنوب غربی آسیا شکل گرفت. در سال ۶۲۲ میلادی با هجرت حضرت محمد(ص) از مکه به مدینه، تاریخ اسلامی آغاز و هجرت پیامبر اکرم به مبدأ تاریخ اسلام بدل شد.

هدف هنر اسلامی بیان وحدت است. هنرمند مسلمان، وحدت را در کمال صورت و شکل هنر دینی جستجو می‌کند. اشکالی که بار معنایی رمزپردازانه و نمادین دارند، هنر اسلامی هنری غیرواقع‌گر است که

توجهی به ظاهر عینی طبیعت ندارد و می‌کوشد تا از طبیعت گذر کند و جهانی فرا خاکی را، به تصویر درآورد(تصویر ۱-۷).

تمدن و فرهنگ اسلام، در پرتو عوامل مشترک زبانی ، دینی ، اعتقادی و فکری ، واجد روحی یگانه گشت، آهنگی مستقل یافت و از ورای این بگانگی ، هنر اسلامی زاده شد.

هنرهای اسلامی، شاخه‌های هنری گوناگونی را دربرمی‌گیرد. هنرهای اولیه اسلامی منحصر به معماری، سفالگری(تصویر ۲-۷)، پارچه‌بافی(تصویر ۳-۷) و کنده‌کاری روی چوب و عاج(تصویر ۴-۷) بود ، اما به زودی هنر کتاب‌سازی، کتاب‌آرایی، نگارگری، قالی‌بافی، فلزکاری و موسیقی نیز در دوره‌های تاریخی اسلامی رونق یافت.

در کشورهای اسلامی، معماری و سایر هنرها رشد قابل توجه یافت و نوآوری‌هایی را بوجود آورد. این تحولات گاه روش و سیاق محلی را پیش گرفت و گاه مشخصا از شیوه‌های هنر ایرانی تاثیر پذیرفت که در اینجا به اختصار به معماری اسلامی در دیگر کشورها اشاره و سپس به معماری ایران از صدر اسلام تا دوران معاصر، می‌پردازیم.



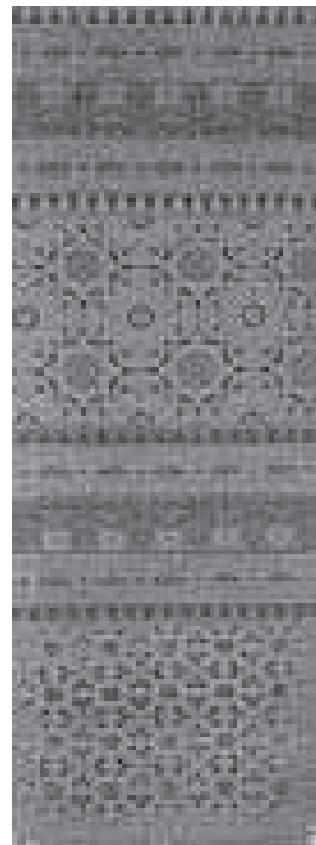
۷-۲- کوزه زرین فام ، اوایل دوره اسلامی ، بلندی ۲۸/۲ سانتی متر



۷-۱- مراسم حج ، مکه مکرمہ



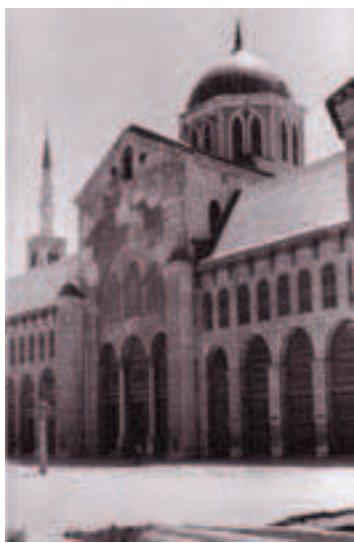
۷-۴- ظرف کنده کاری شده از جنس عاج (جعبه آرایش)، حدود ۳۵۷ هجری،
بلندی ۱۵ سانتی متر



۷-۳- پارچه با طرح هندسی ، اوایل دوره
اسلامی

معماری فلسطین و سوریه

در دوران اموی معماري سنگی رواج یافت. در سوریه مرکز حکومت امویان، بسیاری از عناصر معماري رومی و بیزانس که پیشتر در آن منطقه متداول بود، به معماري مساجد و کاخ ها راه پیدا کرد. بدنه ای اکثر مساجد سوریه از سنگ ساخته شده، پوشش سقف ها شیروانی است و قوس های نیم گرد و رواق های حول مساجد یادآور کلیسا های بیزانس است. کاخ های این دوره از نقشه قلعه های نظامی الگو گرفته و مملو از تزئینات گچ بری، موزاییک کاری و نقاشی دیواری است. از مهم ترین بنای های این دوره می توان به "قبه الصخره" در بیت المقدس (فلسطین) (تصاویر ۵-۷)، "مسجد جامع دمشق" (تصویر ۶-۷) و "کاخ عمراء" و "الحیر" (تصویر ۷-۷) اشاره کرد.



۷-۶-مسجد جامع دمشق ، موزاییک کاری ، فضای داخلی



۷-۵-قبه الصخره (گنبد سنگی) ، بیت المقدس ، ۶-۵ هجری



۷-۷-قصر الحیر ، دروازه شرقی ، اوایل سده دوم هجری

معماری عراق

در دوران عباسیان عراق مرکز حکومت اسلامی بود. در این دوره، بناهای آجری رواج یافت و پوشش گچی برای تزئین بنا به اشکال گوناگون مورد استفاده قرار گرفت. ساخت پوشش‌های گرد (طاقها و طاق نماهای ضربی) در این دوران نشانی از بازیابی سنت کهن طاق زنی عهد اشکانی و ساسانی است. از آثار برجسته‌ی این دوران می‌توان از "مسجد بزرگ سامرا" یا "مسجد متوكل" (تصاویر ۷-۸)، "مسجد ابودولف" و "کاخ جوسق خاقانی" (تصویر ۹-۱۰) نام برد.



۷-۸- سامرا، مسجد جامع، نمای کلی، ۲۴۷-۲۳۳ هجری، عراق



۷-۹- سامرا، کاخ جوسق الخاقانی، حدود ۲۲۲ هجری

معماری مصر

در مصر شاهد رواج همان شیوه‌ی معماري مرسوم در عراق هستيم. مسجد زيباى ابن طولون نوعی الگوبرداری از طرح های نوین معماري سامرای عراق را نشان می‌دهد (تصویر ۱۰ - ۷). يکی دیگر از بناهای بسیار مهم دوران اسلامی مصر "جامع الازهر" (تصویر ۱۱ - ۷) است که در نتیجه‌ی تغييرات و افزودن برخی الحالات به صورت دانشگاه بزرگ اسلامی درآمد. اين بنا که در دوران فاطميان مصر ساخته شد، دانشگاهی برای تعلم اصول مذهب شيعه بوده است. جامع الازهر هم اينک نيز پس از گذشت حدود هزار سال محل برگزاری برخی دروس نظری اسلامی است.



۷-۱۰-مسجد ابن طولون ، فسطاط ، نمای کلی ، ۲۶۶ هجری



۷-۱۱-مسجد الازهر ، قاهره ، نمای کلی

معماری اسپانیا

معماری مساجد اسپانیا در دوران اسلامی شامل حیاطی کم عمق، شبستانی عمیق همراه با ستون‌های متعدد در جهات گوناگون، سقف‌های شیروانی و رواقی (همچون راهروهای سقف دار) که سه سوی حیاط را دربرگرفته است. از دیگر ویژگی‌های معماری اسلامی اسپانیا، وجود قوس‌های دالبری (شبدری) و استفاده از عناصر تزیینی گوناگون به میزان بسیار زیاد است. مقرنس‌های آویخته و گچبری‌های پرکار در بیشتر بناهای این دوران به چشم می‌خورد. از بناهای مهم اسپانیایی اسلامی می‌توان به "مسجد جامع قرطبه" (کوردووا) (تصویر ۱۲-۷) و "کاخ سرخ" (الحمراء) در غرناطه (گرانادا) (تصاویر ۱۳-۷) اشاره کرد.



۱۲-۷-کوردووا (قرطبه)، مسجد جامع
تصویره، شروع ساخت ۱۶۸ هجری،
پایان الحالات ۳۷۷ هجری



۱۳-کاخ سرخ (الحمراء)، گرانادا (غرناطه)

معماری ترکیه

اوج معماری دوران عثمانی پس از فتح قسطنطینیه (اسلامبیول)، در قرن نهم هجری (۱۵ میلادی) شکل می‌گیرد. مساجد این دوران دارای خصوصیات منحصر به فردی است که از معماری بیزانس و به ویژه کلیسای "یاصوفیا"^{۲۷} الهام گرفته است (تصویر ۱۴-۷). نمای بیرونی در مساجد سبک عثمانی از ابهتی چشمگیر برخوردار است. حضور تعداد فراوان گنبدهای فرعی، نیم گنبدها و قوس‌ها در نمای خارجی ساختمان، نیمرخی موجدار را در مساجد عثمانی ایجاد کرد. در رأس بنا، گنبد اصلی در اندازه‌ای بزرگ جای می‌گیرد و همچون نقطه‌ی اوج مسجد جلوه می‌کند.

از بناهای معروف مکتب عثمانی که همگی به دست "ستان" معمار برجسته‌ی این دوران ساخته شده می‌توان از "مسجد شهزاده محمد" (تصویر ۱۵-۷)، "مسجد سلیمانیه" (تصویر ۱۶-۷) و "مسجد سلیمیه" (تصویر ۱۷-۷) نام برد.

۲۷. این کلیسا با اضافه کردن چهار مناره به مسجد تبدیل و در حال حاضر به عنوان موزه مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۱۴-مسجد ایا صوفیه ، استانبول ، تبدیل به مسجد در سده ۹ و ۱۰ هجری



۱۵-مسجد شهزاده ، استانبول ، ۹۵۲-۹۵۵ هجری



۱۷- مسجد سلیمانیه، ادرنه، ۹۸۳- ۹۷۶ هجری نمای کلی



۱۶- مسجد سلیمانیه، استانبول، ۹۵۷- ۹۵۸ هجری، نمای کلی

معماری هند

معماری اسلامی هند به دو دوره سلاطین دهلی و سلاطین مغول تقسیم می‌شود. "سلاطین دهلی" (سده های ۶ تا ۱۰ ه. ق) مسلمانانی بودند که قریب چهار سده در دهلی حکومت کرده و در معماری شیوه‌ای خاص ایجاد کردند که به "هندو اسلامی" شهرت دارد. این شیوه تلفیقی از دستاوردهای میراث کهن معماری هندو (برای مثال استفاده‌ی یکپارچه از سنگ در ساخت بنا و تزیینات سنگی) و ویژگی‌های معماری اسلامی (برای مثال ویژگی‌هایی چون قوس‌های جناغی و کتبه‌هایی از آیات قرآن مجید) است. از مهمترین آثار این دوران می‌توان به مسجد "قطب الدین ایبک" (تصویر ۱۸-۷) اشاره کرد. در دوران سلاطین مغول هند آثار برجسته‌ی هنری در عرصه‌های معماری، نقاشی و کتابت آغاز می‌شود. در حقیقت معماری مغولی هند، نشانی از جذب عمیق دستاوردهای معماری ایرانی است. این ویژگی‌ها بخصوص در یکی از زیباترین آثار معماری این دوران یعنی "تاج محل" (تصویر ۱۹-۷) قابل مشاهده است. این بنا که در شهر "آگرا" واقع است، مقبره‌ی "ممتناز محل" (ارجمند بانو) همسر محبوب شاه جهان است که بعدها خود نیز در آن مدفون گشت. این بنا که به نمادی از عشق شهرت دارد، یکپارچه از سنگ مرمر سفید با تزیینات سنگ‌های قیمتی ساخته شده، از تاثیر عمیق هنر معماری ایرانی بر معماری بومی هند حکایت می‌کند.



۷-۱۹- تاج محل آگرا ، ایران ۱۰۴۱-۱۰۵۷ هجری ، هند



۷-۱۸- مسجد قطب الدین ایبک ، دهلی ، سده ششم هجری ، سنگ سرخ و مرمر

معماری اسلامی ایران

سده های اول تا سوم هجری

پس از ساسانیان با شروع دوران اسلامی، ساخت مساجد در ایران آغاز شد. در سه سده نخستین حکومت اسلامی در ایران، مساجد به شیوه‌ای بسیار ساده و به پیروی از معماری ساسانی ساخته می‌شد. اولین نمونه‌های معماری اسلامی ایران به صورت شبستانی یا چهل ستونی و گنبدخانه‌ای ساخته شده‌اند. در مساجد شبستانی این تعداد ستون (چهل ستون) تنها به معنای کاربرد ستون‌های متعددی است که گردآورد حیاط مرکزی قرار می‌گیرند که شبستان‌ها و یا رواق‌ها را می‌سازند.

در روش گنبدخانه‌ای قوس‌های بکار رفته به صورت بیضی و تخم مرغی است که کاخ‌های ساسانی "فیروزآباد" و "طاق کسری" از نمونه‌های پیشین آن می‌باشد (تصاویر ۷-۲۰ و ۷-۲۱).

بطور کلی این بناهای با طرح اولیه مساجد صدر اسلام و ترکیب با عناصر معماری ایرانی ساخته می‌شده که به شیوه‌ی خراسانی نیز شهرت یافته‌اند.

قدیمی‌ترین بنای به جای مانده از صدر اسلام در ایران، «مسجد جامع فهرج» (تصویر ۷-۲۲) است. این مسجد که احتمالاً در نیمه نخست سده اول هجری ساخته شده، دارای طرحی بسیار ساده و بی‌پیرایه است.

حياط کوچک مسجد از جنوب به سه دهانه شبستان با قوس های بيضی شکل ختم می شود. طاق های اين مسجد به پيروري از بناهای ساساني به صورت نيم استوانه اي ساخته شده است.^{۲۸} مصالح به کار رفته در اين بنا خشت خام است، قوس ها گچي و ديوارها با گل پوشیده شده است.

از ديگر بناهای معروف "مسجد تاریخانه"^{۲۹} (دامغان- ۷- ۲۳) است که در اواسط سده دوم هجری ساخته و در دوره های بعد تكميل و در نقشه اوليه آن تغييراتي صورت گرفت. اين بنا که بزرگتر از مسجد جامع فهرج ساخته شده، ساده و باشكوه است و تمامي ویژگي هاي مساجد خراساني نيز در آن مشهود است.



۷-۲۱- طاق كسرى ، نزديك بغداد ، دوره ساساني ، سده پنجم ميلادي



۷-۲۰- کاخ اردشیر اول ، فيروز آباد ، دوره ساساني ، سده سوم ميلادي



۷-۲۳- مسجد تاري خانه ، دامغان ، سده دوم يا سوم هجرى



۷-۲۲- مسجد جامع فهرج ، يزد ، سده اول يا دوم هجرى

.۲۸. که در اصطلاح معماري به «طاق آهنگ»مشهور است.

.۲۹. تاري در لفظ تركي به معنai خدا است و تاریخانه به معنai خدai خانه يا خانه خدا به کار رفته است.

اواخر سده سوم تا هفتم هجری

در این شیوه نفوذ معماری کهن اشکانی و ساسانی در ساخت مساجد فزونی یافت. از این پس، ایوان و گنبد که ساخت آن از دوران اشکانی آغاز شده و در دوران ساسانی رواج یافته بود، به صورت اجزای اصلی بدنه‌ی مساجد درآمد. بنابراین با برداشتن ردیف‌هایی از ستون شبستان‌ها، ایوان و گنبد ساخته می‌شود و مساجد شبستانی به «ایوانی» تبدیل می‌شود و سرانجام در اواخر سده‌ی پنجم و اوایل سده‌ی ششم مساجد «چهار ایوانی» شامل یک حیاط مرکزی با شبستان‌هایی گردآگرد آن پدید می‌آید. در میان هر شبستان در چهار طرف مسجد، چهار ایوان قرار دارد که در آنها تزئینات گچ بری، آجرکاری و استفاده از قوس جناغی به چشم می‌خورد. این دوران که به شیوه رازی نیز شهرت یافته، ساخت «برج مقبره‌ها» و «میل منارها» رواج بیشتری یافت.

از نخستین نمونه‌های باز این دوران آرامگاه امیر اسماعیل سامانی (تصویر ۷-۲۴) است که با بکارگیری درخشان آجر به عنوان عنصر اصلی، امکان نقش اندازی‌های سطوح تزئینی را فراهم آورده است.

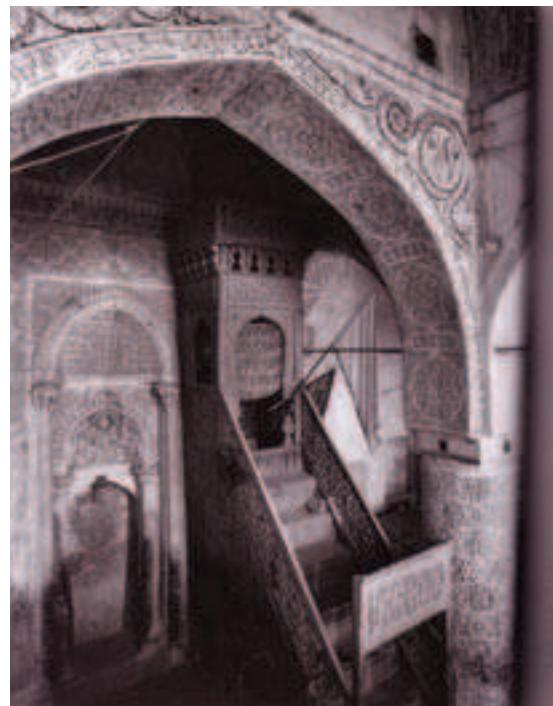


۷-۲۴- مقبره امیر اسماعیل سامانی ، بخارا ، نمای خارجی ، سده پنجم هجری

همچنین از نمونه الحالات و تزئینات معماری این دوره می‌توان به مسجد جامع نایین اشاره کرد که مجموعه‌ای از گچ بری‌های پرکار و ظرفی روى ستون‌ها و محراب آن دیده می‌شود (تصاویر ۷-۲۵). از بلندترین آرامگاه‌های برج‌دار ایران مقبره قابوس بن وشمگیر (گنبد کاووس) که ارتفاع آن به ۵۱ متر می‌رسد. ۵۵ ترک سه گوش در گردآگرد بدنه به چشم می‌خورد و دو کتیبه به خط کوفی در قسمت پایین و بالای بنا تاریخ ساخت بناآنام سفارش دهنده رامعلوم می‌سازد (تصویر ۷-۲۶).



۷-۲۶- مقبره‌ی قابوس بن وشمگیر، گنبد کاووس، سده پنجم هجری



۷-۲۵- مسجد جامع نایین، سده پنجم هجری، نمای داخلی

از دیگر بناهای این دوران می‌توان به گنبد کبود مراغه (تصویر ۷-۲۷) اشاره کرد، بنایی مکعب شکل شبیه مقبره امیر اسماعیل سامانی که دو طاق نما در هر ضلع دارد. در این بنا دو بازوی قوس، رو به بالا هدایت شده و تیزهای را در نوک قوس تشکیل داده که همان قوس تیزه‌دار یا جناغی است.

مسجد جامع اصفهان (تصویر ۷-۲۸) از کامل‌ترین نمونه‌های مساجد چهار ایوانی در ایران است. این مسجد دارای بیست ساختمان کاملاً متمایز است که در دوره‌های مختلف تاریخی ساخته شده و بیش از سیزده سده معماری ایران را نشان می‌دهد. در هر یک از دوره‌های تاریخی پس از اسلام بخشی از این مسجد ساخته یا تعمیر شده است، از همین رو مسجد جامع اصفهان را موزه معماری ایران بشمار می‌آورند. از مهم‌ترین بناهای شیوه رازی در مسجد جامع اصفهان می‌توان از «گنبد نظام الملک» و «گنبد تاج الملک» یا «گنبد خاگی»^{۳۰} (تصویر ۷-۲۹) نام برد.

در طول تاریخ و در دوران مغول، ایلخانی، تیموری و صفویه آثاری در این مجموعه بزرگ معماری پدید آمده است. یکی از زیباترین واحدهای این مسجد محراب گچبری بسیار نفیسی است که در زمان الجایتو ایلخان مغول ساخته شد و از شاهکارهای هنر گچبری ایران محسوب می‌شود (تصویر ۷-۳۰).

۳۰. خاگی به معنای تخم مرغ می‌باشد.



۷-۲۸-الف - مسجد جامع اصفهان ، نمای کلی ، سده ۵ و ۶ هجری به بعد



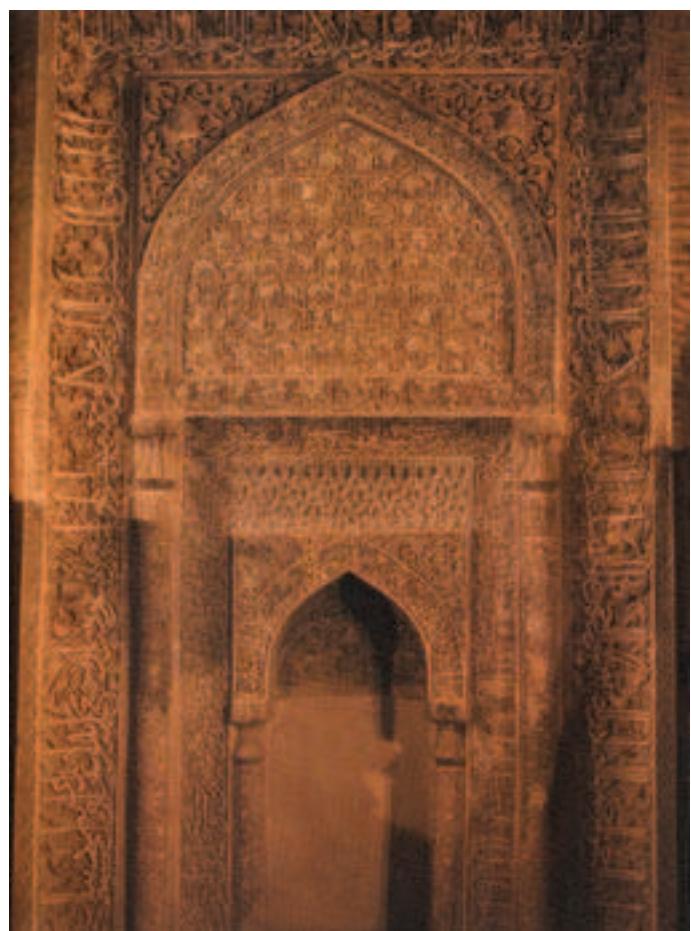
۷-۲۷-گنبد کبود ، مراغه ، ۵۹۳ هجری



۷-۲۸-ب - مسجد جامع اصفهان ، نمای حیاط ، سده ۵ و ۶ هجری



۷-۲۹-مسجد جامع اصفهان ، گبید خاگی



۷-۳۰-محراب الجایتو ، مسجد جامع اصفهان ، سال ۷۱۰ هجری

سده هفتم و هشتم هجری

آثار فرهنگی و هنری ایران در دوران مغول به تدبیر و همت دانشمندان، هنرمندان و معماران ایرانی باز دیگر شکوفا شد و به شکوه و عظمتی والا دست یافت. در این دوران در ادامه سبک موفق رازی سبکی نوین در معماری معروف به شیوه "آذری" پدید آمد، که از دوران مغول آغاز و در دوره تیموری به اوج خود رسید. در این شیوه، معماری به نمایش هر چه رفیع‌تر بنا توجه شده است. از این رو روش‌هایی در ساخت بنا به کار برده می‌شود تا احساس ارتفاع را هر چه بیشتر القا کند.

مسجد جامع یزد (تصویر ۳۱-۳۲) یکی از نمونه‌های بارز شیوه‌ی آذری است. در سردر ایوان ورودی مسجد که یکی از بلندترین ایوان‌های ساخته شده در ایران است، روش‌هایی در ساخت به کار رفته تا ارتفاع آن را در چشم بیننده هرچه بیشتر جلوه دهد. برخلاف ایوان‌های پهن دوره سلجوقی، این ایوان بسیار باریک ساخته شده است و ارتفاع دهانه قوسی شکل، که ورودی بنا در قسمت پایین آن دیده می‌شود، تقریباً سه برابر عرض آن است. وجود طاق نماهای متعدد و کم عرض در دو سوی طاق یا دهانه قوسی شکل میانی، احساس کشیدگی را تشدید می‌کنند و دو مناره که بر بالای ایوان نصب شده، ارتفاعی غیر متعارف را بوجود آورده است.

از دیگر آثار بجای مانده در زمان سلطان محمد خدابنده (الجایتو) شهر "سلطانیه" در حوالی زنجان امروزی است. "گبد سلطانیه" یا مقبره الجایتو (تصویر ۳۲-الف و ب) از مهمترین بناهای این مجموعه و یکی از باشکوه‌ترین بناهای سبک آذری است که همچنان باقی مانده است.

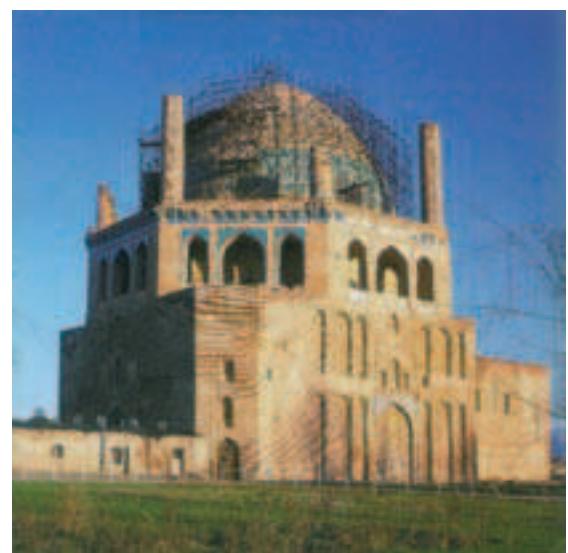
در دوران دوم معروف به شیوه تیموری ویژگی‌های متداول معماری، ساخت گنبد بر ساقه‌ای کشیده بصورت گلوگاه یا ساقه بلند برای نمایش هر چه بیشتر ارتفاع بنا پدید آمد که می‌توان به عنوان نمونه از مقبره امیر تیمور در سمرقند (تصویر ۳۳-۷) یاد کرد.



۷-۳۱-مسجد جامع یزد، ایوان ورودی، ۷۲۶ هجری



٧-٣٢-ب-مقبره الجایتو ، سلطانیه ، تزیینات داخلی



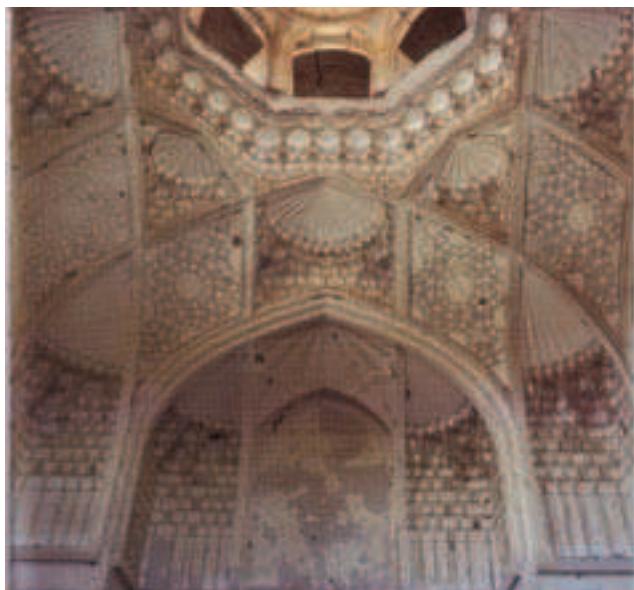
٧-٣٢-الف-مقبره الجایتو ، سلطانیه ، ٧١٣-٧٠٧ هجری ، زنجان



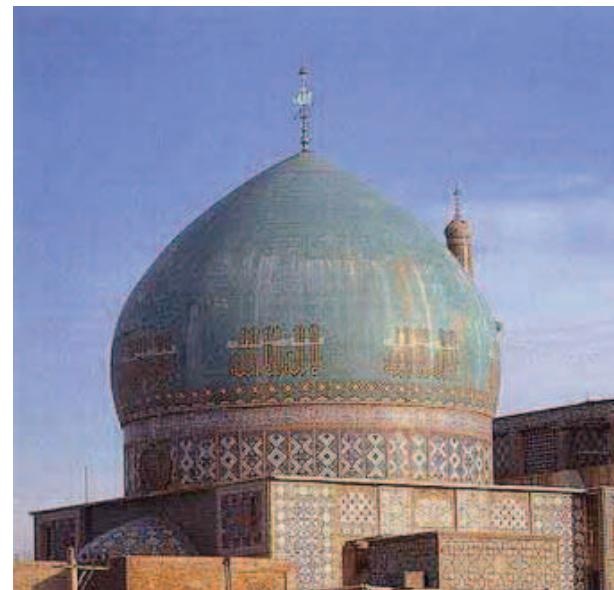
٧-٣٣-مقبره امیر تیمور ، سمرقند ، حدود ٨٠٧-٨٠٣ هجری

از دیگر آثار گرانبهای تاریخی که در این دوران بر جای مانده مسجد گوهر شاد(تصویر ۳۴-۷) است که در کنار مرقد امام رضا(ع) در مشهد و به همت همسر هنرپور شاهرخ تیموری به شیوه چهار ایوانی ساخته شد. بخش‌های مختلف بنا از ایوان، گنبد و مناره از آجر لعابدار و کاشی‌های معرق نفیسی پوشیده شده است که در رنگبندی و ترکیب‌های متوازن و مناسبی از آبی فیروزه‌ای، آبی لاجوردی، زرد و زعفرانی ارائه شده‌اند. در گردآگرد ایوان جنوبی کتیبه‌ای به خط بایسنقر میرزا فرزند هنرمند شاهرخ به چشم می‌خورد، معمار این بنای پر آوازه مانند بسیاری دیگر از بناهای عهد شاهرخ استاد "قوم الدین شیرازی" است.

مدرسه غیاثیه، در قریه "خرگرد" در سه کیلومتری "خوف" (تصویر ۳۵-۷) از نمونه‌های کم نظری معماری مدارس در دوران تیموری است. مدرسه‌های چهار ایوانی که بلندی هر چهار ایوان آن به یک اندازه است و کاشیکاری معرق آن در رنگ آمیزی و نقش از کامل‌ترین و متناسب‌ترین نوع کاشیکاری است. این بنا توسط دو معمار مشهور سده‌ی نهم هجری، یعنی استاد " القوم الدین" و استاد "غیاث الدین شیرازی" ساخته شد. در این دوره، ساخت بناهای مذهبی همچون مسجد، مدرسه و آرامگاه، بیش از بناهای غیر مذهبی مورد توجه قرار گرفت. از دیگر بناهای باقی مانده از شیوه‌ی آذری در این دوران می‌توان به "ارگ علیشاه" (تصویر ۳۶-۷) در تبریز، مجموعه بناهای "حرم امام رضا(ع)" (تصویر ۳۷-۷) در مشهد، مقبره "سلطان بخت آغا" در اصفهان و مزار "شیخ جام" (تصویر ۳۸-۷) در تربت جام و مسجد جام و رامین (تصویر ۳۹-۷) اشاره کرد.



۷-۳۵- مدرسه غیاثیه، خردگرد، تزیینات داخلی



۷-۳۶- مسجد گوهرشاد، مشهد، ۸۲۱ هجری



۷-۳۶- مسجد علیشاه یا ارگ علیشاه ، تبریز ، حدود ۷۱۵ هجری



۷-۳۷- حرم مطهر امام رضا (ع) ، مشهد ، ۸۱۹-۸۲۱ هجری



۷-۳۹- مسجد جامع ورامین ، حدود ۷۲۶-۷۲۲ هجری



۷-۳۸- مزار شیخ جام ، تربت جام ، سده ۸ و ۹ هجری

پرسش

- ۱- قدیمی‌ترین مسجد به جای مانده از صدر اسلام در ایران را نام ببرید و در مورد آن توضیح دهید.
- ۲- چگونگی تبدیل مساجد شبستانی به مساجد ایرانی را بیان کنید.
- ۳- در چه دورانی ساخت «میل مناره‌ها» و «برج مقبره‌ها» رواج یافت؟
- ۴- بلندترین آرامگاه برج‌دار ایران را نام ببرید و ویژگی‌های آن را بنویسید.
- ۵- شاهکار هنر گچبری ایران متعلق به کدام بناست و در چه دوره‌ای ساخته شده است؟
- ۶- ویژگی بناها در دوره‌ی تیموری چیست؟
- ۷- گنبد سلطانیه متعلق به چه دورانی است و به چه شیوه‌ای ساخته شده است؟
- ۸- مدرسه‌ی «غیاثیه» مربوط به چه دوره‌ای است؟

سده ی نهم هجری تا عصر حاضر

دوره صفویه

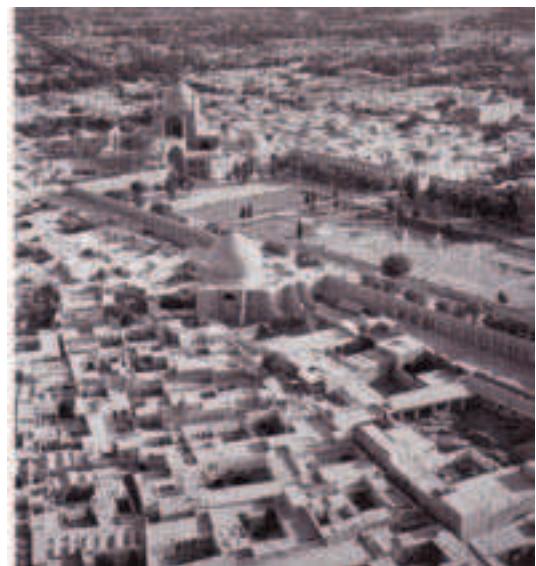
آغاز حقيقی معماري صفویه را باید از دوران پايتختی اصفهان و حکومت شاه عباس اول دانست. از اين پس ساخت ابنيه زبيا و تکامل يافته و تلاش برای آباداني، نه تنها در اصفهان که در ديگر شهرها و نقاط ایران در دستور کار قرار گرفت . کاخها ، مساجد ، ميادين ، خيابانها ، پلها ، بازارها ، گردشگاهها و يكى پس از ديگرى ساخته شد و بویژه چهره شهر اصفهان دگرگون گشت . از اين رو اين شيوه ی معماري به شيوه ی اصفهان شهرت يافته است .

از نخستین نمونههای دوره صفویه شاهکارهای معماري و هنرهای تزيینی پای می گيرد و كيفيت اصيل، شفاف و غني رنگهای درخشان در کاشیکاریها بسيار دلپذير می شود. كيفيت مصالح به کار رفته بویژه در معماري پايتخت، هنوز مرغوب و مقاوم است. از شاخصترین آثار به يادگار مانده از دوره صفویه ميدان نقش جهان است.

ميدان امام: ميدان نقش جهان اصفهان يكى از بزرگترین ميدان های جهان است که به فرمان شاه عباس و در ابعادی حدود ۱۶۰ متر ساخته شد(تصویر ۴۰-۷ الف و ب). در چهار سوی اين ميدان چهار بنای معروف و با شکوه قد علم کرده است. در محور شمالی جنوبی ميدان، سردر قيسريه و مسجد امام قرار دارد و در محور شرقی غربی، مسجد شيخ لطف الله و کاخ عالي قاپو واقع است. در ميانه ميدان در روزگار صفویه مسابقات چوگان و تيراندازی انجام می گرفت .



۷-۴۰- ب- ميدان نقش جهان ، اصفهان ، نمای کلی



۷-۴۰- الف - ميدان نقش جهان ، اصفهان، دور نمای هوایی ، سده نهم هجری

مسجد امام: یکی از زیباترین و برجسته‌ترین آثار شیوه‌ی اصفهانی در معماری مسجد امام اصفهان

(تصویر ۷-۴۱) است . ساخت این بنا که در ضلع جنوبی میدان نقش جهان واقع است در عصر شاه عباس

اول آغاز و اتمام بخش‌های داخلی مسجد تا دوران شاه

عباس دوم به طول انجامید . نام یکی از برجسته‌ترین

معماران ایرانی یعنی استاد علی اکبر اصفهانی به عنوان

معمار مسجد در بخش ورودی در سر در باشکوهی که

با کاشیکاری معرق نفیسی آذین شده و در کتیبه‌ای

که به خط ثلث بر زمینه‌ای لاجوردی نگاشته شده، به

چشم می‌خورد.

جهت اصلی مسجد رو به سوی قبله و در جنوب

غربی است لیکن سر در اصلی بنا که مشرف بر میدان

نقش جهان است در جهت جنوب واقع است. این تغییر

جهت و انحراف به گونه‌ای ماهرانه توسط ورودی بنا

اصلاح شده است بی آنکه بازدیدکنندگان متوجه این

تغییر جهت از سر در ورودی به صحن یا حیاط اصلی

مسجد باشند(تصویر ۷-۴۲).

ساخت مسجد به شیوه‌ی چهار ایوانی است. در

دو سوی شبستان اصلی در جنوب مسجد، دو مدرسه

قرار دارد. گنبد زیبای آن ۵۴ متر ارتفاع دارد، که دارای

گلوگاهی کشیده بوده و از دو لایه، یا دو پوسته مجزا

تشکیل شده است(تصویر ۷-۴۳)

كتيبه‌های متعددی از خوشنویسان به نام عهد

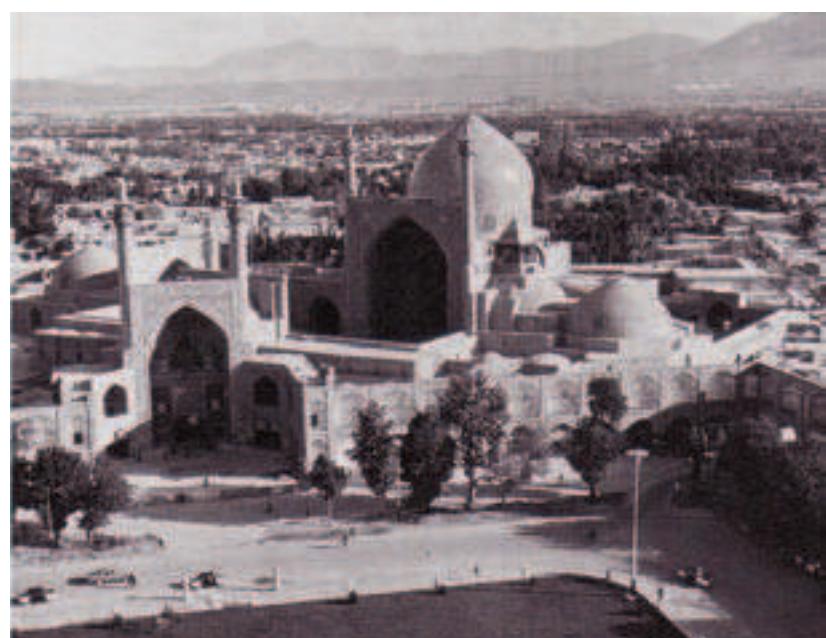
صفویه چون: "علیرضا عباسی" ، "محمد رضا امامی" ،

"عبدالباقي تبریزی" و "محمد صالح اصفهانی" در

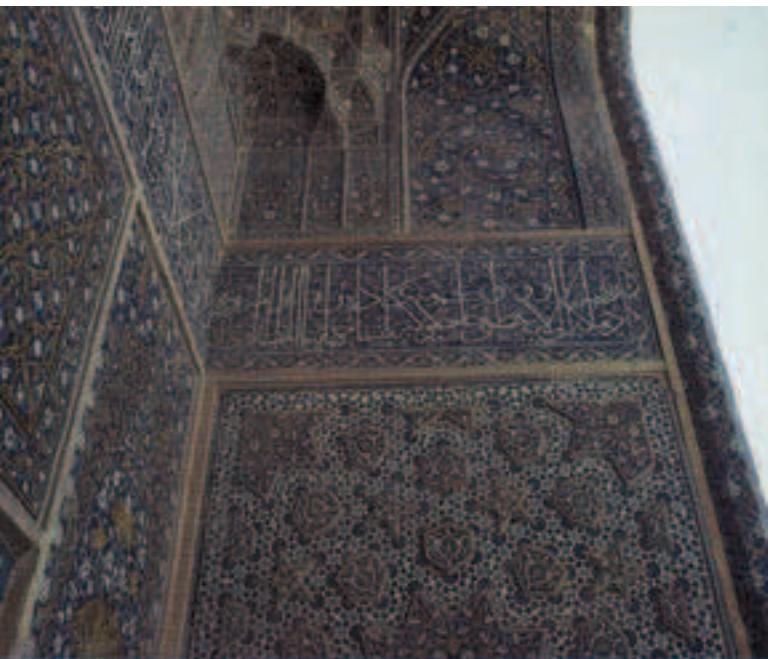
مسجد امام اصفهان به چشم می‌خورد(تصویر ۷-۴۴).



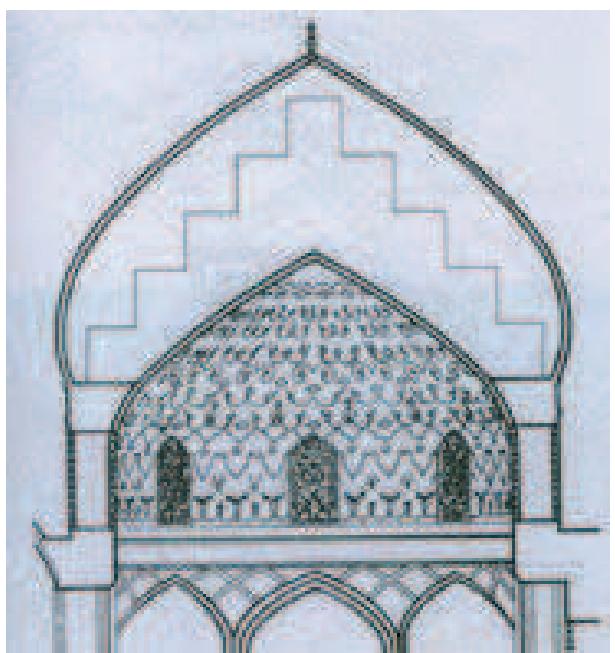
۷-مسجد امام ، اصفهان ، ۱۰۴۸-۱۰۲۰ هجری



۷-مسجد امام ، مجموعه میدان نقش جهان ، اصفهان



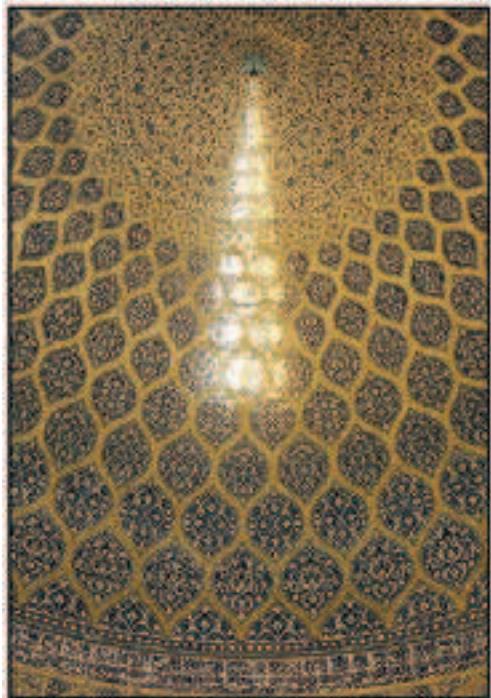
۷-۴۴-مسجد امام ، کاشیکاری و کتیبه خطی



۷-۴۳-مسجد امام ، طرح پرش گنبد دو پوسته

مسجد شیخ لطف الله: بنایی با اندازه‌ای کوچک، بسیار ظریف و بدون حیاط مرکزی است. گنبد زیبای این مسجد به شیوه‌ی ساسانی بر روی یک اتاق چهار گوش استوار شده است. این بنا برای شیخ لطف الله عالم دینی بنام عهد صفویه ساخته شده است. در این مسجد، بار دیگر به دلیل موقعیت قرار گرفتن سر در ورودی در ضلع شرقی میدان، تغییر جهتی به سوی جنوب انجام گرفته تا گنبد خانه، رو به سوی قبله داشته باشد. کاشی کاری‌های درون مسجد شیخ لطف الله که رنگ آبی لا جوردی در آن بیشتر به چشم می‌خورد، به دو شیوه‌ی معرق و خشتی هفترنگ است. در چههای مشبکی که به صورت بسیار ماهرانه در زیر ساق یا گلوگاه گنبد تعبیه شده، نور وارد به گنبدخانه را تنظیم و تلطیف می‌کند. سطوح داخلی گنبد، دارای نقوش کم نظیر ترنجی است و سطح بیرونی گنبد پوشیده از اسلیمی‌های آبی و سفیدی است که بر زمینه‌ای نخودی رنگ، جلوه‌ای خارق العاده یافته است (تصاویر ۷-۴۵ و ۷-۴۶).

در این بنا بیشتر کتیبه‌هایی به کار رفته در سطوح داخلی و خارجی به خط خوشنویس نامی عهد صفویه یعنی علیرضا عباسی است.



۷-۴۶ مسجد شیخ لطف الله، اصفهان، نمای داخلی، کاشیکاری زیر گنبد



۷-۴۵ مسجد شیخ لطف الله، میدان نقش جهان، اصفهان، ۱۰۲۹-۱۰۱۲ هجری

عالی قاپو: یکی از شاهکارهای معماری غیر مذهبی در شیوه‌ی اصفهانی کاخ رفیع عالی قاپوست که در

غرب میدان واقع شده است (تصویر ۷-۴۷). این عمارت در شش طبقه با ارتفاعی در حدود ۴۸ متر ساخته شده است که هر طبقه آن با تزیینات خاصی پوشیده شده است (تصویر ۷-۴۸).

طبقه ششم ویژه پذیرایی‌های رسمی و نغمه‌سرایی نوازنده‌گان و خواننده‌گان بوده است. بر دیوار تالار میانی و اتاقهای اطراف، گچبری‌های تو خالی به شکل ظروف (تنگ بری)^(۳۱) (تصویر ۷-۴۹) گوناگون و انواع صراحی‌های کوچک و بزرگ به چشم می‌خورد. این شیوه تزیینی کم نظر نه تنها به لحاظ بصری بسیار تاثیر گذار است، بلکه در کاهش انعکاس صوت و انتقال طبیعی نوای موسیقی نقشی به سزا داشته است.

بخشی از نقاشی‌های کاخ عالی قاپو، به قلم نقاش معروف عهد صفویه، رضا عباسی و شاگردان او است. متاسفانه بسیاری از این آثار بی‌همانند در اثر بی‌توجهی بازدید کنندگان و گذر ایام از میان رفته و یا شدیداً آسیب دیده است (تصویر ۷-۵۰).

سر در قیصریه و بازار بزرگ: این بازار در عصر صفویه محل ارائه کالاهای بازارگانان خارجی و فروش

پارچه‌های نفیس و گران قیمت بوده است. بر سردر بازار مذبور صحنه‌هایی از جنگ شاه عباس و ازبکان

۳۱. نوعی تزیینات گچ بری به شکل ظروف است.

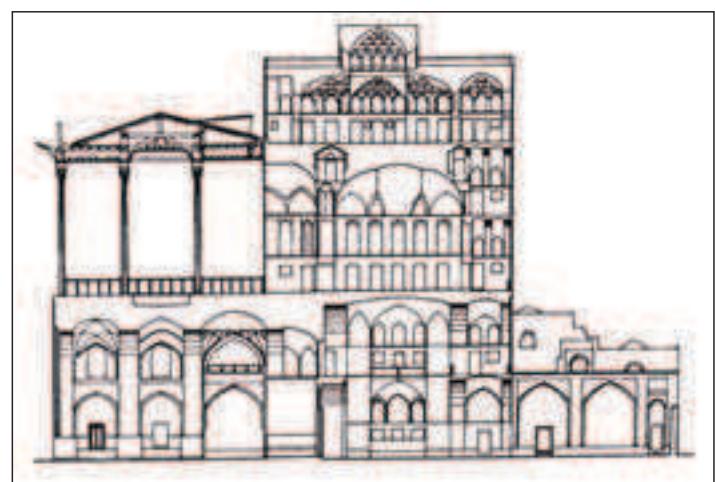
و نیز شکارگاه شاهی به قلم رضا عباسی نقش بسته بود که امروزه تنها بخشی از آن بر جای مانده است (تصویر ۷-۵۱).

از دیگر آثار معروف این دوره در اصفهان می‌توان از "کاخ چهلستون"، "کاخ هشت بهشت" (تصویر ۷-۵۲)، "مدرسه چهارباغ"، "سی و سه پل" یا "الله وردی خان" و "پل خواجه" نام برد (تصویر ۷-۵۳) که هر یک بی‌تردید از شاهکارهای بی‌همتای هنر معماری ایران محسوب می‌شوند.

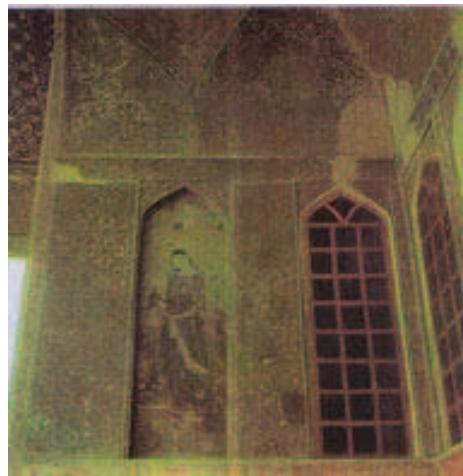
از دیگر بناهایی به باد ماندنی شیوه اصفهانی می‌توان به "مجموعه گنجعلی خان" در کرمان اشاره کرد که در دوران شاه عباس ساخته شده و شامل میدان، مسجد، مدرسه، کاروانسرا، حمام، آب انبار و ضرابخانه است. این شیوه معماری در دوره‌های بعد هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۷-۴۷- عمارت عالی قاپو، میدان نقش جهان، اصفهان، ۱۰۰۶- ۱۰۷۱ هجری



۷-۴۸- عمارت عالی قاپو، برش نمای جانسی



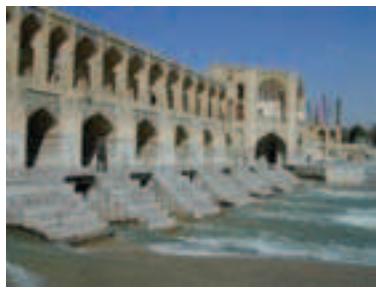
۷-۵- دیوار نگاره ، اثر رضا عباسی ، عمارت عالی قاپو



۷-۴۹- اتاق موسیقی ، عمارت عالی قاپو



۷-۵۱- بازار قیصریه ، میدان نقش جهان ، اصفهان ، ۱۰۲۹- ۱۰۳۰ هجری



۷-۵۳- پل خواجو ، اصفهان ، سده ۱۱ هجری



۷-۵۲- نمای داخلی کاخ هشت بهشت ، اصفهان ، ۱۰۸۰ هجری

دوره افشاریه و زندیه

از نمونه‌های شاخص و بیاد ماندنی دوره افشاریه می‌توان به "کلات نادری" در خراسان و "عمارت خورشید" در درون کلات نادری اشاره کرد(تصویر ۵۴ - ۷).

در دوره زندیه، شیراز به پایتختی برگزیده شد و در این دوره ابنيه گوناگون مانند "باغ نظر"، "عمارت کلاه فرنگی" و "مجموعه وکیل" شامل: مسجد، بازار، حمام در شیراز و "ایوان تخت مرمر" و "خلوت کریم خانی" در تهران در زمان کریم خان زند ساخته شد. معماری این دوره ادامه شیوه اصفهانی است.



۷-۵۵- مسجد وکیل ، شیراز ، دوره زندیه ، اواخر سده دوازدهم هجری



۷-۵۴- کلات نادری ، خراسان ، سده دوازدهم هجری

مسجد وکیل:

یکی از مهم‌ترین و زیباترین آثار به جای مانده از دوران زندیه است. سردر ورودی مسجد در قسمت شمالی قرار دارد و در مقابل آن در جنوب مسجد، شبستانی وسیع (۵۰ در ۱۰۰ متر) ساخته شده است که ۴۸ ستون سنگی یکپارچه ابهتی چشمگیر بدان بخشیده است. سراسر نمای مسجد، دو ایوان بزرگ شمالی و جنوبی و سردر ورودی دارای کاشیکاری‌های نفیس و رنگهای فربنده و چشم نواز است (تصویر ۷-۵۵).

دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه با تاثیرپذیری از هنر غرب عصر انحطاط هنر و فرهنگ ایران شکل گرفت. هر چند آثار درخشنایی از این دوره بجای مانده است که می‌توان به مسجد آقا بزرگ و مجموعه‌ی کاخ گلستان شامل تالار آیینه (تصویر ۷-۵۶)، تالار عاج، سفره خانه و تالار برلیان اشاره کرد. از بخش‌های کاخ گلستان تالار موزه است که به تقلید از موزه‌های بزرگ اروپا ساخته شد. بدین ترتیب، نخستین موزه دولتی ایران شکل گرفت. از دیگر بناهای موجود در این کاخ می‌توان به شمس‌العماره در ضلع شرقی و کاخ ابیض در ضلع جنوب غربی باغ اشاره کرد (تصویر ۷-۵۶ ب).

مسجد و مدرسه سپهسالار (دانشگاه شهید مطهری): این بنا به همت میرزا حسین خان سپهسالار جنب کاخ سپهسالار ساخته شد. این مسجد که در زمان خود بزرگ‌ترین مسجد تهران قلمداد می‌شد، بنایی چهار ایوانی، با ایوان‌هایی رفیع و گنبدی زیبا در جبهه جنوب غربی است. بر روی مناره‌های چندگانه مسجد، سطوح کاشی‌هایی با نقش‌های هندسی، در کنار کاشی‌هایی قرار دارد که اغلب تصاویری از مناظر گوناگون را تا قسمت فوقانی گلدهسته‌ها پوشانیده‌اند. نقوش کاشی‌های این بنا بسیار متنوع و چشم نواز است و شامل



۷-۵۶ ب- کاخ ابیض ، مجموعه کاخ گلستان ، تهران ، سده سیزدهم هجری



۷-۵۶ الف - تالار آیینه ، کاخ گلستان ، تهران ، سده سیزدهم هجری

نقوش هندسی، گلداری، اسلیمی، گل و بته، شاخ و برگ و نقوش طبیعت گرایانه و مناظر و مرایا به شیوه نقاشی غربی می‌باشد(تصویر ۷-۵۷).

صحن وسیع مدرسه با چهار باغچه و حوض بزرگ، در میانه ساختمانی دو طبقه قرار دارد که با کاشی‌های معرق و حجاری‌های سنگی مزین شده است. حجره‌ها، مناره‌ها، کتابخانه، مکتب خانه، آب انبار و دیگر قسمت‌ها این مجموعه را در زمرة یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین بناهای عهد قاجار در تهران قرار داده است. از دیگر بناهای مهم این دوره در تهران می‌توان به "قصر قاجار"، "قصر فیروزه"، "نگارستان"، "مسجد سلطانی"، "مدرسه دارالفنون"، "قصر دوشان تپه"، "بازار بزرگ" و "تکیه دولت" اشاره کرد(تصویر ۷-۵۸).

در دوره‌های معاصر و به واسطه علاقه وافر به شیوه زندگی غربی، الگوبرداری‌های عمیق‌تری از شیوه شهرسازی و معماری غرب آغاز شد و بویژه تهران چهره اروپایی به خود گرفت. از این پس با ورود مهندسین اروپایی، بناهای مدرن رشد یافت و بیمارستان‌ها، بانک‌ها، وزارت‌خانه‌ها، مراکز و سازمانهای دولتی و سرانجام خانه‌های مسکونی به شکل و روش معماری غربی ساخته شد.

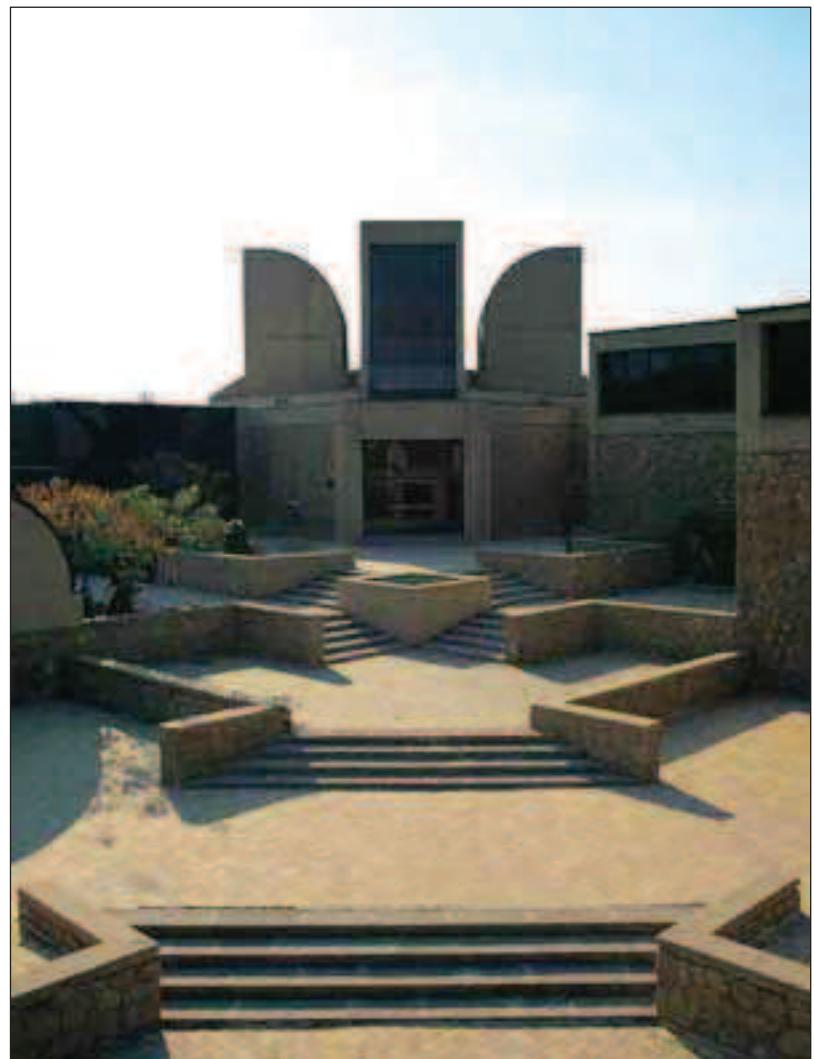
اما در این میان می‌توان از بنها و آثار شاخصی نام برد که توسط معماران ایرانی و با توجه به میراث گذشتگان پدید آمده‌اند. از جمله می‌توان به میدان آزادی، ساختمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، موزه هنرهای معاصر، ساختمان تئاتر شهر و موزه فرش و..... اشاره کرد (تصویر ۷-۵۹).



۷-۵۸- بنای تکیه دولت ، تهران دوره قاجاریه ، سده سیزدهم



۷-۵۷- مسجد و مدرسه سپاهسالار (دانشگاه شهید مطهری) ، تهران ، سده سیزدهم هجری



۷-۵۹- موزه هنرهای معاصر ، تهران ، دوره معاصر

پرسش

- ۱- معماری صفویه از چه دورانی آغاز شد؟ در این دوران چه تغییراتی در معماری صورت گرفت؟
- ۲- مسجد امام اصفهان به چه شیوه‌ای ساخته شده است؟ توضیح دهید.
- ۳- خصوصیات اصلی مسجد شیخ لطف الله را توضیح دهید.
- ۴- یک خوش نویس و یک نقاش نامی عهد صفویه را که هنرشنان در بناهای این دوران دیده می‌شود نام ببرید.
- ۵- یکی از بناهای غیر مذهبی معروف دوره‌ی زندیه را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۶- یکی از بناهای مذهبی معروف دوره‌ی زندیه را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۷- نخستین موزه‌ی دولتی ایران در چه بنایی واقع شده است و در چه دوران شکل گرفت؟
- ۸- نقوش کاشی‌های مسجد سپهسالار را چه چیزهایی تشکیل می‌دهد؟
- ۹- مهم‌ترین بناهای عصر قاجار را نام ببرید.
- ۱۰- چند بنای دوره‌ی معاصر را که توسط معماران ایرانی و با توجه به میراث گذشتگان ساخته شده است نام ببرید.
- ۱۱- در مورد آثار تاریخی استان محل زندگی خود تحقیق کنید و در مورد آن در کلاس گفت و گو نمائید.

نگارگری

جمهوری اسلامی

ح سده چهاردهم ۵ . ق (۱۹۷۹ م)

پهلوی نقاشی نوین

ح سده سیزدهم ۵ . ق (۱۹۲۵ م)

قاجاریه مکتب تهران

ح سده دوازدهم ۵ . ق (۱۷۹۴ م)

زنده مکتب شیراز (گل)

ح اوایل سده دوازدهم ۵ . ق (۱۷۵۰ م)

افشاریه

مکتب اصفهان

مکتب قزوین

مکتب مشهد

مکتب بخارا

مکتب تبریز ۲

تیموری و

مکتب تبریز متقدم

مکتب هرات

مکتب سمرقند - هرات

مکتب شیراز تیموری

مکتب جلایری

مکتب شیراز

مکتب تبریز ۱

ح سده هفتم ۵ . ق (۱۲۵۸ م)

عباسیان

مکتب بغداد

مکتب سلجوقی

ح سده دوم ۵ . ق (۷۵۰ م)

امویان

سنت شرقی

سنت غربی

ح سده اول ۵ . ق (۶۶۱ م)



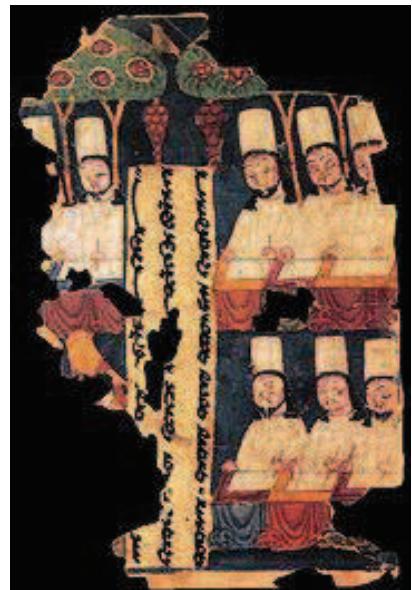
نگارگری

هنر نقاشی و نگارگری در جهان اسلام به دوران گذشته سنت ایرانی در دیوارنگارهای، صخره نگاری‌ها، تزئینات سفالینه و کتاب‌آرایی دوران ساسانی، بهویژه هنر مانوی(ارزنگ یا ارتنگ)^{۳۲} باز می‌گردد (تصویر ۶۰-۷۰الف و ب).

اولین آثار باقیمانده در صدر اسلام را می‌توان در فارس، خراسان، بر دیوار کاخ‌های امویان در سوریه، کاخ‌های عباسیان در عراق و کتاب‌های مصور مشاهده کرد. این آثار به لحاظ رعایت ویژگی‌های منسجم زمینه‌ساز شکل‌گیری مکاتب نقاشی و نگارگری شدند که به اختصار به آنها می‌پردازیم.



۷-۶- ب - برگه‌هایی از کتاب مصور ارزنگ، ناحیه‌ی تورفان در غرب ترکستان چین، سده دوم و سوم هجری



۷-۶- الف - برگی از ارزنگ، تورفان، سده‌ی دوم و سوم هجری

مكتب بغداد یا بین المللی عباسی (سده سوم تا ششم هجری)

سنت نقاشی در دوران عباسی بر پایه‌ی هنر ساسانی و هنر بیزانس(روم شرقی) شکل گرفته است که در دو شیوه‌ی دیوارنگاری و کتاب‌آرایی به نام مكتب بغداد شهرت می‌یابد. این نقاشی‌ها بسیار ساده و زیبا با تعداد محدود پیکره‌ی انسانی، درخت و شاخه‌ای به نشانه‌ی طبیعت بر زمینه‌ی کاغذ یا پوست(بدون رنگ آمیزی زمینه) و بدون تفکیک نقاشی از متن نوشتاری و تأثیرات مستقیم هنر مانوی به صورت هاله‌های

۳۲. قدیمی‌ترین نمونه‌های یافته شده در تورفان چین حدود سده‌ی سوم هجری قمری/ نهم میلادی

دوره‌ی سر، گیاهان ساده شده، لباس‌های منقوش، رنگ تخت و خطوط مرزی و تأثیرات بیزانسی با سایه روشن در چهره‌ها انجام می‌شد.

کتاب‌های مصور مکتب بغداد را به طور کلی می‌توان به دو گروه تقسیم بندی کرد: ۱- کتاب‌های علمی (بیوشکی، نجوم و فیزیک) مانند کتاب خواص الادویه (تصویر ۶۱-۷)، فیزیک الجزری، فی معرفة الخیال الهندي ۲- کتاب‌های ادبی (شعر و حکایت) مانند «مقامات حریری» (تصویر ۶۲-۷) و «کلیله و دمنه».^{۳۳}



۷-۶۲- نسخه مقامات حریری، اثر محمود بن یحیی بن واسطی، سال ۳۳۴ هجری، بصره



۷-۶۱- نسخه خواص الادویه، نسخه ترجمه یونانی، سال ۶۲۷ هجری، مکتب بغداد

مکتب فارس و خراسان - سلجوقی سده‌ی پنجم و ششم هجری قمری (۱۱ و ۱۲ میلادی)

در مناطق مرکزی و شرقی ایران عناصر کهن نقاشی مانوی و میراث هنر ایرانی بار دیگر در نگاره‌های ظروف سفالین و نقاشی کتاب‌های خطی ظاهر شد و آثاری پر از شرح‌جای گذاشت. این دوران مهم‌ترین دوره‌ی همگامی هنر اسلامی و ادبیات فارسی است (سروده شدن خمسه‌ی نظامی).

نقاشی‌های این مکتب بر روی زمینه‌ی سرخ رنگ همراه با نقوش روی زمینه برای اولین بار در دوران اسلامی (به صورت پیچک‌های ریز) و نیز پیکره‌های کوتاه قامت با موضوع‌های بزم و رزم و پوشش لباس‌هایی

۳۳. نام اصلی کتاب پنج تنتره که در دوره‌ی ساسانی بروزیه‌ی طبیب آن را از سانسکریت به پهلوی ترجمه و در سده‌ی دوم هجری قمری عبدالله بن مفعع آن را به عربی و ناصرالله منشی در سده‌ی چهارم (دوره‌ی سامانی) به فارسی ترجمه کردند و سرانجام رودکی آن را به نظام در آورد.

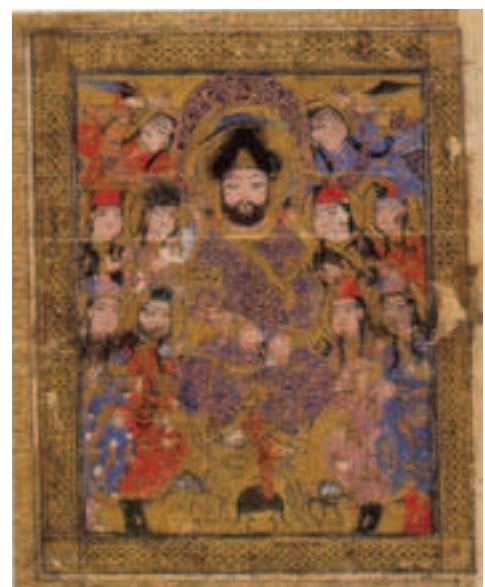
بدون چین و چروک همراه با تزئینات اسلامی است. از مهم‌ترین آثار این دوران می‌توان به اولین کتاب مصور به زبان فارسی یعنی ورقه و گلشاه (تصویر ۷-۶۳) و نیز به کتاب الاغانی (تصویر ۷-۶۴)، سمک عیار، کتاب التریاق (زکریای رازی) (تصویر ۷-۶۵)، شاهنامه‌ی کاما^{۳۴}، اندرزنامه، صورالکواكب، مفید‌الخاص، خواص الاشجار و طب جالینوس اشاره کرد.



۷-۶۳- ورقه و گلشاه ، اثر عیوقی ، سده هفتم ، مکتب سلجوقی



۷-۶۵- کتاب التریاق ، زکریای رازی ، مکتب سلجوقی ، سده‌ی ششم یا هفتم هجری



۷-۶۴- کتاب الاغانی ، حاکم نشسته ، مکتب سلجوقی ، موصل ، سالهای ۶۱۲-۶۱۶ هجری

^{۳۴}. قدیمی‌ترین شاهنامه‌ی مصور با ۴۵ تصویر حدود سده‌ی ششم و اوایل سده‌ی هفتم

مکتب تبریز ۱- ایلخانان مغول (سده هفتم و هشتم هجری)

در سده هفتم هجری دوران حکومت ایلخانان مغول در ایران، سنت‌های هنری و فرهنگی با حمایت

دانشمندان و فرهیختگان ایرانی همچون خواجه

رشیدالدین فضل الله حیاتی دوباره یافت. با بوجود

آمدن شیوه‌های مختلف نقاشی، چون هنر چینی^{۳۵}،

هنر بیزانسی^{۳۶}، هنر مغولی^{۳۷}، هنر بغدادی و بودایی، با

شیوه‌های مرسوم در هنر ایران شکل گرفت.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این مکتب بدعت در

ترکیب‌بندی‌های عمودی و کتیبه‌وار، متداول شدن

کادر و جدول کشی، نمایش همزمان خارج و داخل،

منظوره‌پردازی^{۳۸}، تنوع رنگی، اختصاص یافتن یک صفحه

مستقل کتاب به تصویر، استفاده از رنگ‌های روحی و

جسمی^{۳۹} می‌باشد.

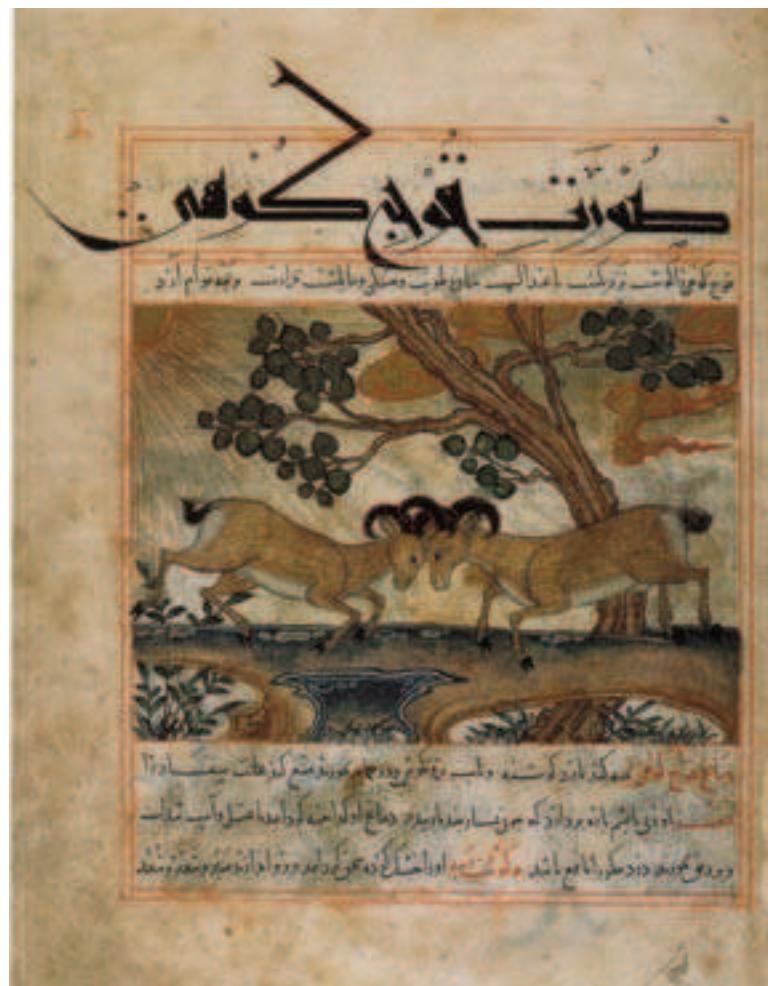
محل ظهر این مکتب، تبریز و مراغه است.

کتابهای مصور شده در این مکتب عبارتند از: منافع

الحیوان (تصویر ۶۶-۷)، جامع التواریخ رشیدی^{۴۰} (تصویر

۶۷-۷)، و شاهنامه فردوسی^{۴۱} (تصویر ۶۸-۷) است که

بخش عمده‌ی آنها در ربع رشیدی^{۴۲} کار شده است.



۷-۶۶- منافع الحیوان ، نبرد قوچ

کوهی ، اثر ابن بختیشیع ، مراغه ، سده

هفتم هجری

۳۵. دقت در جزئیات، کوه به شکل لایه لایه، ابر پیچان، هاشور زنی یا پردار، آب بصورت پولک پولک

۳۶. استفاده از رنگ نقره‌ای و عمق نمایی

۳۷. پوشش سر و انواع کلاه خود، بلباس، زره و جنگ افزار و بیرق‌ها و اسب‌های مغولی

۳۸. منظره‌پردازی در این مکتب به احمد موسی نسبت داده شده است.

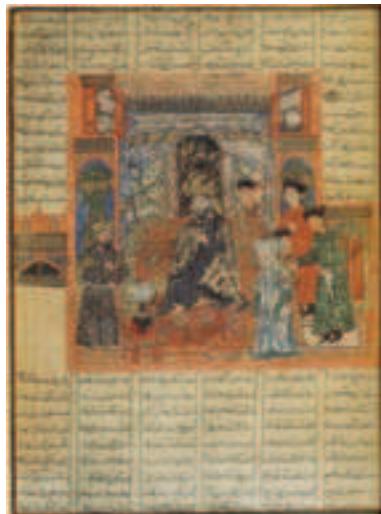
۳۹. رنگ‌های تند بالایه‌های ضخیم (جسمی)، رنگ‌های ملایم بالایه‌های نازک (روحی)

۴۰. دارای ۱۲۰ تصویر که بیشترین تأثیر از چین و بیزانس دارد.

۴۱. دارای ۵۵ یا ۵۸ تصویر که متأثر از عناصر چینی و بیزانسی می‌باشد.

۴۲. این مرکز فرهنگی هنری به همت و سرمایه شخصی خواجه رشید الدین فضل الله، مورخ و نویسنده کتاب چهار جلدی جامع التواریخ و

وزیر فرهیخته غازان خان و الجایتو در تبریز ساخته شد. (رعی: محله، سرا، خانه، مجموعه آبادی، خاندان و ایل)



۷-۶۸- نسخه شاهنامه فردوسی ، تبریز ، سده هفتم
هجری (۷۲۶-۷۳۶ هجری)



۷-۶۷- نسخه عربی جامع التواریخ ، رشیدالدین فضل الله، حمله‌ی محمدبن سیکتکین به زرنگ سیستان، تبریز، سال ۷۱۴ هجری

مکتب شیراز(سده هفتم ۵. ق / م۱۳)

شیوه نقاشی مکتب شیراز در ادامه هنر کهن ایرانی و ابداعات جدید آن است. این مکتب با نوآوریهای خام دستته و ابتدایی، تداوم دهنده سنت کتاب آرایی و نقاشی سده پنجم و ششم هجری شد که در طول دو سده بعدی تکامل یافت و به خصوصیات ویژه مسلط نقاشی ایرانی بدل گردید.(تصویر ۷-۶۹)



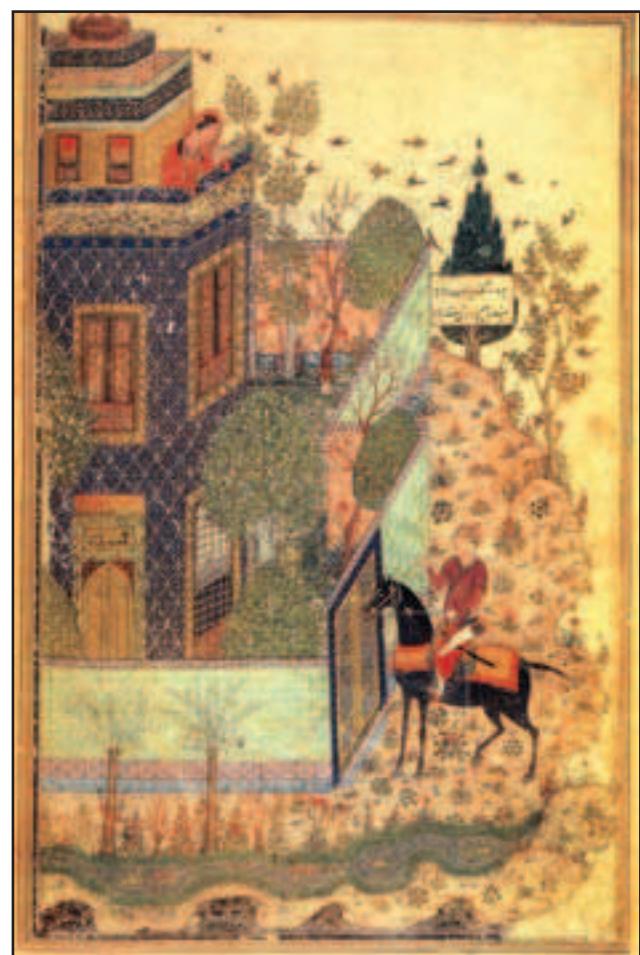
۷-۶۹- شاهنامه قوام الدین حسن ، بهرام گور در کلبه دهقان ، مکتب شیراز ، ۷۴۱ هجری

مکتب بغداد - تبریز(جلایری سده هشتم ۵. ق ۱۴/ م)

در سده هشتم هجری در دوران جلایریان حکومت در دو مرکز تبریز و بغداد به کار خود ادامه داد و یکی از مهم‌ترین مکاتب نقاشی پدیدار گشت که به مکتب جلایری شهرت یافته است. این مکتب متعالی مجموعه‌ای برگرفته از دستاوردهای مکتب بغداد، شیراز و تبریز است. این مکتب با حضور نقاشان برجسته‌ای چون جنید بغدادی معروف به سلطانی و دیگر هنرمندان شکل گرفت. تصاویری از دیوان خواجهی کرمانی (مجموعه همای و همایون) (تصویر ۷۰-۷۱) که در موزه بریتانیا نگاهداری می‌شود به خط نستعلیق میر علی تبریزی و اثر برجسته جنید نقاش است (تصویر ۷۲-۷۳).



۷-۷۱- دیوان خواجهی کرمانی ، دادخواهی پیروز ن از ملکشاه ، بغداد ، مکتب جلایری ، سال ۷۹۹ هجری



۷-۷۲- دیوان خواجهی کرمانی (مجموعه همای و همایون) ، دوران جلایری ، سده هشتم هجری



ویژگی‌های مهم مکتب جلایری شامل فضای بیکرانه و نمایش طبیعت شاعرانه، تصویر سازی از جهان خیالی، هماهنگی پیکره و منظره‌سازی، ترکیب بندی دایره وار، تزئینات ماهرانه، تفکیک فضا^{۴۳} و هندسه ترسیمی و پرسپکتیو آکسومتریک^{۴۴} است.

در این دوره برای اولین بار می‌توان کاربرد تشعیر(دیوان سلطان احمد جلایر) و رقم و امضا^{۴۵} مشاهده کرد. تمامی این دستاوردهای نوین زمینه را برای ظهور مکتب هرات، فراهم ساخت (تصویر ۷۲-۷).

مکتب شیراز (سده هشتم هجری- قمری ۱۴/م)

۷۰-۷۲ - دیوان سلطان احمد جلایر ، تشعیر ،
بغداد ، حدود ۸۰۳-۸۰۶ هجری

دوران تیموری امکان یکپارچه کردن دستاوردهای مکاتب گوناگون نقاشی ایرانی را بوجود آورد. تیمور نخبه‌ترین هنرمندان و صنعتگران را از شهرهای گوناگون به سمرقند پایتخت مورد علاقه‌اش فراخواند. بعد از او شاهرخ و سپس فرزندان شاهرخ^{۴۶} در مناطق مختلف شیوه‌های هنری را گسترش دادند^{۴۷} در همین زمان، نسخ فراوانی در شیراز و دیگر مناطق به تصویر درآمد که به طریقی پر قدرت، امکانات تصویری مکاتب پیشین را بکار برد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این مکتب توجه به طبیعت (بانگاه واقع گرایانه)، رفتار و کردار انسان با حداقل تأثیرپذیری از بیگانگان(به ویژه چین و بیزانس) است. هم چنین توجه به افق رفیع، بکارگیری بیش از حد نقوش گیاهی ، توجه به مضماین عارفانه و عاشقانه، قرار گرفتن پیکره سواران بصورت مورب و هماهنگی خط و رنگ و غالب بودن رنگ قرمز از ویژگی‌های دیگر این مکتب است.

از آثار معروف این دوران "کلچین اسکندر سلطان" (تصویر ۷۳-۷۴)، "شاهنامه ابراهیم سلطان"^{۴۸} (تصویر ۷۴-۷۵) و "خاوران نامه"^{۴۹} در شیراز مصور شده اند و به خوبی نشان می‌دهند که دستاوردهای مکتب جلایری چه تأثیرات عمیقی در اعتلای نقاشی این دوران داشته است. این مجموعه کتاب‌های مصور که به لحاظ سبک و شیوه بی‌تردید با نقاشی‌های مکتب هرات اشتراکاتی می‌یابند، شاهد گونه‌ای ارتباط و یکپارچگی سبک در دوران تیموری هستند.

۴۳. زمین، نمای کف بصورت سنگفرش، دیوار عقب با پنجه، کف دیوار جانبی بصورت مورب، در سفید نیمه باز، حیاط مرکزی و عناصر اصلی در مرکز صحنه، شاهد و اندرونی

۴۴. هندسه ترسیمی دو بعد نمایی با رعایت محور افقی و عمودی و خطوط مورب بدون در نظر گرفتن نقطه گریز

۴۵. امضای جنید در دیوان خواجه‌ی کرمانی مجموعه همای و همایون

۴۶. ۱- الغ بیک در سمرقد ۲- بایستق میرزا در هرات ۳- اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان در شیراز

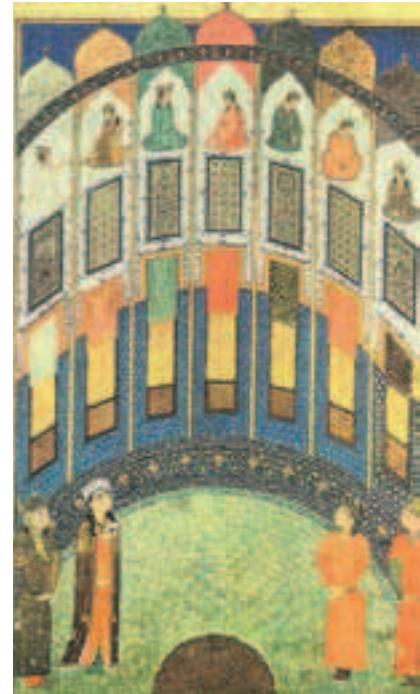
۴۷. اگر چه هیچ نسخه خطی نقاشی شده‌ای در این دوره از سمرقند بدست نیامده است.

۴۸. مشهور به شاهنامه کوچک با ۵۲ تصویر بدون صحنه های عاشقانه

۴۹. نوشته این حسام مربوط به زندگی حضرت علی (ع) با ۱۱۵ تصویر و نقاشی فرهاد



۷-۷۴- شاهنامه‌ی فردوسی، رستم و سهراب، مکتب شیراز، دوره تیموری، ۷۷۳ هجری



۷-۷۳- گلچین اسکندر سلطان، بهرام گور در قصر هفت گنبد،
مکتب شیراز، دوره تیموری، سده هشتم هجری

مکتب هرات- تیموری(سده ی هشتم هجری / ۱۴ م)

شاهرخ پسر تیمور، هرات را مرکز حکومت خود قرار داد و به اتفاق فرزند خود "بایسنقر میرزا" که خود یکی از خوشنویسان به نام این دوران است، هنرمندان و صنعتگران فراوانی را به هرات دعوت کرد. کتابخانه بایسنقر میرزا بزرگترین کارگاه هنری پر رونق دوران خود به شمار می‌رفت. در این کتابخانه به دعوت شاهزاده بایسنقر میرزا چهل هنرمند خوشنویس و کتاب آرازی نظر رییس کتابخانه یعنی "جعفر بایسنقری" خطاط به نام عصر تیموری به کار نوشتند نسخه‌های خطی مشغول و نفیس‌ترین نسخ خطی و برجسته‌ترین نقاشی‌ها را خلق کردند.

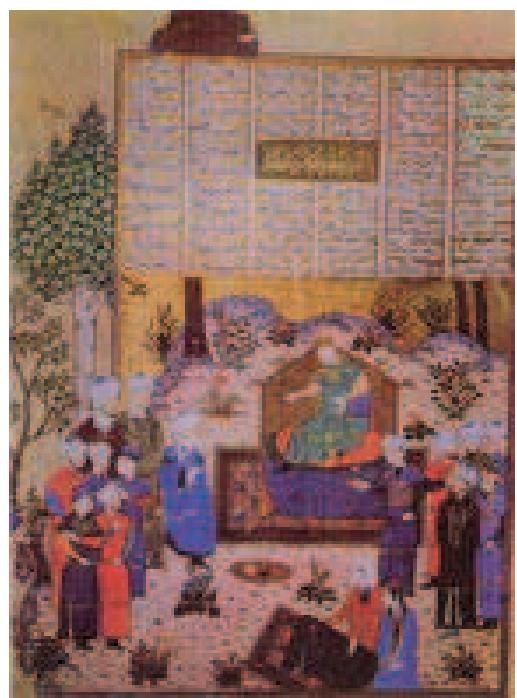
در این دوران شاهد تداوم سنت‌های هنری دوران جلایری هستیم و از مهم‌ترین ویژگی‌های نقاشی در این دوران می‌توان به ترکیب بندی متقطع و غیر متقارن، واقع گرایی در ترسیم گل و گیاه، تنوع رنگ در قلم‌گیری، غالب بودن رنگ آبی در کل تصویر، مهارت در طراحی اندام، ریزه کاری در معماری، تراکم موضوع در مرکز صحنه و نمایش تداخل چند فضا در تصویر و فضای آرمانی در نقاشی اشاره کرد.

شاهنامه بایسنقری به خط جعفر بایسنقری، یکی از شاهکارهای این مکتب بشمار می‌رود (تصویر ۷-۷۵).

کتاب‌های دیگر این دوره "کلیله و دمنه بایسنقری" و "کتاب جامع التواریخ" می‌باشند (تصویر ۷-۷۶).



۷-۷۶- کلیله و دمنه ، نسخه بایسنقری ، حمله شیر به گاو مکتب هرات ، سده‌ی هشتم هجری



۷-۷۵- شاهنامه‌ی فردوسی، نسخه بایسنقری ، مکتب هرات ، سده‌ی هشتم هجری

در نقاشی‌های مکتب اول هرات که ویژگی‌های کاملاً ایرانی را بازتاب می‌دهند همه چیز در کمال اختصار و صراحت ارایه شده است. نام آورترین نقاش ایرانی اواخر دوره تیموری یا مکتب هرات ۲ و تبریز ۲ (دوره صفوی) کمال الدین بهزاد^{۵۰} است (تصویر ۷-۷۷). وی در هرات به دنیا آمد و مکتبی نوین در نقاشی ایرانی پدید آورد که تأثیری شگرف در دوران خود و پس از خود بر جای گذاشت.

مکتب تبریز ۲ (دوران صفویه)

در آغاز حکومت صفویه، تبریز به پایتختی برگزیده شد. در این دوران مکتب هرات و شیوه بهزاد با جذب شاگردان بسیاری نگارگری رایج را تغییر داد. حاصل این تجربه اندوزی‌های تازه، ظهور سبکی نوین به نام مکتب صفوی یا تبریز ۲ است که با تلفیق سنت‌های هرات و میراث شیوه تبریز ۱ همراه با نقاشانی برجسته چون سلطان محمد، آقا میرک، مظفر علی و شیخ زاده شکل گرفت (تصویر ۷-۷۸).

مهم‌ترین ویژگی‌های این مکتب تنوع رنگ، استفاده فراوان از رنگ طلایی، توجه به موضوعات

۵۰. تحت تعلیم و تربیت استاد میرک اصفهانی مقدمات هنری را آموخت و همچون بسیاری از استادی و هنرمندان هرات به تبریز پایتخت صفویان رفت (زمان شاه اسماعیل اول) و ریاست کتابخانه سلطنتی را بر عهده گرفت و به تربیت شاگردان بسیار پرداخت.



۷-۷۸- خمسه نظامی (طهماسبی)، معراج حضرت محمد (ص)، اثر سلطان محمد،
مکتب تبریز، سده دهم هجری (۹۴۶-۹۵۰ هجری)



۷-۷۷- خمسه نظامی ، ساختن کاخ خورنق ، کمال الدین بهزاد ، مکتب هرات ، ۸۹۹
هجری

درباری، بکارگیری اشیاء مربوط به زندگی، شکست کادر^{۵۱}، پوشک هماهنگ با رسم صفویه با کلاه قرلباش^{۵۲} (تصویر ۷-۷۹)، ایجاد صحنه‌های شکار با حالتی پر تحرک، صحنه‌های داخلی با حالتی خموش و متفرگانه و بزم با حالت یکنواخت و پیکره‌های محدود، بکارگیری نقوش نگارگری در بافت پارچه، توجه زیاد به چهره نگاری، رواج تشعیر بدون بکارگیری اسلیمی و مهارت در صحنه‌های چوپانی و به ویژه در نقاشی‌های بهزاد و شاگردان او^{۵۳} ترکیب‌بندی حلزونی یا اسپیرال می‌باشد. از آثار معروف این دوره می‌توان به دیوان میر علی‌شیر نوای، مجلس صنعن اثر شیخ زاده (تصویر ۷-۸۰)، خمسه‌ی نظامی^{۵۴} (تصویر ۷-۸۱) و شاهنامه شاه طهماسب^{۵۵} (تصویر ۷-۸۲) اشاره کرد.

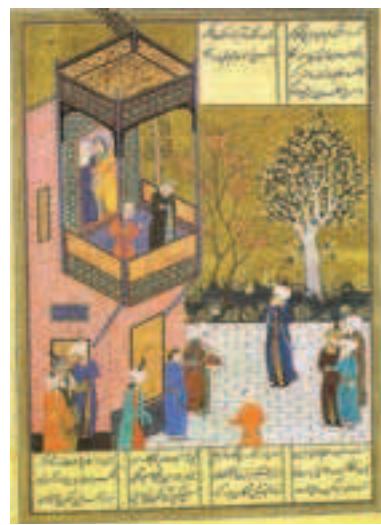
۵۱. تسخیر-که از دوران مکتب شیراز آغاز شده بود.

۵۲. با عمامه دوازده ترک با مبله قرمز و سیاه- به نیت دوازده امام

۵۳. همچون میر سید علی، میر مصور، دوست مصور و خواجه عبدالصمد

۵۴. با ۱۴ تصویر، نقاشان: آقامیرک و سلطان محمد - خط شاه محمود نیشابوری

۵۵. معروف به شاهنامه شاهی یا هوتون با ۲۵۸ تصویر از نقاشانی چون سلطان محمد- آقا میرک- میرزا علی و ...



۷-۸۰- دیوان میر علیشیر نوایی ، شیخ صنعت ، اثر شیخ زاده ، مکتب تبریز ، سده دهم هجری



۷-۷۹- دیوان حافظ ، رؤیت هلال ماه پس از رمضان ، مکتب تبریز ، ۹۳۲-۹۳۶ هجری



۷-۸۲- شاهنامه فردوسی (طهماسبی)، دربار کیومرث، اثر سلطان محمد، مکتب تبریز، حدود ۹۳۲-۹۴۲ هجری



۷-۸۱- خمسه نظامی، خسرو شیرین را نظاره می کند،
اثر سلطان محمد، مکتب تبریز، سده دهم هجری

پرسش

- ۱- مکتب بغداد(عباسی) تحت تأثیر چه هنرهاي شکل گرفت و دارای چه ویژگی هاي است؟
- ۲- کتابهای مصور مکتب بغداد به چند گروه تقسیم می شوند؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۳- همگامی هنر اسلامی و ادبیات فارسی در چه دوره‌ای بیشتر مشاهده می شود؟ با ذکر مثال ویژگی های این مکتب را بیان کنید.
- ۴- مهم‌ترین ویژگی های مکتب تبریز ۱ (ایلخان مغول) را با ذکر نمونه توضیح دهید.
- ۵- خواجه رسیدالدین فضل الله که بود و چه کارهایی برای فرهنگ و هنر ایران انجام داد؟
- ۶- مکتب شیراز تداوم دهنده نقاشی کدام دوره بود؟
- ۷- مکتب جلایری مجموعه‌ای از دستاوردهای کدام مکتب است؟ و زمینه‌ی ظهور کدام مکتب را فراهم آورد؟
- ۸- ویژگی های مهم مکتب جلایری را با ذکر نام چندتن از هنرمندان این مکتب بیان کنید.
- ۹- چه مواردی در نگارگری برای اولین بار در دوره‌ی جلایری به کار برده شد؟
- ۱۰- ویژگی های مکتب شیراز و هرات دوران تیموری را بیان کنید.
- ۱۱- شاهنامه‌ی بایسنقری از شاهکارهای کدام مکتب است؟ ویژگی مهم این مکتب را بیان کنید.
- ۱۲- نام آورترین نقاش مکتب هرات ۲ را نام ببرید و کارهای مهم او را توضیح دهید.

مکتب مشهد و قزوین دوره‌ی صفوی(سده ۱۰ ه. ق / ۱۶ م)

مکتب مشهد با تلفیق مکتب تبریز و عناصر محلی شکل گرفت. مهمترین ویژگی این مکتب حضور انسان و اشیاء بدون ارتباط با موضوع داستانی، توجه به موضوعات روزمره و عادی، پیکره‌های بلند قامت با گردن بلند و صورت گرد، صخره نگاری‌های قطعه قطعه، درختان کهن‌سال با تنه و شاخه‌ی گرهدار و استفاده از رنگ سفید است. شاخص‌ترین اثر این دوره هفت اورنگ جامی^{۵۶} می‌باشد (تصویر ۷-۸۳).



۷-۸۳- نسخه‌ی خطی هفت اورنگ جامی (ابراهیم میرزا)، مکتب مشهد، بین سالهای ۹۶۴-۹۷۵ هجری

۵۶. با ۲۸ تصویر و خوشنویسی رستم علی و محب علی و نقاشی میرزا علی، مظفرعلی، شیخ محمد و آقامیرک می‌باشد.

مکتب قزوین به دلیل انتقال پایتخت از تبریز به قزوین شکل گرفت. از ویژگی‌های آن تغییر و تحول در مکتب مشهد، کاهش تنوع رنگ و تعداد پیکره‌ها، رواج طراحی و نقاشی مستقل از کتاب (مرقعات)، تصویر زوج‌های جوان با تذهیب و خوشنویسی، گسترش تک پیکره نگاری و دیوار نگاری کاخ‌ها^{۵۷} است. از آثار معروف میتوان به شاهنامه‌ی قوام ابن محمد شیرازی^{۵۸} اشاره کرد.

مکتب اصفهان

پس از انتخاب اصفهان به پایتختی در دوران شاه عباس اول، مکتبی تازه در نقاشی پدیدار شد که مکتب اصفهان نام گرفت. این شیوه که توسط نقاش نام آور عهد صفوی، رضا عباسی ابداع شد، نمایشی از دوری هر چه بیشتر از مصور سازی کتاب‌های ادبی و کسب استقلال صفحه نقاشی است (تصویر ۷-۸۴).

در مکتب اصفهان، شیوه کهن نقاشی ایرانی در زمینه فضا سازی و نحوه ترکیب بندی پیکره‌های انبوه کم شده و نمایش تک چهره‌ها و تک پیکره‌ها با پوشак فاخر، قوت گرفت.

فضا سازی‌های ساده، خطوط منحنی دلپذیر، استفاده از حداقل رنگ و گاه ساخت و ساز ماهرانه خرز لباسها و ظرافت در طراحی موی سر و ریش مردان، شیوه خاص رضا عباسی است که هنرمندان بسیاری را تحت تاثیر قرار داد و در سه نقاشی نسبتاً یکسان دیده می‌شود. تصویر(۷-۸۴) اثر رضا عباسی است که درویشی را با چوب دستی نشان می‌دهد و دو تصویر(۷-۸۵) و (۷-۸۶) دو نمونه از کار نقاشانی است که کار رضا عباسی را با تغییراتی جزئی نسخه پردازی کرده اند.

از دیگر نقاشان مکتب اصفهان می‌توان به "معین مصور"، "محمد یوسف" و "محمد قاسم" اشاره کرد.



۷-۸۴ - درویش جوان با چوب‌دستی
چوب‌دستی، اثر محمد یوسف،
مکتب اصفهان، ۱۰۵۰ هجری



۷-۸۵ - درویش جوان با
چوب‌دستی، اثر رضا عباسی،
مکتب اصفهان، ۱۰۵۰ هجری



۷-۸۶ - درویش جوان با چوب‌دستی
چوب‌دستی، اثر رضا عباسی،
مکتب اصفهان، ۱۰۵۰ هجری

۵۷ . مانند چهل ستون قزوین

۵۸ . (به خط خود وی با ۳۷ تصویر در زمان شاه اسماعیل دوم)

در این مکتب شاهد گرایش هایی با تحولاتی گوناگون در زمینه های نقاشی هستیم که می توان به رواج سنت دیوار نگاری در کاخ ها و بناهای خصوصی و عمومی ^{۵۹} اشاره کرد (تصویر ۷-۸۷). هم چنین زمینه‌ی تداوم هنر گورکانی هند به واسطه‌ی مهاجرت هنرمندان ایرانی که پیشتر در دوران مکتب تبریز ۲ آغاز شده بود بوجود آمد.



۷-۸۷- دیوارنگاری کاخ چهل ستون ، بزم شاه عباس اول در باغ ، اصفهان ، حدود ۱۰۵۷ هجری

۵۹. کاخ نائین ، چهلستون ، عالی قاپو ، هشت بهشت ، حمام نائین



۷-۸۸- خمسه نظامی ، دیدار مجنون ،
اثر محمد زمان ، اصفهان ، سال ۱۰۸۶
هجری

حضور هنرمندان اروپایی و نقاشان ارمنی در اصفهان (میناس ارمنی نقاش دیوار نگاره‌های کلیسای وانک) و همچنین ورود گراورهای اروپایی و شکل‌گیری سبک تلفیقی هنر ایران و اروپا به صورت نقاشی رنگ روغن و رعایت اندازه‌ی طبیعی انسان در آثار (مثل نقاشی کاخ‌ها) به صورت دو بعدی و سه بعد نمایی و فرنگی سازی (مکتب ایتالیا و اصفهان) تاثیر مهمی در نقاشی این دوره دارد (تصویر ۷-۸۸).

از دیگر شیوه‌های رایج دوران آخر صفویه شیوه‌ی گل و مرغ با اسلوب نقطه‌پرداز و نقاشی زیر لакی است. مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب اصفهان تاثیر پذیری از نقاشی هلند، برتری طرح بر رنگ، کاهش مصور سازی کتاب، رواج سیاه قلم، رواج دیوار نگاره، گستالت پیوند نقاشی و ادبیات، کاهش تعداد پیکره‌ها، از بین رفتن فتوна و اسلوب‌های فضا سازی^{۶۰}، به وجود آمدن دستارهای (عمامه) بسیار بزرگ، انواع کلاه^{۶۱} و مهم‌ترین ویژگی آثار رضا عباسی استفاده زیاد از قلم مو برای پردازش، بازنمایی طبیعت، تک چهره سازی، محدود کردن رنگ و تزیینات، غلبه‌ی قلم‌گیری بر رنگ، تمایل به ثبت واقعیات، تمایل به بکار گیری رنگ‌های ترکیبی می‌باشد.

از شاهکارهای مکتب اصفهان می‌توان به قصص الانبیاء و شاهنامه‌ی شاه عباسی اثر رضا عباسی نام برد (تصویر ۷-۸۹).



۷-۸۹- قصص الانبیاء ، صحنه ذبح حضرت اسماعیل(ع)
توسط حضرت ابراهیم (ع) ، اثر رضا عباسی، اصفهان،
اوایل سده بیاندهم هجری

۶۰. توجه به موضوعات روز مرد، زوج‌های عاشق و سفیران خارجی
۶۱. پوستی، نوک تیز، تاج پردار

دوره‌ی افشار و زند

مکتب اصفهان در دوره‌های بعد بویژه دوره افشاریه ادامه یافت و با به قدرت رسیدن زندیه و انتخاب شیراز به عنوان پایتخت تحولات هنر در این دوران پدید آمد که به مکتب شیراز یا مکتب گل معروف است. مهمترین تحول نقاشی در این زمان رواج نقاشی زیر لакی، نقاشی پشت شیشه و گل و مرغ می‌باشد (تصویر ۷-۹۰).

از هنرمندان می‌توان به محمد صادق، برجسته‌ترین نقاشان این دوره علی اشرف که در تصویر گل مهارت زیادی داشته اشاره کرد. مهمترین کتاب این دوره تاریخ جهان گشای نادری^{۶۲} است.



۷-۹۰- جلد آینه لакی روغنی، تدریس رساله در شب، اوخر سده دوازدهم و اویل سیزدهم هجری

۶۲. با ۱۴ تصویر به خط میرزا محمد مهدی استر آبادی و نقاشانی چون رضا عباسی و محمد قاسم تبریزی می‌باشد.

دوره‌ی قاجار

با به قدرت رسیدن قاجاریه و انتخاب تهران به عنوان پایتخت، میراث هنری شیراز و اصفهان و تجربیات فرنگی‌سازی به تهران منتقل گردید. در این مکتب توجه و علاقه به طبیعت نگاری، نمایش سایه روشن به ویژه سایه پردازی مختص در چهره و لباس، تلفیق نقش‌مایه‌های تزئینی و تصویری، ترکیب بندی‌های متقارن و ایستاد، رنگ گزینی محدود با تسلط رنگ گرم (به ویژه قرمز)، عمق نمایی و تقلید جهان مادی، گل و مرغ با پس زمینه سازی به شیوه‌ی اروپایی و پیکر نگاری درباری پدید می‌آید. مکتب قاجار را می‌توان به سه دوره‌ی کلی تقسیم کرد.

دوره اول ، از آغاز تا مدرسه دارالفنون و دارالصنایع:



این دوره تداوم سنت‌های مکتب شیراز و اصفهان است که با تاکید بر نقاشی زیر لакی، نقاشی پشت شیشه‌ای، پیکر نگاری درباری و دیوارنگاری شکل می‌گیرد. همچنین در این دوره نقاشی روی بوم رواج یافت و نقاشان به کشیدن نقاشی با رنگ روغن پرداختند (تصویر ۷-۹۱). اگرچه تصویرگری کتاب بار دیگر در دوران قاجار آغاز می‌شود، اما هرگز به توانایی‌های پیشین دست نمی‌یابد. شیوه‌ی نقاشی رایج این دوران که برای تزئین قلمدان، قاب آینه، جعبه آرایش و دیگر اشیای تزئینی به کار می‌رفت، نقاشی زیر لакی است. در این شیوه، نقاشی را با قشری از روغن کمان^{۶۳} می‌پوشانندند تا از آسیب و پاک شدنگی محفوظ مانده تا جلوه‌ای شفاف و براق به خود بگیرد (تصویر ۷-۹۲).

۷-۹۱- پیکره نگاری ، فتح علی شاه ، رنگ روغن روی بوم ، اثر میرزا بابا ،
تهران ، ۱۲۱۴-۱۲۱۳ هجری

۶۳ . روغن کمان ترکیبی از روغن جلا، بزرگ و روغن سندروس است و معادل ورنی محسوب می‌شود.



۷-۹۲- قلمدان ، صحنه نبرد ، لاکی روغنی ، تهران ، ۱۲۶۶- ۱۲۶۷ هجری

دوره دوم ، از مدرسه‌ی دارالصنایع صنیع الملک تا مدرسه‌ی صنایع مستظرفه کمال الملک:



۷-۹۴- نسخه هزار و یک شب ، اثر صنیع الملک ، تهران ، سده سیزدهم هجری
مجموعه‌ی هزار و یک شب^۴ (تصویر ۷-۹۴) است.

در این دوره با ورود دوربین عکاسی به ایران آثار نقاشی ایرانی هم تحت تاثیر قرار گرفت (تصویر ۷-۹۳). این پیروی کامل از عکس در بسیاری از موارد راه را بر خلاقیت از منشا عالم خیال بست. از این رو گرایش شیوه اروپایی و رنگ و روغن کاری شدت می‌یابد.



۷-۹۳- عکس و نقاشی ، ناصر الدین شاه ، تهران ، ۱۲۷۲ هجری

هم چنین در این دوران صنیع الملک با سفر و تحصیل در اروپا شیوه‌ی نقاشی اروپایی همراه با تمایلات هنر ایتالیایی (طبیعت‌گرایی)، میراث هنر کلاسیک و شبه رمانیک مورد توجه قرار می‌گیرد . در این دوران همچنین با گسترش چاپ سنگی ، نقاشی در مصور سازی کتاب و مطبوعات رونق گرفت . یکی از آثار پدید آمده به وسیله‌ی صنیع الملک مصور سازی

۶۴. (ترجمه‌ی محمد حسین تهرانی) شامل ۱۱۳۲ تصویر

دوره سوم ، از مدرسه صنایع مستظرفه تا دوران نوگرایی:

محمد غفاری یا کمال الملک در خانواده‌ای هنرمند به دنیا^{۶۵} آمد. وی در دارالفنون زیر نظر مزین الدوله به تعلیم نقاشی پرداخت. در جوانی به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و لقب نقاشیابی گرفت و سپس به کمال الملک ملقب شد. او در طی سفر اروپا با مکاتب نقاشی اروپایی آشنا شد و این آشنایی تاثیری عمیق بر نقاشی‌های او نهاد. از آثار معروف او می‌توان به تابلوهای تalar آینه، فالگیر بغدادی، غروب شمیران، تکیه دولت و جن گیر اشاره کرد (تصویر ۷-۹۵).

از دیگر هنرمندان این دوره محمود خان ملک الشعرا است که شیوه‌ی پرداز را با رنگ روغن و کلاژ تصویری^{۶۶} اجرا نمود. ادامه‌ی مكتب کمال الملک توسط شاگردان وی از جمله اسماعیل آشتیانی (که پس از وی به ریاست مدرسه‌ی صنایع مستظرفه رسید) شکل گرفت (تصویر ۷-۹۶).



۷-۹۵- تalar آینه ، اثر کمال الملک ، رنگ و روغن ، تهران ، سده سیزدهم هجری

۶۵. عموی او ابوالحسن غفاری(صنیع الملک) از نقاشان به نام دوران قاجاریود.

۶۶. از نظر زمانی قبل از اروپاییان و قبیل از امیرسیونیست‌ها کوبیسم شیوه پرداز (نقطه پردازی) در پرده استنساخ و پرده کلاژ تمیز به کار برده است.



۷-۹۷- نقاشی خیالی سازی (قهوه خانه‌ای)، نبرد رستم و خاقان چین، اثر حسین قوللر آقاسی، رنگ و روغن، سده سیزدهم هجری



۷-۹۸- طبیعت بی جان، اثر اسماعیل آشتیانی، رنگ و روغن، سده سیزدهم هجری

دوره‌ی معاصر از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی

همزمان با دوره مشروطه مکتب قهوهخانه‌ای شکل می‌گیرد که با تاثیر پذیری از مکتب قزوین و موضوعات مذهبی و حماسی در مکان‌های عمومی^{۶۷} با شیوه‌ی رنگ و روغن روی بوم، پرده و دیوار مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعدها روی کاشی هم انجام می‌شود. این مکتب به واسطه حسین قوللر آقاسی (تصویر ۷-۹۷) و محمد مدبر آغاز شد و بعدها توسط شاگردانشان ادامه پیدا کرد.

نگارگری معاصر ایران

در سال ۱۳۰۴ شمسی با تفکیک مدرسه‌ی صنایع مستظرفه به ریاست حسین طاهرزاده بهزاد از شاگردان کمال‌الملک و هادی تجویدی (تصویر ۹۸-۷) اولین معلم نگارگری جدید و عیسی بهادری (تصویر ۹۹-۷) موسس هنرستان هنرهای زیبای اصفهان شکل گرفت.

نقاشان نوگرا

با تاسیس دانشگاه‌های هنری در کشور از جمله دانشکده هنرهای زیبا^{۶۸}، دانشکده هنرهای تزئینی و تاسیس انجمن خروس جنگی^{۶۹} در سال ۱۳۲۸، نگارخانه‌ی آپادانا^{۷۰} و برگزاری نخستین بینال تهران در سال ۱۳۳۷ موج هنرمندان نوگرا شکل می‌گیرد.

^{۶۷}. عموماً قهوهخانه‌ها، امام زاده‌ها و تکایا

^{۶۸}. هنرکده‌ی هنرهای زیبا ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ که در سال ۱۳۲۸ هنرکده به دانشکده هنرهای زیبا تغییر نام می‌یابد.

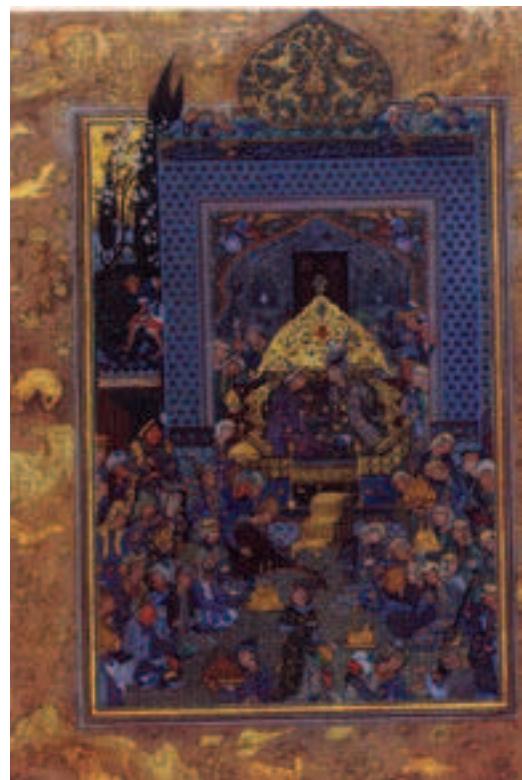
^{۶۹}. در سال ۱۳۳۹ توسط هوشنگ کاظمی اولین گرافیست و پایه گذار رشته گرافیک تاسیس شد.

^{۷۰}. توسط جلیل ضیاپور

^{۷۱}. توسط جوادی پور



۷-۹۹- طرح و بافت فرش، اثر عیسی بهادری، اصفهان، سده چهاردهم هجری



۷-۹۸- فردوسی در دربار سلطان محمود، اثر هادی تجویدی، تهران، ۱۳۰۴ شمسی

مکتب سقاخانه‌ای

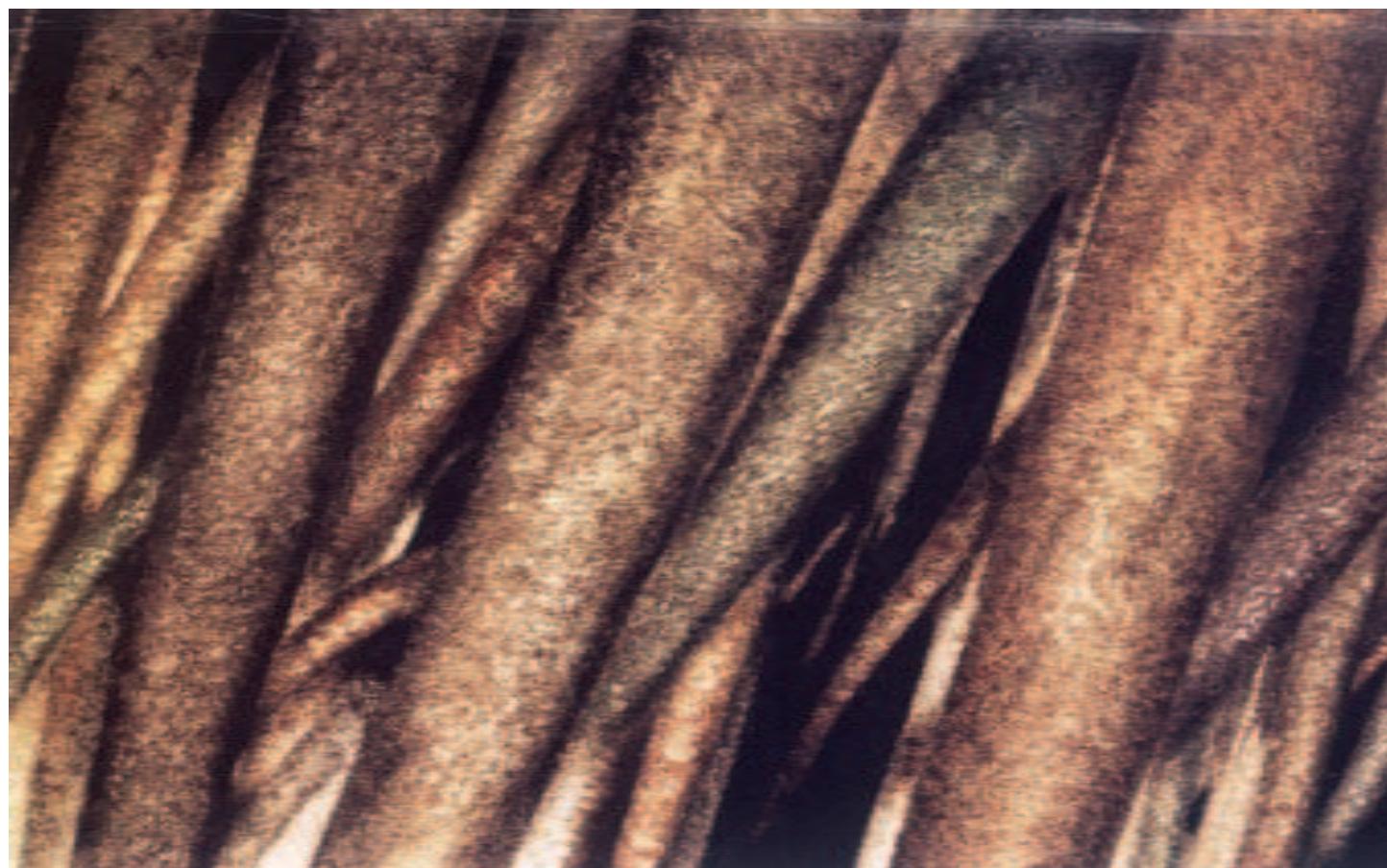
همزمان با جریان نقاشی خط همراه با نقش مایه‌های سنتی و مذهبی، مواد و مصالح بومی و آشنایی با زبان هنر معاصر حدود ۱۳۴۱ شمسی و به طور رسمی در سال ۱۳۴۳ شمسی مکتب سقاخانه در ایران شکل می‌گیرد و در چهارمین بینال^{۷۲} سال ۱۳۴۳ به رسمیت شناخته می‌شود. از هنرمندان این مکتب حسین زنده رودی، پیل آرام، رضا مافی (تصویر ۱۰۰-۷)، ناصر اویسی، منصور قندریز، و جعفر روحی‌خش را می‌توان نام برد.

گرایش‌های آزاد

هم چنین گرایشاتی با تاثیر پذیری از هنر خاور دور توسط سه راب سپهری (تصویر ۱۰۱-۷) ، هنر مفهومی و پاپ ایرانی به عنوان گرایشات آزاد شکل می‌گیرد و پس از انقلاب اسلامی هنر با گرایش‌های انقلابی، اسلامی و آزاد ادامه پیدا می‌کند.



۱۰۰- اثر رضا مافی



۱۰۱- اثر سهراب سپهری

پرسش

- ۱- مکتب تبریز ۲ در کدام حکومت شکل گرفت؟ ویژگی مهم آن را توضیح دهید.
- ۲- با ذکر مثال، ویژگی مکتب مشهد و قزوین را بنویسید.
- ۳- مکتب قزوین دوره‌ی صفوی چه تغییر و تحولی در نگارگری به وجود آورد؟ توضیح دهید.
- ۴- مکتب اصفهان توسط چه کسی ابداع شد؟ و چه تغییراتی در هنر نگارگری به وجود آورد؟
- ۵- شیوه‌ی خاص رضا عباسی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۶- در مکتب اصفهان شاهد چه تغییرات کاربردی در زمینه نقاشی هستیم؟
- ۷- دو شیوه‌ی رایج نگارگری دوران آخر صفویه را نام ببرید.
- ۸- مهم ترین تحول نقاشی در دوران آخر صفویه را نام ببرید.
- ۹- ویژگی آثار نگارگری دوره‌های جدید را بیان کنید.
- ۱۰- مکتب قاجاریه به چند دوره قابل تقسیم است؟ توضیح دهید.
- ۱۱- گسترش چاپ سنگی چه تأثیری در نگارگری دوران قاجاریه گذاشت؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۱۲- همزمان با دوره‌ی مشروطیت چه مکتب نگارگری شکل گرفت؟ توضیح دهید.
- ۱۳- مکتب سقاخانه‌ای را با ذکر نام چند هنرمند این مکتب توضیح دهید.

منابع فارسی

- گاردنر، هلن - هنر در گذر زمان ، مترجم محمد تقی فرامرزی ، انتشارات آگاه، ۱۳۸۷
- اتینگهاوزن ، ریچارد - هنر و معماری اسلامی جلد ۱ و ۲ - مترجم دکتر یعقوب آژند- انتشارات سمت ۱۳۷۸
- ۵.و. جنسن - تاریخ هنر - انتشارات علمی و فرهنگی - مترجم پرویز مرزبان - ۱۳۸۸
- تریگیر ، مری - هنر چین - مترجم فرزانه طاهری - فرهنگستان هنر - ۱۳۸۴
- استنلی بیکر، جوان- هنر ژاپن - مترجم نسترن پاشایی - فرهنگستان هنر ۱۳۸۴
- گریشمن ، رومن - هنر ایران - مترجم یعقوب آژند- انتشارات مولی ۱۳۸۲
- پوپ، آرتور- سیری در هنر ایران - گروه مترجمان سیروس پرهاشم - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۸۸
- کوماروسوامی، آناندا کنیتیش - هنر هند - مترجم دکتر امیر حسین ذکر گو- انتشارات فرهنگسرای هنر - ۱۸۷۷

منابع لاتین

- Dialogues In Art History, From Mesopotamian To Modern, ۲۰۰۹

National Gallery

- Poke, Grant ,Art History ,۲۰۰۷, Mcgraw-Hill
- Harris, Jonathan ,Art History ,۲۰۰۶,Routledge
- Gardner, Itelen ,Art Through The Ages, ۲۰۰۱, Havcourt Collrge
- Kuhrt, Amelie, The Persian Empire, ۲۰۰۷, Routledge
- Gutis, John, Nush-I Janiii, ۱۹۸۴,British Institute
- Sarkhosh Curtis,Vestis,Birth Of The Persian Empire, ۲۰۰۵, British

Museum

- Canby, Sheila ,The Golden Age Of Persian Art ,۲۰۰۰, Abrams

- Bahari, Ebadollah Bihzad, ۱۹۹۶, Tauris
- Bancroft, Hunt, Norman, Historical Atlas Of Ancient Mesopotamia, ۲۰۰۴,
Checkmark Books
 - Frankfort, Groenewen, Art Of The Ancient World, ۱۹۷۱, Abrams
 - Wolff, Walther, Early Civilizations , ۱۹۸۹, Herbert
 - Miller ,Hans Wolfgang, The Royal Gold Of Ancient Egypt, ۱۹۹۹
 - Albanese, Marilia, Ancient India, ۲۰۰۱, White Star Taurus
 - Chakraverty, Anjan, Indian Miniature Painting, ۱۹۹۶, Tiger Books
 - Steuber Jason, The Art Of China, ۲۰۰۷ ,Scriptum
 - Paine, Robert Treat, The Art And Architecture Of Japan, ۱۹۸۱, Penguin
- Books
 - Grabar, Oley , masterpieces of Islamic art , ۲۰۰۹
 - Grabar, Oley early Islamic art , ۲۰۰۵ yale university
 - Rogers, J-m, the arts of islam, ۲۰۰۷

